

بسم الله الرحمن الرحيم

چکیده مقالات و آثار برگزیده هفدهمین کنگره پیشگامان پیشرفت

«فناوری‌های نوظهور و آینده پیشرفت ایران

(چالش‌ها، فرصت‌ها و راهکارها)»

۱۱ خرداد ۱۴۰۵

این کنگره به صورت حضوری-مجازی برگزار شد.

رهبر شهید انقلاب اسلامی:

آنچه که ما بر آن اصرار می‌ورزیم و تأکید می‌کنیم، این است که علم برای کشور، یک سرمایه‌ی بی‌پایان و تمام‌نشده است. اگر چرخه‌ی تولید علم در یک کشوری به راه افتاد، اگر استعدادی وجود داشت و به جریان افتاد، اگر ظرفیت‌ها شروع کرد به بروز و ظهور، آن وقت این دیگر منبع تمام‌نشده است. علم یک پدیده‌ی درون‌زاست؛ چیزی نیست که انسان برای آن ناچار و ناگزیر باشد وابسته شود. بله، اگر شما بخواهید علم حاضر و آماده را بگیرید، همین است؛ وابستگی دارد، احتیاج دارد، دست دراز کردن دارد؛ اما بعد از آنکه بنیان علمی در یک کشوری به وجود آمد، استعداد هم در آن کشور وجود داشت، آن وقت حالت چشمه‌های جوشان را پیدا می‌کند ...

بیانات در دیدار جمعی از پژوهشگران و مسئولان شرکت‌های دانش‌بنیان (۱۳۹۱/۰۵/۰۸)

دیرخانه هفدهمین کنگره پیشگامان پیشرفت

چکیده مقالات و آثار برگزیده هفدهمین کنگره پیشگامان پیشرفت:

فناوری‌های نوظهور و آینده پیشرفت ایران (چالش‌ها، فرصت‌ها و راهکارها)

تلفن: ۰۲۱-۸۸۶۳۴۰۰۸

دورنگار: ۰۲۱ ۸۸۶۳۴۰۰۸

وبگاه: kpip.olgou.ir

نشانی: تهران، خیابان دکتر احمدی، روبه‌روی بیمارستان شریعتی، شماره ۳

مسئولیت دیدگاه‌های بیان شده در چکیده‌های مقالات بر عهده نویسنده (گان) محترم است.

هفدهمین کنگره پیشگامان پیشرفت

«فناوری‌های نوظهور و آینده پیشرفت ایران (چالش‌ها، فرصت‌ها و

راهکارها)»

محورهای موضوعی:

- فناوری‌های هوشمند و تحول‌آفرینی در اقتصاد دیجیتال ایران
- حکمرانی سکویی و الزامات تحول ساختاری اقتصاد ایران
- گسترش کارآفرینی فناورانه و نقش استارت‌آپ‌ها، شرکت‌های دانش‌بنیان و کارآفرینان
- تجاری‌سازی تولیدات فناوری؛ نقش فن‌بازارها، کارگزاران تجارت فناوری و دیپلماسی
- چالش‌ها، فرصت‌ها و راهکارهای سرمایه‌گذاری و تأمین مالی نوآوری در ایران
- گسترش صنایع خلاق، فرهنگی و فناوری‌های نرم و نقش پارک‌های علم و فناوری
- نوآوری‌های اجتماعی و رابطه آن با پیشرفت فراگیر و عدالت‌محور
- امنیت سایبری، تاب‌آوری زیرساخت‌ها و چالش‌های آینده
- ارتقای کیفیت و پایداری اینترنت، مشارکت جامعه مدنی و رونق کسب و کارهای فناورانه
- ظرفیت‌های هوش مصنوعی در حوزه آب، انرژی و محیط زیست
- فناوری‌های نوظهور و چالش‌های حوزه اخلاقی، حریم خصوصی و مشاغل
- ظرفیت‌های تحول‌آفرین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در توسعه اقتصاد دانش‌بنیان
- تجربه‌های موفق جهانی در حکمرانی فناوری‌های نوظهور و بومی‌سازی آن بر اساس نیازهای ملی و محلی

اعضای کمیته علمی هفدهمین کنگره پیشگامان پیشرفت

دکتر آریتا بلالی اسکویی؛ رئیس پارک علم و فناوری آذربایجان شرقی
دکتر علی چاپرک؛ استادیار پژوهشگاه نیرو
دکتر حجت‌اله حاجی حسینی؛ دانشیار سازمان پژوهش‌های علمی و صنعتی ایران
دکتر رضا حافظی؛ استادیار مؤسسه تحقیقات سیاست علمی کشور
دکتر سید جواد حسینی؛ مدیر عامل شرکت خدمات فناوری تکچی
دکتر محمد حسینی مقدم؛ استادیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
دکتر بابک حمیدیا؛ استادیار دانشگاه امام صادق (ع)
دکتر محمد صالح خالقی؛ دبیر شبکه فن بازار ملی ایران
دکتر معصومه خان احمدی؛ مدیرکل دفتر سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و توسعه فناوری و نوآوری وزارت عتف
دکتر ابوالقاسم سرآبادانی؛ استادیار دانشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس
دکتر محمدنبی شهیکی؛ معاون فناوری و نوآوری وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
دکتر توحید فیروزان سرنقی؛ مدیرکل دفتر پشتیبانی امور فناوری و نوآوری وزارت عتف
دکتر سپهر قاضی‌نوری؛ استاد دانشگاه تربیت مدرس
دکتر مجتبی قلی‌پور؛ عضو هیئت علمی پژوهشکده مطالعات راهبردی
دکتر داوود مسعودی؛ مدیر اندیشکده حکمرانی هوشمند
دکتر سید عباس موسوی؛ دانشیار دانشگاه صنعتی شریف
دکتر حسین نادری‌منش؛ استاد دانشگاه تربیت مدرس
دکتر شهریار نیک‌نژاد؛ رئیس پارک فناوری سازمان پژوهش‌های علمی و صنعتی ایران

اعضای کمیته‌های هماهنگی
هفدهمین کنگره پیشگامان پیشرفت

دبیر کنگره: دکتر حسینعلی بهرامی

امور علمی

همکاران: دکتر حجت‌اله حاجی حسینی؛ دکتر همت ایمانی

امور ارتباطات

مسئول: علی متقیان

همکاران: احمد کرد و احسان عباسی

امور انتشارات

مسئول: دکتر نجف الهیاری فرد

همکاران: غلامعلی فرامرزی، دکتر غلامرضا زارع

امور اجرایی و پشتیبانی

دبیر کمیته اجرایی و مسئول پشتیبانی: محمدرضا رضانیا

همکاران پشتیبانی: سیروس قنادی و مصطفی نوری

امور فناوری اطلاعات

مسئول: دکتر مهرداد روانشاد

همکاران: دکتر امیرمحمد طاهری و مهندس بهلول محمدی

دبیر خانه

مسئول: دکتر همت ایمانی

همکار: غلامعلی فرامرزی، دکتر ابوالفضل امیرور

فهرست

بخش اول

مقالات شفاهی

- ۱۱ مبانی و آثار حقوقی مالکیت شناختی در عصر نورو فناوری
محمدجواد حیدریان دولت آبادی
- ۱۲ توسعه یک مدل نظری برای تاب آوری اکوسیستم‌های کارآفرینی فناورانه در شرایط شوک‌های اقتصادی-اجتماعی
جواد مقتدر کارگران
- ۱۳ کاربرد فناوری دیجیتال و هوش مصنوعی در بهینه‌سازی طراحی و مدیریت پروژه‌های عمرانی برای تسریع پیشرفت زیرساختی کشور
فرناز خالقی، محمدمهدی فخرائی
- ۱۴ بررسی وضعیت ایران و جهان در دانش کوانتوم و راهکارهای ارتقای آن
محمد بدری
- تحلیل چالش‌ها و فرصت‌های توسعه اقتصاد دیجیتال در استان‌های کمتر توسعه‌یافته ایران (با تأکید بر استان آذربایجان غربی)
سید میثم اسماعیلی، صمد حکمتی فرید
- ۱۵ بازطراحی اخلاق دانشگاهی در زیست‌بوم فناوری‌های نوظهور: یک مطالعه فراترکیب پیرامون حریم خصوصی و هویت حرفه‌ای اساتید
حسین مرادی مخلص، امیرحسین عمویی رازانی
- ۱۶ حکمرانی هوش مصنوعی بر مبنای آموزه‌های قرآنی و الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت: الزامات، چالش‌ها و راهکارها
محمدمهدی کریمی نیا
- ۱۷ سناریوهای آینده امنیت اجتماعی دانش‌آموزان در بستر فضای مجازی و فناوری‌های نوظهور: الزامات حکمرانی هوشمند در ایران
سوگند خاکسار
- ۱۸ طبقه‌بندی عوامل مؤثر بر موفقیت شرکت‌های دانش‌بنیان: مطالعه فراترکیب
امید مهدیه
- ۱۹ دانشگاه‌های نسل چهارم در ایران: واسطه‌گری هوشمند میان فناوری‌های نوظهور و نیازهای صنعتی
سکینه سجودی، المیرا عزیزی
- ۲۰ بررسی الزامات سیاستی به منظور توسعه و پیشبرد فناوری‌های همگرا در ایران
قاسم آزادی احمدآبادی
- ۲۱ فراسوی الگوریتم: هوش مصنوعی در آینه حکمت متعالی و مرزهای ناگشودنی آن
فراسوی الگوریتم: هوش مصنوعی در آینه حکمت متعالی و مرزهای ناگشودنی آن

مسعود طالبی مقدم

نقش آفرینی نخبگان جوان در اقتصاد دانش بنیان با هدایت بنیاد ملی نخبگان ۲۴

محسن کارمزدی

طراحی و توسعه چارچوب مبتنی بر فناوری سیستم اطلاعات جغرافیایی به منظور انتخاب سایت‌های

استراتژیک نیروگاه‌های خورشیدی ۲۵

سعیده ناصحی

بررسی فناوری‌های مالی، زنجیره بلوکی و پرداخت‌های دیجیتال به عنوان ابزارهای تحول آفرین در

روابط اقتصادی با کشورهای عضو بریکس ۲۷

رضا فرنی، احمد پیشگاه‌زاده، محمدرضا گندمی

پارک‌های علم و فناوری موتور محرکه اقتصاد خلاق؛ بستری برای توسعه فناوری‌های نرم ۲۸

محمدجواد کرباسی، منوچهر کرباسی

فناوری‌های نوظهور و مسیر پیشرفت ایران: تحلیل اجتماعی و نهادی هوش مصنوعی ۲۹

احمد عباسی دره‌پیدی، حسین عباسی، مانده باباخانی، فاطمه عرفانی نجف‌آبادی

روایت‌گری (همانند فناوری نرم) و نقش آن در توسعه صنایع دستی ایران ۳۱

محمدعلی فیض‌پور، ملیحه‌السادات شیخ‌علیشاهی

تحلیل اهمیت مؤلفه‌های فضای کسب و کار در کشورهای حوزه سند چشم‌انداز ۳۲

سیاوش جانی

تأثیر اقتصاد دیجیتال بر رشد غیرنفتی و نوآوری در امارات متحده عربی (۲۰۱۸-۲۰۲۳) ۳۳

امین نواختی مقدم، حجت‌الله دهقان کلور

نقش بودجه عمومی در توسعه زیرساخت‌های بنیادین هوش مصنوعی: نقدی بر اعتبارات برنامه ملی

هوش مصنوعی در لایحه بودجه ۱۴۰۵ ۳۵

رضا فرنی، مسلم رضاپور

روندهای جهانی گسترش کارآفرینی فناورانه و آینده پیشرفت ایران ۳۷

علی رضا خرم روز

حکمرانی دیجیتال چین: معماری فناورانه تجمیع و پاسخگویی به مطالبات مردمی با نگاهی به الگوهای

بومی‌سازی برای ایران ۳۹

مریم محمدزاده

بازتاب فناوری‌های نوظهور با تأکید بر کاربردهای هوش مصنوعی در حوزه‌های حکمرانی و اقتصادی. ۴۰

محمدرضا رضوانی

بخش دوم

مقالات پوستری

فناوری‌های نوظهور و آینده پیشرفت ایران: تخت فولاد و گردشگری معنوی ۴۲

زهرا ترکی

- تعمق در چالش‌های معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی شناخت فضایی در علوم جغرافیایی و نحوه تأثیرگذاری این چالش‌ها بر طراحی پژوهش‌ها و رویکردهای گوناگون مطالعاتی..... ۴۳
نویید مشتاقی، امید امراء، پونه پردلی
- مدل‌های موفق ژاپن در مدیریت ریسک زلزله با فناوری‌های نو و امکان پیاده‌سازی در ایران..... ۴۴
فرناز خالقی، محمدمهدی فخرائی
- کاربرد فناوری‌های نوظهور در اکتشاف هوشمند مواد معدنی ایران: فرصت‌ها، چالش‌ها و راهبردهای پیشرفت پایدار..... ۴۵
رضا معزی نسب
- چشم‌انداز آینده هوش مصنوعی در آموزش گردشگری آموزشگاه‌های آزاد فنی و حرفه‌ای شهرستان ابرکوه..... ۴۶
سید شهاب‌الدین هدایتی
- اثر دانشگاه کارآفرین بر فعالیت‌های اقتصادی دانش‌بنیان..... ۴۷
مجید رضایی
- بررسی جنبشی جذب رقابتی آب و گاز در فرآیند ترشوندگی زغال‌سنگ گازدار با رویکرد آزمایشگاهی-مولکولی..... ۴۸
محمد امین زارعی درمیان
- الگوی موفق تجاری‌سازی فناوری‌های سلامت دیجیتال در ایران؛ مطالعه موردی سامانه هوشمند غربالگری یکپارچه «نفس»..... ۵۰
دانیال نژادمعصوم، مریم رادین منش
- بررسی ارتباط بین سبک‌های مدیریت کلاس درس با مهارت‌های حرفه‌ای و انگیزش پذیرش نوآوری هوش مصنوعی در معلمان مقطع ابتدایی شهر اصفهان..... ۵۱
ستاره موسوی، مینا چکشی
- نقش پارک‌های علم و فناوری در گسترش صنایع خلاق و فرهنگی به کمک فناوری‌های نرم..... ۵۲
روح‌الله یوسفی
- ظرفیت‌های هوش مصنوعی در حوزه آب، انرژی و محیط‌زیست..... ۵۳
روح‌الله یوسفی
- حکمرانی هوشمند داده‌مبنا: راهی به سوی پیشرفت ایران با فناوری‌های نوظهور..... ۵۴
زهرا تندپور
- فرصت‌ها و تهدیدهای آموزش مجازی و راه‌های افزایش کارآیی..... ۵۵
عبدالغفور جامی رودی
- رمزبینه‌های سریع پاسخ: ظرفیت بالقوه و بالفعل برای تحول فناورانه در آموزش زبان خارجی در نظام آموزش رسمی..... ۵۶
رضا خیرآبادی، معصومه خیرآبادی
- گسترش کارآفرینی فناورانه و نقش استارت‌آپ‌ها، شرکت‌های دانش‌بنیان و کارآفرینان..... ۵۷

ثمین آدینه

- ۵۸ فناوری‌های نوظهور و چالش‌های حوزه اخلاقی، حریم خصوصی و مشاغل
حسام‌الدین صالحی
- ۵۹ تهدیدات امنیتی در زمینه ارزش‌های دیجیتال
روح اله یوسفی، سعید طیبی
- ۶۰ استفاده از هوش مصنوعی (AI) در جنگ ترکیبی
روح اله یوسفی، سعید طیبی
- ارزیابی تاب‌آوری شبکه‌های سبز با به‌کارگیری فناوری‌های نوین سنجش از دور و متریک‌های سیمای
سرزمین
سعیده ناصحی
- نقش سازوکارهای نوآورانه مشارکت مردمی در تحقق طرح‌های راهبردی-ساختاری شهری
عدالت‌محور و پایدار
سعیده ناصحی
- پیامدهای روان‌شناختی و اجتماعی هوش مصنوعی در مسیر پیشرفت ایران: دلالت‌هایی برای نظام
مشاوره و سلامت روان
احمد عباسی دره‌بیدی
- ۶۵ چالش‌های فضای مجازی در تهدید سبک زندگی اسلامی
عبدالغفور جامی رودی
- تأثیر هوش مصنوعی بر ریسک سرمایه‌گذاری در عرضه فرآورده‌های نفتی: پژوهش تجربی با استفاده از
نرم‌افزار SPSS
حسین خمجانی
- مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال حملات سایبری عوامل غیردولتی؛ از کنترل مؤثر تا مراقبت
بایسته: مروری انتقادی بر چالش‌های انتساب و خلأهای حقوقی در نظام بین‌الملل
اکبر حیدری، زهرا قاسمی، اکبر حسنلو، مجید اجاقلو
- تبیین گفتمان «پیشرفت تربیتی» در اسناد بالادستی آموزش و پرورش ایران: از آرمان‌های سند تحول
بنیادین تا الزامات اقتصاد دانش‌محور
سید حسین موسوی، محمد حیدری، افسانه امامی، عباس نادری
- به‌کارگیری هوش مصنوعی در تحلیل روند آتی ثبت اجارات، مستغلات و فروش؛ مطالعات موردی:
حوزه حکمرانی وقف و املاک وقفی
مصطفی دزفولی، شیما حاجی‌حسین، سمیه احمدی
- ۷۱ تحلیل استراتژی اولویت‌دار نظام علم و فناوری و شبیه‌سازی سیاست‌های تحقق آن
امیرمحمد پروز، امین وحیدی منفرد؛ بهناز وحیدی منفرد؛ مصطفی دزفولی؛ فاطمه زهرا هاشمی؛ امیرعباس جورابچی
- تعالی هوشمند در سازمان‌های نسل پنجم و نقش آن در رشد اقتصاد ملی مبتنی بر الگوی اسلامی ایرانی
پیشرفت
۷۲

حبیب کراری

ارتقای بهره‌وری سبز از طریق هم‌افزایی هوش مصنوعی (AI) و اینترنت اشیاء صنعتی سبز (G-IoT) ۷۳

جابر تقی زاده

بررسی فناوری‌های هوشمند و تحول آفرین در اقتصاد دیجیتال ایران: زیرساخت‌ها، کاربردها و چشم‌انداز ۷۴

محمدرضا جهانگیر

اینترنت اشیاء و هوش مصنوعی به عنوان راهکارهای پایداری منابع طبیعی ۷۵
بابک وفاتی*، عزت‌اله قنواتی، امیر صفاری، سعید خضری

گذار به سوی نسل پنجم آموزش در ایران: واکاوی چالش‌های کلان و ترسیم نقشه راه تحول ۷۶
محمد لعلی*، آمنه لعلی، کبری لعلی، نرگس زاهد

حکمرانی سکویی و الزامات تحول ساختاری اقتصاد ایران ۷۸
یاسر نجفی مهر، لیلی محمدی

الگوی آینده نگارانه حکمرانی داده در ایران: الزامات گذار به اقتصاد سکویی و تحول ساختاری ۷۹
یاسر نجفی مهر، مسلم رضاپور، لیلی محمدی

اثرات مداخلات درونی بر کارایی بازار ارز در ایران ۸۱
عباس حمزه خانی

اصول معماری عصب محور مبتنی بر حکمت اسلامی ۸۲
زینب راحتی، جمال‌الدین مهدی نژاد، سید علی سیدیان

بخش سوم

شعر و ادبیات پیشرفت

حرکت رو به جلو، قدم به قدم ۸۴
مهدی رحمانی منشادی

میراث ۵ ۹۳
حسن خسروی وقار

بخش چهارم

رساله‌های برتر و شایسته‌قدردانی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

تحلیلی بر آینده‌نگاری راهبردی برنامه‌ریزی و توسعه گردشگری اسلامی و حلال در ایران؛ با تأکید بر شخصیت مقصد و برندسازی ۱۰۱

بهنام کیان

مدل گذار از نوآوری‌های فناورانه به نوآوری‌های طراحی محور در صنایع خلاق و فرهنگی ایران ۱۰۳
جواد امانی

- تحلیل اثر ترکیبی ابزارهای سیاستگذاری دولت در توسعه تولید برق از انرژیهای تجدیدپذیر در ایران:
رویکرد کنترل مدل پیشین ۱۰۴
معصومه علیپوریان
- پیشران‌های اثرگذار بر آینده سیاسی قومیت در جمهوری اسلامی ایران و ظرفیت‌های سند الگوی
اسلامی ایرانی پیشرفت برای مواجهه با آنها..... ۱۰۵
سلیمان طائی حسن‌لویی
- تحلیل گفتمان فقر در دولت‌های سوم تا سیزدهم جمهوری اسلامی ایران ۱۰۷
رحمان فراهانی
- تبارشناسی ایده عقب‌ماندگی در ایران (تا قبل از مقطع انقلاب اسلامی ایران) ۱۰۹
رضا پارسا مقدم

بخش اول
مقالات شهابی

مبانی و آثار حقوقی مالکیت شناختی در عصر نورو فناوری

محمدجواد حیدریان دولت آبادی^۱

چکیده:

در عصر حاضر، با پیشرفت چشمگیر فناوری های شناخت محور نظیر نوروساینس، بیوانفورماتیک و داده کاوی ذهنی، مرزهای سنتی میان «فکر» و «فعل» به طور فزاینده ای کمرنگ شده اند و پرسش های حقوقی و اخلاقی نوینی درباره مالکیت و حریم ذهن انسان مطرح شده است. این مقاله با هدف بررسی مفاهیم «حریم شناختی» و «مالکیت ذهن» در بستر فقه اسلامی، حقوق داخلی ایران و حقوق بشر بین الملل تدوین شده است. پژوهش حاضر با روش تحلیلی-تطبیقی و بهره گیری از منابع فقهی، حقوق تطبیقی و اسناد بین المللی به دنبال پاسخ به این پرسش هاست: آیا ذهن انسان به عنوان یک دارایی شناختی دارای حریم و مالکیت است؟ فقه اسلامی با توجه به اصولی چون حرمت تجسس، قاعده لاضرر، اصل عدم سلطه بدون رضایت و کرامت انسانی تا چه اندازه ظرفیت حمایت از این حق را دارد؟ همچنین، جایگاه حقوق شناختی در اسناد و قوانین حقوق بشر معاصر چگونه تبیین می شود؟ نتایج مطالعه نشان می دهد که ذهن نه تنها به عنوان مرکز اصلی حریم شخصی، بلکه به عنوان یک دارایی شناختی حیاتی قابل مالکیت و حمایت است و خلأهای قانونی موجود در نظام های حقوقی داخلی و بین المللی ضرورت تدوین چارچوب های حمایتی جدید را برجسته می سازد. همچنین، فقه اسلامی به عنوان منبعی غنی و پویا قابلیت تطبیق و استخراج حقوق شناختی را دارد که می تواند مبنایی برای صدور فتاوی و قوانین حمایت کننده در عصر فناوری های شناختی باشد. در نهایت، این مقاله ضرورت تدوین منشور حقوق شناختی ملی و بین المللی و ایجاد اجماع فقهی-حقوقی برای حفاظت از حریم ذهن را مورد تأکید قرار می دهد و پیشنهادهایی برای توسعه حقوق شناختی در ایران ارائه می کند. این پژوهش، با نگاهی میان رشته ای و آینده پژوهانه، گامی اساسی در جهت تثبیت حقوق بنیادین بشر در عرصه نوین فناوری های شناختی برداشته است.

واژگان کلیدی: مالکیت ذهن، حریم شناختی، حقوق شناختی، آزادی شناختی، فقه اسلامی، حقوق بشر، حریم خصوصی روانی، نوروساینس، قاعده لاضرر، کرامت انسانی، فناوری های شناخت محور، قانون گذاری شناختی، حقوق نورو شناختی، خودمختاری شناختی.

توسعه یک مدل نظری برای تاب آوری اکوسیستم های کارآفرینی فناورانه در شرایط شوک های اقتصادی-اجتماعی

جواد مقتدر کارگران^۱

چکیده:

این پژوهش با هدف تبیین ابعاد و روابط تاب آوری در اکوسیستم کارآفرینی فناورانه ایران و توسعه یک مدل نظری بومی مبتنی بر داده انجام شد. مطالعه با رویکرد کیفی و بهره گیری از روش نظریه داده بنیاد سیستماتیک استراوس و کوربین اجرا گردید. داده ها از طریق ۲۳ مصاحبه نیمه ساختاریافته عمیق با بازیگران کلیدی اکوسیستم شامل بنیان گذاران استارت آپ ها، مدیران شرکت های دانش بنیان، سرمایه گذاران خطرپذیر و سیاست گذاران جمع آوری و تا رسیدن به اشباع نظری تحلیل شدند. تحلیل داده ها در سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی انجام شد که در نتیجه آن ۱۸۷ کد اولیه و پنج مقوله اصلی استخراج گردید. مقوله محوری «تاب آوری پویا از طریق نوآوری راهبردی» به عنوان هسته مرکزی مدل شناسایی شد. مدل نهایی بیانگر آن است که تاب آوری در سطح اکوسیستم، پدیده ای چندبعدی و فرآیندی است که از تعامل هم زمان عوامل راهبردی، اجتماعی، رهبری و فناورانه، در بستر نهادی و حاکمیتی مناسب شکل می گیرد. یافته ها نشان می دهد که سرمایه اجتماعی و قابلیت های رهبری نقش پیش نیازی در طراحی و اجرای راهبردهای انطباقی ایفا می کنند و نوآوری فناورانه مهم ترین مکانیسم برای تبدیل شوک ها به فرصت های رشد و تداوم محسوب می شود. این مدل می تواند مبنایی برای سیاست گذاری های انعطاف پذیر و راهنمای عملی برای تقویت تاب آوری در شرایط عدم اطمینان باشد.

واژگان کلیدی: تاب آوری، اکوسیستم کارآفرینی فناورانه، شوک های اقتصادی-اجتماعی، نظریه داده بنیاد، استارت آپ ها، شرکت های دانش بنیان

۱. دانش آموخته دکتری تخصصی مدیریت دولتی، پژوهشگر و مدرس دانشگاه، j.moghtader69@gmail.com

کاربرد فناوری دیجیتال و هوش مصنوعی در بهینه‌سازی طراحی و مدیریت پروژه‌های عمرانی برای تسریع پیشرفت زیرساختی کشور

فرناز خالقی^۱، محمدمهدی فخرائی^۲

چکیده:

پیشرفت زیرساخت‌های عمرانی کشور نقش تعیین‌کننده‌ای در توسعه اقتصادی و اجتماعی دارد و بهره‌گیری از فناوری‌های نو ظهور می‌تواند این فرآیند را تسریع و بهینه کند. مقاله حاضر به بررسی کاربرد فناوری‌های دیجیتال و هوش مصنوعی در طراحی، مدیریت و اجرای پروژه‌های عمرانی می‌پردازد. با استفاده از مدل‌سازی اطلاعات ساختمان (BIM)، الگوریتم‌های هوش مصنوعی و اینترنت اشیا (IoT)، امکان تحلیل داده‌های بزرگ پروژه‌های عمرانی فراهم می‌شود که منجر به تصمیم‌گیری‌های سریع، کاهش هزینه‌ها، افزایش ایمنی و بهبود کیفیت سازه‌ها می‌گردد. در این پژوهش، ابتدا چارچوبی برای یکپارچه‌سازی فناوری‌های نوین در چرخه عمر پروژه‌های عمرانی ارائه شده و سپس با مطالعه موردی بر یک پروژه ملی، تأثیر استفاده از این فناوری‌ها بر بهره‌وری، زمان‌بندی و کاهش ریسک پروژه مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج نشان می‌دهد که به کارگیری سیستم‌های هوشمند، ضمن کاهش خطاهای انسانی و افزایش دقت برنامه‌ریزی، قابلیت پیش‌بینی و مدیریت بحران در شرایط بحرانی مانند تغییرات اقلیمی و حوادث طبیعی را بهبود می‌بخشد. همچنین، بهره‌گیری از این فناوری‌ها زمینه را برای توسعه زیرساخت‌های پایدار و مقاوم در کشور فراهم می‌کند. این مقاله با ارائه یک مدل عملیاتی و توصیه‌های کاربردی، مسیر پیاده‌سازی فناوری‌های دیجیتال و هوش مصنوعی در پروژه‌های عمرانی را ترسیم کرده و نشان می‌دهد که همگامی مهندسی عمران با نوآوری‌های فناورانه می‌تواند نقشی کلیدی در پیشرفت و توسعه پایدار کشور ایفا کند.

واژگان کلیدی: مهندسی عمران، هوش مصنوعی، فناوری دیجیتال، BIM، اینترنت اشیا، بهینه‌سازی پروژه، زیرساخت پایدار.

۱. دانشجوی دکتری تخصصی مهندسی عمران - ژئوتکنیک و مدرس موسسه آموزش عالی پاسارگاد، شیراز.
۲. دبیر علمی کارگروه تخصصی محیط‌زیست و خدمات شهری مرکز پژوهش‌های شورای اسلامی شهر شیراز.

بررسی وضعیت ایران و جهان در دانش کوانتوم و راهکارهای ارتقای آن

محمد بدری^۱

چکیده:

فناوری های کوانتومی در دهه اخیر به یکی از محورهای اصلی رقابت علمی و اقتصادی جهان تبدیل شده اند. با نام گذاری سال ۲۰۲۵ به عنوان سال بین المللی علم و فناوری کوانتومی، سرعت جهانی در سرمایه گذاری و نوآوری در این حوزه افزایش یافته است. هدف این پژوهش، تحلیل وضعیت فعلی و آینده فناوری کوانتومی در ایران و جهان ضمن ارائه راهکار برای بهبود عملکرد فعلی در این حوزه است. روش تحقیق مبتنی بر تحلیل داده ها از گزارش های رسمی بین المللی، اسناد سیاستی و آمارهای سرمایه گذاری در بازه ۲۰۲۳ تا ۲۰۲۵ و بررسی مراکز اصلی فعال کشور در حوزه کوانتوم است. ژاپن به عنوان الگوی دیرینه پیشرفت، با اتخاذ سیاست های راهبردی و تخصیص بودجه های چند میلیارد دلاری، جایگاه تثبیت شده ای در اکوسیستم جهانی کوانتوم یافته است، در حالی که ایران با وجود آغاز فعالیت در مراکز دانشگاهی و پژوهشی، هنوز در مراحل ابتدایی توسعه زیرساخت، سرمایه گذاری و افزایش نیروی انسانی قرار دارد. یافته ها حاکی است که تمرکز ایران بر دو حوزه رمزنگاری و حسگری کوانتومی، در مراکز فعال در سراسر کشور و نه فقط در تعداد محدودی از شهرها و همچنین نگاه مشارکتی به کشورهای شرق آسیا می تواند مسیر واقع بینانه تری برای ورود به اقتصاد کوانتومی و بهره مندی از ظرفیت های این حوزه باشد.

واژگان کلیدی: فناوری کوانتومی، رایانش کوانتومی، رمزنگاری کوانتومی، حسگری کوانتومی، ایران، ژاپن، سیاست علم و فناوری.

۱. دانشجوی دکتری فیزیک، گرایش کوانتوم، دانشگاه تحصیلات تکمیلی علوم پایه زنجان، دانشکده فیزیک،

m.badri@iasbs.ac.ir

تحلیل چالش ها و فرصت های توسعه اقتصاد دیجیتال در استان های کمتر توسعه یافته ایران (با تأکید بر استان آذربایجان غربی)

سید میثم اسماعیلی^۱، صمد حکمتی فرید^۲

چکیده:

اقتصاد دیجیتال به عنوان یکی از پیشران های اصلی رشد اقتصادی و توسعه پایدار، نقش مهمی در افزایش بهره وری، کاهش نابرابری های منطقه ای و ارتقای کیفیت زندگی ایفا می کند. با وجود رشد قابل توجه فناوری های دیجیتال در سطح ملی، توزیع فضایی منافع اقتصاد دیجیتال در ایران نامتوازن بوده و استان های کمتر توسعه یافته با چالش های ساختاری متعددی در این حوزه مواجه هستند. هدف این پژوهش، شناسایی و تحلیل چالش ها و فرصت های توسعه اقتصاد دیجیتال در استان های کمتر توسعه یافته ایران با تأکید بر استان آذربایجان غربی است. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده و داده ها از طریق مطالعه اسناد بالادستی، گزارش های رسمی و شاخص های زیرساخت اقتصاد دیجیتال استان ها گردآوری شده است. یافته های پژوهش نشان می دهد که شکاف زیرساختی، ضعف مهارت های دیجیتال، کیفیت پایین دسترسی به اینترنت و ناپایداری سیاست گذاری از مهم ترین چالش های توسعه اقتصاد دیجیتال در این استان ها به شمار می روند. در مقابل، جمعیت جوان، ظرفیت های بومی اقتصادی، هزینه پایین راه اندازی کسب و کارهای دیجیتال و تأکید اسناد بالادستی کشور بر توسعه اقتصاد دیجیتال، فرصت های قابل توجهی را برای این مناطق فراهم کرده است. در پایان، راهکارهایی سیاستی برای تسریع توسعه اقتصاد دیجیتال در استان های کمتر توسعه یافته ارائه می شود.

واژگان کلیدی: اقتصاد دیجیتال، توسعه منطقه ای، شکاف دیجیتال، استان های کمتر توسعه یافته، آذربایجان غربی.

۱. دانشجوی دکتری اقتصادسنجی دانشگاه ارومیه، نویسنده مسئول: me.esmaeili@urmia.ac.ir

۲. دانشیار گروه علوم اقتصادی دانشگاه ارومیه، s.hekmati@urmia.ac.ir

بازطراحی اخلاق دانشگاهی در زیست‌بوم فناوری‌های نو ظهور: یک مطالعه فراترکیب پیرامون حریم خصوصی و هویت حرفه‌ای اساتید

حسین مرادی مخلص^۱، امیر حسین عمویی رازانی^۲

چکیده:

زمینه و هدف: با گسترش سریع فناوری‌های نو ظهور مانند هوش مصنوعی در آموزش عالی، نگرانی‌های اخلاقی جدی در مورد حریم خصوصی و هویت حرفه‌ای اعضای هیئت علمی ایجاد شده است. این مطالعه با هدف بازطراحی اخلاق دانشگاهی در عصر فناوری‌های نو ظهور و شناسایی ابعاد تأثیرگذار بر حریم خصوصی و هویت حرفه‌ای اعضای هیئت علمی، از رویکرد فراترکیب استفاده کرده است.

روش پژوهش: این مطالعه بر اساس هدف به عنوان تحقیقات کاربردی، با توجه به ماهیت داده‌ها به عنوان تحقیقات کیفی و با توجه به اجرای آن جز پژوهش‌های فراترکیب با رویه هفت مرحله‌ای سندولوسکی و بارسو (۲۰۰۶) بود. کلیدواژه‌های مشخص در پایگاه‌های اطلاعاتی؛ مجلات نور، مگیران، سیویلیکا، گنج، علم‌نت؛ IJET، Scopus، Eric، Science direct و Google scholar جستجو گردید که پس از چندین مرحله غربالگری نهایتاً ۲۲ مقاله انتخاب شد و با کدگذاری و تحلیل مضمونی و متاستزی به ۶ مؤلفه ختم گردید.

یافته‌ها: از تحلیل متاستز، مؤلفه‌های حریم خصوصی داده‌ها و نظارت (نظارت فراگیر و خطر نقض حریم)، چارچوب‌های اخلاقی برای استفاده از فناوری (نیاز به سیاست‌های شفاف و آموزش اخلاقی)، مرزهای حرفه‌ای و محو شدن آنها (ادغام زندگی شخصی و کاری و ریسک آزار سایبری)، شکل‌گیری هویت و استقلال (تغییر نقش اعضای هیئت علمی و چالش خودانگاره)، آزادی آکادمیک

۱. دکتری تکنولوژی آموزشی، دانشیار گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، (نویسنده مسئول)، moradimokhles@basu.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری تکنولوژی آموزشی، گروه علوم تربیتی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، amir.amooeirazani@atu.ac.ir

در فضاهای دیجیتال (محدودیت های جدید ناشی از نظارت) و حقوق دیجیتال (کمبود آگاهی و ضرورت آموزش حقوق) استخراج گردید.

نتیجه گیری: فناوری های نو ظهور فرصت های ارزشمندی برای آموزش عالی فراهم می کنند اما بدون چارچوب های اخلاقی قوی، حریم خصوصی و هویت حرفه ای اعضای هیئت علمی را تهدید می نمایند. این مطالعه بر لزوم تدوین سیاست های دانشگاهی شفاف، آموزش مداوم سواد دیجیتال و مشارکت فعال اعضای هیئت علمی در تصمیم گیری های مرتبط با فناوری تأکید دارد تا تعادل میان نوآوری و حفظ ارزش های انسانی برقرار گردد. پیشنهاد می شود تحقیقات آینده بر بررسی اثرات بلندمدت این فناوری ها و طراحی راهکارهای عملی تمرکز کنند.

واژگان کلیدی: اخلاق دانشگاهی، فناوری های نو ظهور، حریم خصوصی، هویت حرفه ای، اعضای هیئت علمی.

حکمرانی هوش مصنوعی بر مبنای آموزه‌های قرآنی و الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت: الزامات، چالش‌ها و راهکارها

محمد مهدی کریمی نیا^۱

چکیده:

ظهور هوش مصنوعی به عنوان یکی از کلیدی‌ترین فناوری‌های نوظهور، حکمرانی در ابعاد مختلف جامعه را با چالش‌ها و فرصت‌های بی‌سابقه‌ای مواجه ساخته است. مسئله اصلی این پژوهش، تبیین چگونگی هدایت این فناوری در مسیر پیشرفت ملی، با تکیه بر مبنای اصیل دینی و اسناد بالادستی نظام جمهوری اسلامی ایران است. هدف از این مقاله، ارائه چارچوبی جامع برای حکمرانی هوش مصنوعی بر مبنای آموزه‌های قرآنی و انطباق آن با «الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت» جهت ارائه راهکارهای عملیاتی برای چالش‌های آینده است. این تحقیق با رویکردی توصیفی-تحلیلی، ابتدا به استخراج اصول بنیادین حکمرانی از آیات قرآن کریم پرداخته و سپس با تحلیل محتوای اسناد الگوی پیشرفت، نقاط اشتراک و الزامات سیاستی را استخراج نموده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که اصولی همچون «عدالت محوری دیجیتال»، «حفظ کرامت و خلافت الهی انسان»، «شفافیت و امانتداری در داده‌ها» و «مسئولیت‌پذیری اخلاقی»، ارکان اصلی حکمرانی مطلوب در این حوزه را تشکیل می‌دهند. همچنین در این مطالعه، چالش‌هایی نظیر تهدید استقلال ملی، نقض حریم خصوصی و شکاف دیجیتال واکاوی شده و راهکارهایی مبتنی بر بومی‌سازی فناوری و تدوین پروتکل‌های اخلاقی-حقوقی پیشنهاد شده است. نتایج پژوهش حاکی از آن است که تلفیق آموزه‌های قرآنی با ظرفیت‌های الگوی پیشرفت، می‌تواند مدلی نوآورانه از حکمرانی فناوری را ارائه دهد که علاوه بر پایداری زیرساخت‌ها، منجر به پیشرفت فراگیر و عدالت محور در ایران عصر دیجیتال شود.

واژگان کلیدی: حکمرانی هوش مصنوعی، آموزه‌های قرآنی، الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، فناوری‌های نوظهور، عدالت دیجیتال، اخلاق فناوری، پیشرفت ملی.

۱. استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، طلبه و پژوهشگر حوزه علمیه قم، نویسنده مسئول،

kariminiya2003@yahoo.com

سناریوهای آینده امنیت اجتماعی دانش‌آموزان در بستر فضای مجازی و فناوری‌های نو ظهور: الزامات حکمرانی هوشمند در ایران

سوگند خاکسار^۱

چکیده:

در دهه‌های اخیر، گسترش فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی به‌عنوان یکی از جلوه‌های فناوری‌های نو ظهور، نقش دوگانه‌ای در ارتقای فرصت‌ها و تشدید تهدیدهای امنیت اجتماعی دانش‌آموزان ایفا کرده است. در این میان، بهره‌گیری هوشمندانه از ظرفیت‌های آشکار و نهان فضای مجازی می‌تواند به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های کلیدی حکمرانی دیجیتال، زمینه‌ساز ارتقای امنیت اجتماعی نسل آینده کشور باشد. پژوهش حاضر با رویکرد آینده‌پژوهی، به شناسایی و تحلیل ظرفیت‌های فضای مجازی در ایجاد امنیت اجتماعی دانش‌آموزان ایران و تبیین الزامات سیاست‌گذاری هوشمند در این حوزه می‌پردازد.

این پژوهش با ماهیت توصیفی-تحلیلی و رویکرد کیفی، از طریق مشارکت ۳۱ نفر از خبرگان و متخصصان حوزه‌های مدیریت آموزشی، فضای مجازی و مطالعات اجتماعی انجام شده است. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه ماتریس آثار متقابل گردآوری و با بهره‌گیری از نرم‌افزار MICMAC تحلیل شدند. یافته‌ها منجر به شناسایی شش عامل کلیدی به‌عنوان ظرفیت‌های بنیادین اثرگذار بر امنیت اجتماعی دانش‌آموزان در فضای مجازی شد. نتایج تحلیل‌ها نشان می‌دهد وضعیت کنونی این ظرفیت‌ها در جامعه ایران از پایداری لازم برخوردار نیست و در صورت فقدان حکمرانی هوشمند و سیاست‌گذاری آینده‌نگر، می‌تواند به تشدید مخاطرات اجتماعی منجر شود. در پایان، پژوهش با ارائه چارچوبی آینده‌نگر، بر ضرورت طراحی سیاست‌های فناورانه و سازوکارهای حکمرانی دیجیتال برای بهره‌برداری ایمن و هوشمندانه از فضای مجازی در راستای ارتقای امنیت اجتماعی دانش‌آموزان تأکید می‌کند.

واژگان کلیدی: آینده‌پژوهی، حکمرانی هوشمند، فناوری‌های نو ظهور، فضای مجازی، امنیت اجتماعی، دانش‌آموزان ایران.

۱. دکتری جغرافیای انسانی، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده علوم زمین، sokhaksar@gmail.com

طبقه بندی عوامل مؤثر بر موفقیت شرکت های دانش بنیان: مطالعه فراترکیب

امید مهدیه^۱

چکیده:

شدت رقابت و افزایش نوآوری ها و تحولات فناوری منجر به رشد شرکت های دانش بنیان در سطح جهانی شده است. این شرکت ها به واسطه توانمندی ها و قابلیت های خود به موتور محرکه رشد اقتصادی تبدیل شده اند. تحقیق حاضر با استفاده از روش فراترکیب به دنبال شناسایی و طبقه بندی عوامل مؤثر بر موفقیت این نوع شرکت ها می باشد. برای این منظور مطالعات داخلی مرتبط با موضوع تحقیق شناسایی و مطالعه شدند و محتوای آنها با استفاده از روش کیفی، مورد تحلیل (کدگذاری) قرار گرفت. در مرحله اول کدگذاری، تعداد عوامل متعددی در سطوح فردی، سازمانی و محیطی شناسایی شدند که بعد از انجام مراحل بعدی کدگذاری، در قالب سی و شش مقوله (مضمون فرعی) و شش مضمون اصلی طبقه بندی گردیدند. مضامین اصلی شامل عوامل فردی، انسانی و ساختاری، بازاریابی و مالی، نوآوری و فناوری، مدیریتی، حمایت دولت و نهادهای مربوطه می باشند. خلاقیت و نوآوری، داشتن چشم انداز و انگیزه از مهم ترین عوامل فردی می باشند. فرهنگ نوآوری، شبکه سازی، کار تیمی، نیروی کار دانشی و خلاق از مهم ترین عوامل انسانی و ساختاری به شمار می روند. استفاده بهینه از فناوری در راستای تحقیق و توسعه، خلق دانش و توسعه محصولات جدید از عوامل مهم نوآوری و فناوری هستند. از عوامل مدیریتی نیز می توان به شایستگی مدیریتی، برنامه ریزی و جهت گیری راهبردی اشاره کرد.

واژگان کلیدی: شرکت دانش بنیان، استارت آپ، نوآوری، رقابت، عوامل موفقیت.

۱. دانشیار گروه مدیریت، دانشگاه زنجان، mahdieh@znu.ac.ir

دانشگاه‌های نسل چهارم در ایران: واسطه‌گری هوشمند میان فناوری‌های نوظهور و نیازهای صنعتی

سکینه سجودی^۱، المیرا عزیزی^۲

چکیده:

این پژوهش به بررسی گذار دانشگاه‌های ایران به نسل چهارم می‌پردازد که در آن دانشگاه‌ها به عنوان واسطه‌گر هوشمند (Technology Broker) میان فناوری‌های نوظهور مانند هوش مصنوعی مولد، بیوتکنولوژی سنتتیک، محاسبات کوانتومی و مواد پیشرفته با نیازهای واقعی صنایع انرژی، سلامت، کشاورزی، دفاع و تولید هوشمند عمل می‌کنند. با وجود عملکرد درخشان ایران در تولید مقالات علمی (مانند رتبه چهارم جهانی در نانو تکنولوژی) و وجود بیش از ۱۳ هزار شرکت دانش‌بنیان، شکاف عمیقی میان دانشگاه و صنعت وجود دارد، به طوری که تنها ۴.۸ درصد بودجه تحقیقاتی دانشگاه‌ها از قراردادهای صنعتی تأمین می‌شود. پژوهش حاضر وضعیت موجود دانشگاه‌های پیشرو (شریف، تهران، امیرکبیر، علم و صنعت و فردوسی مشهد) را تحلیل کرده و موانع ساختاری، قانونی، فرهنگی و مالی را شناسایی می‌نماید، فرصت‌های پیش‌رو در حوزه فناوری‌های نوظهور را واکاوی می‌کند و در نهایت، الزامات و راهکارهای عملی گذار را در سطوح سیاستی، نهادی و عملیاتی ارائه می‌دهد که شامل اصلاح قوانین مالکیت فکری، ایجاد دفاتر انتقال فناوری حرفه‌ای، صندوق‌های اثبات امکان‌پذیری و مدل بومی دانشگاه به عنوان هاب نوآوری متناسب با اقتصاد مقاومتی و شرایط تحریم می‌باشد.

واژگان کلیدی: دانشگاه نسل چهارم، واسطه‌گری هوشمند، فناوری نوظهور، ارتباط دانشگاه و صنعت، اکوسیستم نوآوری، اقتصاد دانش‌بنیان، ایران.

۱. دانشیار دانشکده اقتصاد و مدیریت، دانشگاه تبریز، نویسنده مسئول، sakinehsojoodi@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری اقتصاد مالی، دانشگاه تبریز، elmira.azizi2000@gmail.com

بررسی الزامات سیاستی به منظور توسعه و پیشبرد فناوری‌های همگرا در ایران

قاسم آزادی احمدآبادی^۱

چکیده:

فناوری‌های همگرا شامل نانو تکنولوژی، زیست فناوری، فناوری اطلاعات و علوم شناختی به دلیل پتانسیل تحول آفرینی در حوزه‌های مختلفی نظیر امنیت، اقتصاد و سلامت، نیازمند چارچوب‌های سیاست گذاری نوین و یکپارچه است. این مقاله با مرور تحلیلی به مطالعه و بررسی چالش‌های اصلی ادغام این فناوری‌ها در فرآیندهای سیاست گذاری می‌پردازد و بر سه محور کلیدی تمرکز می‌کند: تکامل چارچوب‌های حکمرانی، تعادل بین هماهنگی بین‌المللی و سازگاری ملی و ضرورت حکمرانی مشارکتی. یافته‌ها نشان می‌دهد که سیاست گذاری سنتی، به دلیل پراکندگی، تأخیر نظارتی و غفلت از ابعاد اخلاقی، ناتوان از مدیریت پیچیدگی فناوری‌های همگرا است. در نتیجه، نیاز به چارچوب‌های آینده‌نگر، چندسطحی و مبتنی بر مشارکت ذی‌نفعان، ضروری به نظر می‌رسد. با توجه به بافتار سیاستی ایران، از جمله تحریم، خودکفایی و اولویت‌های امنیتی، این مقاله الگوی مطلوب «خوداتکایی هوشمند» را به منظور پیشرفت در این حوزه از فناوری‌های نو ظهور را برای کشور پیشنهاد می‌کند. این الگو بر یکپارچگی، اخلاق محوری و مقاومت استوار است و شامل تشکیل کمیته ملی هماهنگ‌کننده، استفاده از چارچوب ارزیابی آینده‌نگر، تقویت خوشه‌های نوآوری و تمرکز بر فناوری‌های دوگانه می‌شود. در نهایت، موفقیت این رویکرد به همکاری عمومی - خصوصی، دیپلماسی علمی و نظارت اخلاقی وابسته است.

واژگان کلیدی: فناوری‌های همگرا، الزامات سیاستی، الگوی سیاست گذاری، چارچوب‌های حکمرانی، پیشرفت فناوری، فناوری‌های نو ظهور.

۱. استادیار، گروه ارزیابی سیاست‌ها و پایش علم، فناوری و نوآوری، مؤسسه تحقیقات سیاست علمی کشور،

azadi_gh@yahoo.com

فراسوی الگوریتم: هوش مصنوعی در آینه حکمت متعالی و مرزهای ناگشودنی آن

مسعود طالبی مقدم^۱

چکیده:

علیرغم بهره‌گیری هوش مصنوعی از پارادایم‌های پیچیده‌ای مانند یادگیری عمیق و پردازش زبان طبیعی و قابلیت‌های انکارناپذیر آن در اشاعه، تحلیل ساختاری و شخصی‌سازی آموزش متون مقدس و عرفانی، این فناوری در مواجهه با ساحت‌های وجودی و معرفت‌حضورِ این آموزه‌ها، با محدودیت‌های متافیزیکی و معرفت‌شناختی ذاتی و نفوذناپذیری روبه‌روست. این مقاله با رویکردی تحلیلی-تبیینی و با روش‌شناسی بینارشته‌ای (فلسفه فناوری، الهیات تطبیقی و علوم شناختی) به تحلیل امکان‌سنجی و حدود تعامل سازنده بین هوش مصنوعی (با تمرکز بر مدل‌های زبانی بزرگ و سیستم‌های پردازش نمادین) و حوزه معرفتی آموزه‌های الهی-عرفانی می‌پردازد. مقاله استدلال می‌کند که این ناتوانی‌ها، نه ضعف موقتی فناوری، بلکه تجلی عینی و ابژکتیو تمایز فلسفی میان معرفت حصولی و حضور است. از این رو، ناتوانی هوش مصنوعی به مثابه یک دلیل سلبی عمل می‌کند که از طریق نشان دادن مرزهای مطلق شناخت الگوریتمی، به صورت معکوس، بر فراالگوریتمی، فرامحاسباتی و متعالی بودن حقیقت الهی گواهی می‌دهد. نتیجه اخلاقی-معرفت‌شناختی این تحلیل، لزوم تواضع تکنولوژیک و تعریف نقش هوش مصنوعی در قالب یک ابزار برای تسهیل دسترسی و تحقیق و نه جایگزین فرآیندهای تحول وجودی، تهذیب نفس و شهود قلبی است که در کانون سنت‌های حکمت متعالی قرار دارند. این پژوهش در نهایت پیشنهاد می‌کند که مواجهه با این مرزها می‌تواند موجب احیای مجدد روش‌های شناخت قلبی در کنار روش‌های مبتنی بر داده در عصر دیجیتال گردد.

واژگان کلیدی: آموزه‌های الهی عرفانی، هوش مصنوعی، محدودیت‌ها، فرصت‌ها.

نقش آفرینی نخبگان جوان در اقتصاد دانش بنیان با هدایت بنیاد ملی نخبگان

محسن کارمزدی^۱

چکیده:

با گذشت نزدیک به دو دهه از تأسیس بنیاد نخبگان و فعالیت های وسیع صورت گرفته توسط بنیاد در راستای اهداف ملی، این بنیاد به خوبی جایگاه خود را میان نخبگان جوان تثبیت نموده است. در این جا سعی شده بر مبنای مطالبه رهبری، برای ارائه راه کاری جهت نقش آفرینی نخبگان جوان در اقتصاد دانش بنیان تلاشی صورت گیرد و نتایج آن به صورت گزارش پیش رو ارائه شده است. با توجه به ظرفیت ها و تجارب درخشان بنیاد ملی نخبگان سعی شده است راه حل پیشنهادی در قالب فعالیت های بنیاد نخبگان ارائه گردد و بدین منظور بعضی تعاریف و عملکردها برای بنیاد نخبگان پیشنهاد شده است.

برای تهیه متن اولیه این طرح از فرمایش های رهبر انقلاب استفاده گردیده است. طرح تهیه شده فقط تلاشی است برای شروع یک حرکت و بهترین چیزی است که ما توانسته ایم از آموزه های دینی و فرمایش رهبر برداشت کنیم و هیچ ادعایی بر صحت و بی اشکال بودن و یا بهترین بودن آن نداریم. اگر نکته مثبتی در آن وجود دارد الهام گرفته از فرمایش رهبر می باشد^۲ و اگر نقص دارد و یا قابل استفاده نیست، ناشی از اشتباه ما در فهم و استدلال است.

در نهایت با طرح پیشنهادی می توان برنامه ای برای استفاده از نخبگان جوان در راستای نیازهای کشور استفاده نمود و با ادامه این طرح می توان نخبگانی را برای تصدی مسئولیت های مختلف آینده کشور تربیت و آموزش داد.

واژگان کلیدی: نخبگان جوان، اقتصاد مقاومتی، شرکت های دانش بنیان، بنیاد ملی نخبگان.

۱. استادیار مهندسی مکانیک خواجه نصیرالدین طوسی، karmozdi@kntu.ac.ir

۲. با دقت در جملات رهبر عزیزمان با شگفت زدگی مشاهده کردیم که برخلاف بسیاری از سخنرانی ها و همایش های بعضاً تخصصی و وفق تخصصی، جنس کلام متفاوت بوده و قابل تدبیر می باشد و در طی فرمایش های چند ده دقیقه ای، اطلاعات بسیار دقیق و راهگشایی را ارائه نموده اند.

طراحی و توسعه چارچوب مبتنی بر فناوری سیستم اطلاعات جغرافیایی به منظور انتخاب سایت های استراتژیک نیروگاه های خورشیدی

سعیده ناصحی^۱

چکیده:

با توجه به موقعیت استراتژیک ایران در بهره برداری از انرژی خورشیدی و ضرورت برنامه ریزی دقیق برای توسعه پایدار این منبع انرژی پاک، انتخاب مکان های بهینه برای احداث نیروگاه های خورشیدی به یک چالش پیچیده در مدیریت سرزمین تبدیل شده است. این پژوهش با هدف ارائه راهکاری نوآورانه و پایدار برای این چالش، یک چارچوب یکپارچه تصمیم گیری مکانی مبتنی بر سامانه اطلاعات جغرافیایی (GIS)، منطق فازی، فرآیند تحلیل شبکه ای (ANP) و عملگر میانگین وزنی مرتب شده (OWA) معرفی می کند و آن را در استان یزد به عنوان مطالعه موردی پیاده سازی می نماید. در این چارچوب، ده معیار اصلی شامل تابش خورشیدی، رطوبت، ارتفاع، شیب، جهت شیب، زمین شناسی، فاصله از مناطق شهری، فاصله از جاده ها، فاصله از گسل ها و پوشش اراضی، همراه با محدودیت های توسعه پایدار شامل مناطق شهری، حریم منابع آبی، مناطق حفاظت شده و جاده های اصلی تحلیل و بررسی می شود. پس از آماده سازی لایه ها و استاندارد سازی داده ها با توابع فازی، وزن دهی معیارها با استفاده از روش ANP و با در نظر گرفتن وابستگی های متقابل آنها انجام می شود. در نهایت، لایه های وزندار تلفیق شده و نقشه نهایی پتانسیل سایت های مناسب برای احداث نیروگاه با استفاده از عملگر OWA تولید می شود. نتایج نشان دهنده دقت بالای مدل در تفکیک پهنه های مختلف است. نقشه نهایی بیانگر این است که بیشترین مناطق مناسب به ترتیب در شهرستان های بافق (۲۳٪)، یزد (۲۱٪) و خاتم (۱۲٪) قرار دارند. از میان این مناطق، شش سایت استراتژیک با رعایت تمامی معیارها و محدودیت ها به عنوان بهترین گزینه ها برای احداث نیروگاه های خورشیدی معرفی شدند. این سایت ها عمدتاً دارای تابش خورشیدی بالا، شیب ملایم و فاصله ایمن از گسل ها و سکونتگاه ها هستند. این پژوهش نشان می دهد که چارچوب پیشنهادی ابزاری کارآمد و پایدار برای برنامه ریزی استراتژیک در توسعه انرژی خورشیدی است که می تواند پیچیدگی های تصمیم گیری

۱. استادیار برنامه ریزی و مدیریت محیط هرمزگان، nasehi_sa@ut.ac.ir

مکانی را به طور مؤثری مدیریت کرده و با کاهش مخاطرات محیطی و اقتصادی، مسیر سرمایه گذاری پایدار در این حوزه را تسهیل نماید.

واژگان کلیدی: مکان یابی استراتژیک، نیروگاه خورشیدی، سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS)، تصمیم گیری چندمعیاره (MCDM)، منطق فازی، استان یزد.

بررسی فناوری‌های مالی، زنجیره بلوکی و پرداخت‌های دیجیتال به عنوان ابزارهای تحول آفرین در روابط اقتصادی با کشورهای عضو بریکس

رضا فرنیاء^۱، احمد پیشگاه‌زاده^۲، محمدرضا گندمی^۳

چکیده:

بریکس، گروهی شامل کشورهای در حال توسعه است که نقش رو به رشدی در اقتصاد جهانی ایفا می‌کنند. یکی از مهم‌ترین موضوعات این گروه، ایجاد ارزش مشترک برای کاهش وابستگی به دلار آمریکا و تقویت همکاری‌های تجاری بین اعضاست. این ارزش مشترک می‌تواند هزینه‌های ناشی از تبادلات ارزی را کاهش دهد و منابع مالی جدیدی برای پروژه‌های توسعه فراهم آورد. با این حال، چالش‌هایی نظیر اختلافات سیاسی، تفاوت‌های اقتصادی بین اعضا، سلطه دلار و فقدان سازوکارهای مالی یکپارچه، موانع مهمی در مسیر این طرح به شمار می‌آیند.

تجربه اتحادیه اروپا در ایجاد یورو نشان می‌دهد که موفقیت در اجرای ارزش مشترک، مستلزم وجود سیاست‌های مالی مشترک، یک بانک مرکزی واحد و هماهنگی مؤثر بین نهادها است. برای ایران، تقویت دیپلماسی اقتصادی، اصلاح ساختار نمایندگی در گروه بریکس و سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های مالی، راهکارهایی کلیدی برای ایفای نقش مؤثرتر در این فرایند هستند. علیرغم چالش‌های موجود، استفاده از فرصت‌های اقتصادی بریکس می‌تواند موقعیت ایران را در تصمیم‌گیری‌های این گروه تقویت کند.

واژگان کلیدی: بریکس، پرداخت‌های دیجیتال، همگرایی اقتصادی، دیپلماسی فناوری، فناوری‌های مالی.

۱. دانشجوی دکتری مدیریت کسب و کار، دانشکده‌گان مدیریت، دانشگاه تهران، (نویسنده مسئول)،

rezafarnia2012@gmail.com

۲. دکترای مدیریت بازرگانی (DBA)، موسسه آموزش عالی امین مشهد

۳. دکتری کامپیوتر، گرایش هوش مصنوعی، دانشگاه صنعتی شاهرود

پارک‌های علم و فناوری موتور محرکه اقتصاد خلاق؛ بستری برای توسعه فناوری‌های نرم

محمد جواد کرباسی^۱، منوچهر کرباسی^۲

چکیده:

پارک‌های علم و فناوری به‌عنوان یکی از ارکان مهم اقتصاد دانش‌بنیان، با هدف افزایش نوآوری فناورانه، مدیریت جریان دانش و فناوری و اشتغال‌زایی متخصصین به وجود آمده‌اند. در دو دهه اخیر؛ ایجاد و توسعه پارک‌های علم و فناوری از رشد قابل ملاحظه‌ای برخوردار بوده است. با رشد اقتصاد مبتنی بر خلاقیت و فناوری‌های نرم، پارک‌های علم و فناوری از نقش سنتی خود در حمایت از صنایع سخت فراتر رفته و به‌عنوان بستر هم‌آفرینی و هم‌افزایی صنایع فرهنگی و خلاق ظاهر شده‌اند. مقاله حاضر به مطالعه و بررسی سازوکارها، راهبردها و تجربیات موفق پارک‌های علم و فناوری در توسعه صنایع خلاق و فناوری‌های نرم می‌پردازد. این پژوهش از منظر غایت تحقیق؛ تحقیقی کاربردی، از نظر هدف؛ تحقیقی توصیفی و از لحاظ رویکرد؛ تحقیقی کیفی است. یافته‌ها نشان می‌دهد که پارک‌ها با ارائه زیرساخت‌های اشتراکی، شبکه‌سازی بین بازیگران خلاق و فناور و طراحی برنامه‌های شتابدهی تخصصی، می‌توانند به‌عنوان موتور محرکه اقتصاد خلاق عمل کنند. در پایان، چارچوبی برای سیاست‌گذاری در پارک‌های داخلی ارائه می‌شود.

واژگان کلیدی: پارک علم و فناوری، اقتصاد خلاق، صنایع فرهنگی، فناوری‌های نرم.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته توسعه محلی گرایش شهری، دانشگاه تهران

۲. دکتری رشته مدیریت تکنولوژی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، (نویسنده مسئول)،

ma_karbasi@yahoo.com

فناوری‌های نو ظهور و مسیر پیشرفت ایران: تحلیل اجتماعی و نهادی هوش مصنوعی

احمد عباسی دره‌بیدی^۱، حسین عباسی^۲، مائده باباخانی^۳، فاطمه عرفانی نجف‌آبادی^۴

چکیده:

این پژوهش با تمرکز بر هوش مصنوعی به‌عنوان یکی از فناوری‌های نو ظهور اثرگذار، به تحلیل اجتماعی و نهادی مسیر پیشرفت ایران از منظر حکمرانی الگوریتمی می‌پردازد. مسئله اصلی پژوهش، تبیین چگونگی تأثیر استقرار نظام‌های هوش مصنوعی بر منطق نهادی تصمیم‌گیری، سازوکارهای پاسخگویی و مشروعیت حکمرانی در بستر نهادی ایران است. هدف پژوهش، فراتر رفتن از رویکردهای فناورانه تقلیل‌گرا و ارائه تحلیلی نهادی-اجتماعی از فرصت‌ها و مخاطرات هوش مصنوعی در مسیر توسعه ملی است. روش پژوهش کیفی و از نوع توصیفی-تحلیلی بوده و داده‌ها از طریق تحلیل اسناد علمی، سیاستی و پژوهش‌های معتبر داخلی و بین‌المللی گردآوری و تفسیر شده‌اند. یافته‌ها در قالب چهار مضمون کلان شامل «دگرگونی عقلانیت نهادی تصمیم‌گیری، شکاف میان توسعه فناورانه و تنظیم‌گری اجتماعی، بحران شفافیت و تبیین‌پذیری الگوریتمی و ضرورت بومی‌سازی نهادی حکمرانی هوش مصنوعی» شناسایی شدند. نتایج نشان می‌دهد که پیشرفت فناورانه هوش مصنوعی، در صورت نبود نهادسازی متناسب و سازوکارهای الزام‌آور پاسخگویی، می‌تواند به تمرکز قدرت تصمیم‌گیری، تضعیف اعتماد عمومی و چالش‌های مشروعیت بینجامد. بر این اساس، پژوهش نتیجه می‌گیرد که تحقق نقش مثبت هوش مصنوعی در مسیر پیشرفت ایران مستلزم بازطراحی نهادی، تقویت تنظیم‌گری اجتماعی و توجه هم‌زمان به ابعاد فنی، حقوقی و ارزشی حکمرانی است.

۱. دانش‌آموخته دکتری مشاوره، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، نویسنده مسئول

A.abbasi.d2020@gmail.com

۲. دبیر زبان و ادبیات فارسی، مدارس شهرستان تیران و کرون، ah0179034@gmail.com

۳. دانشجوی کارشناسی آموزش علوم اجتماعی دانشگاه فرهنگیان خرم‌آباد،

maedehbabakhani64@gmail.com

۴. دانشجوی کارشناسی آموزش علوم اجتماعی دانشگاه فرهنگیان خرم‌آباد، Fatemeherfani897@gmail.com

واژگان کلیدی: پیشرفت ایران، حکمرانی هوش مصنوعی، نهادگرایی، شفافیت نهادی، مشروعیت حکمرانی، فناوری‌های نو ظهور.

روایت گری (همانند فناوری نرم) و نقش آن در توسعه صنایع دستی ایران

محمدعلی فیض پور^۱، ملیحه السادات شیخ علیشاهی^۲

چکیده:

این مطالعه با تمرکز بر صنایع دستی ایران به عنوان بخشی از اقتصاد خلاق، به تبیین شکاف میان ظرفیت فرهنگی-هویتی این حوزه و عملکرد اقتصادی آن می پردازد. با وجود نقش صنایع دستی در اشتغال زایی مناطق کمتر توسعه یافته و بازتولید سرمایه فرهنگی، سهم این بخش از تولید ناخالص داخلی و صادرات کشور ناچیز است. شواهد نشان می دهد مسئله اصلی نه در ضعف تولید، بلکه در کم توجهی به حلقه های نرم زنجیره ارزش همچون برندسازی، بازاریابی و خلق تجربه نهفته است. این پژوهش با رویکردی تبیینی-تحلیلی و بر پایه مرور اسناد سیاستی و ادبیات اقتصاد خلاق و اقتصاد روایت، مفهوم «روایت گری» را به عنوان یک فناوری نرم بازتعریف می کند. در چارچوب نظری مقاله، روایت گری فراتر از ابزار تبلیغاتی، سازوکاری معنا ساز معرفی می شود که از طریق طراحی و انتقال داستان های مرتبط با هویت، خاستگاه و فرآیند تولید، بر ادراک و رفتار اقتصادی مصرف کننده اثر گذاشته و ارزش ادراک شده و تمایز برند را افزایش می دهد. بر این اساس، پژوهش مدلی پیشنهادی سه لایه برای توسعه عدالت محور صنایع دستی ارائه نموده که شامل: (۱) سرمایه فرهنگی و دانش بومی، (۲) به کارگیری فناوری نرم در بستر نهادی پارک های علم و فناوری، به ویژه پارک فناوری های نرم و صنایع فرهنگی و (۳) پیامدهای اقتصادی-اجتماعی همچون افزایش ارزش افزوده، بهبود سهم تولید کنندگان محلی و تقویت هویت فرهنگی است. این مدل می تواند مبنایی برای سیاست گذاری در جهت پیوند مؤثرتر میان ظرفیت تمدنی صنایع دستی و عملکرد اقتصادی آن در چارچوب توسعه فراگیر فراهم سازد. برای تبیین کاربرد مدل، هنر صنعت زیلو میبد به عنوان نمونه ای از یک برند جهانی با ظرفیت روایت محور مورد اشاره قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: روایت گری، فناوری نرم، صنایع دستی، اقتصاد خلاق، پارک های علم و فناوری.

۱. دکتری تخصصی، اقتصاد صنعتی، دانشیار گروه اقتصاد، دانشکده اقتصاد، مدیریت و حسابداری، دانشگاه یزد،

feizpour@yazd.ac.ir

۲. کارشناس ارشد، علوم اقتصادی، دانشگاه یزد، malihe.alishahi07@gmail.com (نویسنده مسئول)

تحلیل اهمیت مؤلفه‌های فضای کسب و کار در کشورهای حوزه سند

چشم‌انداز

سیاوش جانی^۱

چکیده:

رسیدن به وضعیت مطلوب در فضای کسب و کار مستلزم توجه به ابعادی از آن است که تأثیر بیشتری در ارتقاء وضعیت موجود کسب و کار داشته باشند. بر این اساس این مطالعه به دنبال تبیین ابعاد مختلف فضای کسب و کار، ضریب اهمیت هر یک از آنها است. به همین منظور، ابتدا ابعاد فضای کسب و کار با استفاده از مؤلفه‌های شاخص سهولت فضای کسب و کار بانک جهانی تبیین و سپس ضریب اهمیت ابعاد مذکور بر اساس مشاهدات کشورهای حوزه سند چشم‌انداز از جمله ایران با رویکرد داده‌های پانلی برای دوره (۲۰۰۷-۲۰۱۶) برآورد شد. نتایج حاصل از الگو نشان داد که مؤلفه‌های «ثبت مالکیت»، «دریافت اعتبار»، «تعطیلی کسب و کار»، «تجارت»، «حمایت از سرمایه‌گذاری»، «مالیات» و «اخذ مجوز» به ترتیب از مهم‌ترین و اثرگذارترین مؤلفه‌ها در ارتقاء شاخص فضای کسب و کار کشورهای حوزه سند چشم‌انداز می‌باشند.

طبقه‌بندی JEL: O۴۳, N۴۵, K۲

واژگان کلیدی: فضای کسب و کار، کشورهای منطقه جنوب غرب آسیا، داده‌های پانلی.

۱. دانشیار گروه اقتصاد دانشگاه پیام نور، تهران، s.jani@pnu.ac.ir

تأثیر اقتصاد دیجیتال بر رشد غیرنفتی و نوآوری در امارات متحده عربی (۲۰۱۸-۲۰۲۳)

امین نواختی مقدم^۱، حجت الله دهقان کلور^۲

چکیده:

پژوهش حاضر با هدف تحلیل تأثیر اقتصاد دیجیتال بر رشد بخش غیرنفتی و توسعه نوآوری در امارات متحده عربی از سال ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۳ انجام شده است. این مطالعه با رویکردی تحلیلی- توصیفی و از منظر اقتصاد سیاسی، تحول استراتژیک امارات از یک اقتصاد متکی بر نفت به یک اقتصاد دانش بنیان دیجیتال را بررسی می کند. بر اساس تحلیل داده های ثانویه، اسناد سیاستی و گزارش های اقتصادی، یافته ها نشان می دهند که راهبردهای هدفمند دیجیتالی سازی دولت امارات، با تکیه بر سرمایه سیاسی و مالی نفت، موفق به ایجاد یک اکوسیستم نوآوری یکپارچه شده است که رشد چشمگیر بخش غیرنفتی را موجب شده است. شواهد نشان می دهد سهم اقتصاد دیجیتال از تولید ناخالص داخلی از ۷ درصد در سال ۲۰۱۸ به ۱۰ درصد در سال ۲۰۲۳ افزایش یافته و هم زمان وابستگی به نفت از حدود ۶۰ درصد در سال ۲۰۰۵ به حدود ۲۷ درصد در سال ۲۰۲۱ کاهش یافته است. مدل حکمرانی دیجیتال امارات مبتنی بر نهادسازی چابک (مانند وزارت هوش مصنوعی و آزمایشگاه قانون گذاری)، سرمایه گذاری گسترده در زیرساخت های دیجیتال پیشرفته (رتبه اول جهانی سرعت اینترنت همراه) و جذب هدفمند سرمایه انسانی و مالی جهانی، به ویژه از طریق سیاست هایی مانند «ویزای طلایی برنامه نویسان» بوده است. این پژوهش نتیجه می گیرد که تحول دیجیتال در امارات، فراتر از یک تغییر فناورانه، یک پروژه سیاسی- اقتصادی برای تضمین ماندگاری رژیم و بازتعریف جایگاه این کشور در نظم اقتصادی جهانی است.

۱. دانشیار گروه حقوق و علوم سیاسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه محقق اردبیلی، نویسنده مسئول

Navakhti@uma.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد رشته مطالعات منطقه ای آسیای مرکزی و قفقاز دانشگاه محقق

Dehghankolor@Gmail.com اردبیلی

این مطالعه ضمن ارائه تحلیلی جامع از تجربه امارات، پیامدهای سیاستی برای سایر اقتصادهای وابسته به منابع و در حال گذار به اقتصاد دیجیتال را نیز برجسته می‌سازد.

واژگان کلیدی: اقتصاد دیجیتال، رشد غیرنفتی، نوآوری، اقتصاد سیاسی، امارات متحده عربی، حکمرانی دیجیتال، اکوسیستم نوآوری.

نقش بودجه عمومی در توسعه زیرساخت‌های بنیادین هوش مصنوعی: نقدی بر اعتبارات برنامه ملی هوش مصنوعی در لایحه بودجه ۱۴۰۵

رضا فرنیاء^۱، مسلم رضاپور^۲

چکیده:

توسعه زیرساخت‌های بنیادین هوش مصنوعی به‌عنوان یکی از الزامات کلیدی تحول دیجیتال و ارتقای توانمندی‌های فناوری‌های فناورانه کشورها، نیازمند سیاست‌گذاری مالی و تخصیص منابع عمومی مؤثر است. این مقاله با تمرکز بر لایحه بودجه سال ۱۴۰۵ کل کشور، به بررسی نقش بودجه عمومی در تأمین مالی زیرساخت‌های هوش مصنوعی و ارزیابی اعتبارات پیش‌بینی شده برای اجرای برنامه ملی هوش مصنوعی می‌پردازد. در این راستا، احکام و ردیف‌های بودجه‌ای مرتبط با توسعه فناوری‌های پیشرفته، از جمله منابع ناشی از قانون جهش تولید دانش‌بنیان، بند «پ» ماده ۹۹ قانون برنامه هفتم پیشرفت و همچنین ماده ۶۵ بند «ج» مرتبط با برنامه ملی هوش مصنوعی مورد تحلیل قرار گرفته‌اند.

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که اگرچه در لایحه بودجه ۱۴۰۵ برخی منابع مالی مرتبط با توسعه فناوری‌های نو ظهور افزایش یافته‌اند، اما میزان رشد این منابع محدود بوده و عملکرد تخصیص اعتبارات در سال‌های گذشته نیز با چالش‌هایی نظیر عدم تحقق کامل منابع و نبود شفافیت در نحوه تخصیص همراه بوده است. همچنین، برآورد مجموع اعتبارات اختصاص یافته به حوزه هوش مصنوعی نشان می‌دهد که این منابع در مقایسه با الزامات توسعه زیرساخت‌های پایه، از جمله توان محاسباتی، داده و زیرساخت‌های پشتیبان، فاصله قابل توجهی دارند.

بر این اساس، پژوهش حاضر نتیجه می‌گیرد که چارچوب اعتبارات پیش‌بینی شده در لایحه بودجه ۱۴۰۵ برای پیشبرد مؤثر برنامه ملی هوش مصنوعی کافی نیست و تحقق اهداف این برنامه مستلزم

۱. (نویسنده مسئول) دانشجوی دکتری، مدیریت کسب و کار، دانشکده مدیریت دانشگاه تهران،

rezafarnia2012@gmail.com

۲. دکتری تخصصی، علوم اقتصادی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد فیروزکوه، mrezaipoord@gmail.com

بازنگری در سازوکارهای تأمین مالی، تقویت سهم بودجه عمومی، بهبود شفافیت در تخصیص منابع و طراحی ابزارهای پایدار برای سرمایه گذاری در زیرساخت های راهبردی هوش مصنوعی است.

واژگان کلیدی: بودجه عمومی، هوش مصنوعی، زیرساخت های بنیادین، قانون جهش تولید دانش بنیان، برنامه ملی هوش مصنوعی.

روندهای جهانی گسترش کارآفرینی فناورانه و آینده پیشرفت ایران

علی رضا خرم روز^۱

چکیده:

در دهه های اخیر، کارآفرینی فناورانه به عنوان یکی از موتورهای اصلی رشد اقتصادی، افزایش بهره وری و حل مسائل پیچیده اجتماعی و صنعتی شناخته شده است. پیشرفت های سریع در حوزه هایی مانند فناوری اطلاعات، هوش مصنوعی، زیست فناوری و فناوری های نو ظهور، زمینه ساز شکل گیری الگوهای جدید کسب و کار و ظهور بازیگران نوبی همچون استارت آپ ها و شرکت های دانش بنیان شده است. این تحولات نه تنها ساختار بازارها را دگرگون کرده، بلکه نقش کارآفرینان را از صرفاً ایجاد شغل به خلق ارزش پایدار، نوآوری مستمر و توسعه اکوسیستم های فناورانه ارتقا داده است.

کارآفرینی فناورانه فرایندی است که در آن دانش و فناوری به محصولات، خدمات یا مدل های کسب و کار نوآورانه تبدیل می شود. در این میان، استارت آپ ها به عنوان سازمان هایی چابک و مبتنی بر نوآوری، نقش مهمی در آزمون ایده های جدید، پاسخ سریع به نیازهای بازار و ایجاد رقابت پویا ایفا می کنند. شرکت های دانش بنیان نیز با تکیه بر پژوهش، توسعه فناوری و تجاری سازی نتایج علمی، پلی میان دانشگاه، صنعت و بازار ایجاد کرده و به ارتقای توان رقابتی اقتصاد کمک می کنند.

نقش کارآفرینان فناورانه در این اکوسیستم، نقشی کلیدی و چندبعدی است. آن ها نه تنها ایده پرداز و بنیان گذار کسب و کارهای نو هستند، بلکه به عنوان رهبران تغییر، پذیرنده ریسک، و پیشران فرهنگ نوآوری عمل می کنند. کارآفرینان با شناسایی فرصت ها، بسیج منابع انسانی و مالی، و مدیریت عدم قطعیت، مسیر تبدیل دانش به ارزش اقتصادی و اجتماعی را هموار می سازند.

با این حال، گسترش کارآفرینی فناورانه با چالش هایی همچون محدودیت های مالی، ضعف زیرساخت های قانونی، شکاف مهارتی، و نبود ارتباط مؤثر میان بازیگران اکوسیستم مواجه است. رفع این چالش ها نیازمند سیاست گذاری هوشمندانه، حمایت هدفمند دولت، تقویت سرمایه گذاری خطرپذیر، و توسعه همکاری میان دانشگاه ها، صنعت و بخش خصوصی است.

این ارائه با هدف آشنایی مخاطبان با مفاهیم کلیدی کارآفرینی فناورانه، بررسی نقش استارت آپ ها، شرکت های دانش بنیان و کارآفرینان، و تبیین فرصت ها و چالش های پیش رو طراحی شده است. انتظار

۱. معاونت پژوهشی پژوهشکده علوم و فناوری های نو ظهور

می‌رود این بحث، زمینه‌ای برای درک عمیق‌تر اهمیت نوآوری فناورانه و نقش آن در توسعه پایدار و آینده اقتصاد دانش‌بنیان فراهم آورد.

واژگان کلیدی: استارت‌آپ‌های نوظهور، استارت‌آپ‌های فناورانه، کارآفرینان، اقتصاد دانش‌بنیان، پیشرفت ایران.

حکمرانی دیجیتال چین: معماری فناورانه تجمیع و پاسخگویی به مطالبات مردمی با نگاهی به الگوهای بومی سازی برای ایران

مریم محمدزاده^۱

چکیده:

حکمرانی دیجیتال در جمهوری خلق چین، به عنوان یکی از پیشرفته ترین مدل های جهانی، نقش محوری در تجمیع، پردازش و رسیدگی به مطالبات مردمی ایفا می کند. این مدل از سال ۲۰۱۶ با سیاست های « Digital Government Development Plan » شتاب گرفت و به ایجاد اکوسیستمی متشکل از پلتفرم ملی خدمات دولتی، سامانه های محلی مانند خط تلفنی و آنلاین ۱۲۳۴۵، حساب های رسمی در پیام رسان وی چت^۲، پورتال های petitioning (درخواست نامه نویسی آنلاین) و ابزارهای مبتنی بر هوش مصنوعی برای دسته بندی و پیگیری شکایات منجر شد. طبق آمار رسمی، سامانه ۱۲۳۴۵ در پکن از سال ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۵ بیش از ۱۵۰ میلیون تماس و درخواست را مدیریت کرده و نرخ پاسخ گویی و رضایت شهروندان را به ترتیب به ۹۸ و ۹۵ درصد رسانده است. این موفقیت، نتیجه ترکیب زیرساخت های فناورانه مانند natural language processing، big data و mini-programs وی چت با ساختارهای نهادی (ارجاع خودکار، زمان بندی استاندارد پاسخ و داشبوردهای پایش عملکرد) است. این مقاله با روش کیفی با رویکرد توصیفی-تحلیلی، معماری، فرآیندها، فناوری ها، چالش ها و درس آموخته های تجربه چین را بررسی می کند. یافته ها نشان می دهد که حکمرانی دیجیتال چین نه تنها خدمات را الکترونیکی، بلکه مطالبات مردمی را به ابزاری برای سیاست گذاری داده محور و ارزیابی عملکرد اداری تبدیل کرده است. در بخش پیشنهادها راهبردی، مدل های قابل انتقال برای جمهوری اسلامی ایران مانند ایجاد درگاه ملی واحد شکایت، ادغام با پیام رسان های داخلی و پیوند پاسخ گویی با شاخص کلیدی عملکرد^۳ مدیران ارائه خواهد شد.

واژگان کلیدی: حکمرانی دیجیتال، چین، جمهوری اسلامی ایران، مطالبات مردمی، وی چت^۴

۱. دانشجوی دکتری حکمرانی علم، فناوری و نوآوری دانشگاه تهران، maryammhzz7@gmail.com

2. WeChatOfficialAccounts

3. KeyPerformanceIndicator(KPI)

4. WeChat

بازتاب فناوری‌های نو ظهور با تأکید بر کاربست هوش مصنوعی در حوزه‌های

حکمرانی و اقتصادی

محمد رضا رضوانی^۱

چکیده:

بازتاب فناوری‌های نو ظهور و تأثیرات عمیق آن بر جنبه‌های مختلف زندگی فردی، اجتماعی و سازمانی، سبب شده است که این بازتاب به‌ویژه با محوریت هوش مصنوعی، نویدبخش افزایش بهره‌وری و کارایی، نوآوری و رفاه اجتماعی و اقتصادی باشد. اما؛ آینده متعلق به سازمان‌ها و جوامعی است که نه تنها فناوری‌های نو ظهور را به کار می‌گیرند، بلکه به پیامدهای آن توجه و در خدمت اهداف انسانی و توسعه پایدار قرار می‌دهند. این مفهوم؛ به ضرورت شناخت از فناوری، بازطراحی فرآیندها، تطبیق فرهنگ‌ها و مدیریت تغییرات ناشی از تحول بر پایه فناوری، تأکید دارد. هوش مصنوعی به عنوان یکی از بزرگ‌ترین دستاوردهای علمی و فناورانه قرن بیست و یکم، توانسته است با شبیه‌سازی فرآیندهای فکری و تصمیم‌گیری انسان، در بسیاری از زمینه‌ها نقش مؤثری ایفا و مسیر تحول فناوری را دگرگون سازد. در این پژوهش با استفاده از روش فراترکیب؛ متمرکز بر مطالعات کیفی و تفسیر و تحلیل عمیق آنها و با نگاهی جامع به بازتاب فناوری‌های نو ظهور، به بررسی توانمندی‌های هوش مصنوعی در عرصه‌های مختلف و نظامات اقتصادی، صنعتی، حکمرانی و مدیریت، به منظور ارائه روشن از تأثیر آن بر شکل‌گیری آینده‌ای هوشمندتر و کارآمدتر پرداخته شده است. نتایج پژوهش به این مهم اشاره دارد که هوش مصنوعی، ظرفیت‌های گسترده در به‌کارگیری فناوری‌های نو ظهور دارد، با اصالت داده معنا پیدا می‌کند، فناوری دگرگون‌ساز و جریان‌ساز است، تعاملات بین‌المللی را تغییر و نظامات جامعه را متحول می‌کند. توصیه سیاستی نیز، ناظر بر این مهم است که فناوری باید در خدمت انسان باشد و در این راستا، آموزش و توانمندسازی نیروی کار برای مهارت‌افزایی و نهادسازی در راستای همگامی با تحولات، ضروری است.

واژگان کلیدی: هوش مصنوعی، فضای سایبر، علم الگوریتم، داده‌های هوشمند.

۱. دکترای اقتصاد صنعتی و دانش‌پذیر مدیریت عالی کسب و کار (POST DBA) دانشگاه تربیت مدرس،

بخش دوم

مقالات پوستر

فناوری‌های نوظهور و آینده‌پیشرفت ایران: تخت فولاد و گردشگری معنوی

زهرا ترکی^۱

چکیده:

در جهان امروز، فناوری‌های نوظهور نقش تعیین‌کننده‌ای در جهت‌دهی به روندهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی دارند. یکی از حوزه‌هایی که بهره‌گیری هوشمندانه از فناوری می‌تواند به تحولی بنیادین منجر شود، صنعت گردشگری است؛ به‌ویژه گردشگری معنوی که در ایران از ظرفیت‌های اصیل فرهنگی و مذهبی برخوردار است. مجموعه تاریخی و فرهنگی تخت فولاد در اصفهان که به عنوان یکی از کهن‌ترین و پرآوازه‌ترین گورستان‌های ایران شناخته می‌شود، نمونه‌ای شاخص برای مطالعه کاربرد فناوری در توسعه گردشگری معنوی است. این مکان علاوه بر ارزش‌های مذهبی و معنوی، از جنبه‌های تاریخی، هنری و معماری نیز اهمیت فراوانی دارد.

در آینده پیشرفت ایران، به کارگیری فناوری‌هایی چون واقعیت افزوده (AR)، واقعیت مجازی (VR)، هوش مصنوعی و پلتفرم‌های داده‌محور می‌تواند تجربه بازدید از تخت فولاد را به‌صورت تعاملی و هوشمندانه دگرگون سازد؛ به‌گونه‌ای که گردشگران بتوانند از طریق ابزارهای دیجیتال، به روایت‌های تاریخی، زندگی‌نامه علما و هنرمندان مدفون در این مکان و فضاهای معنوی آن دسترسی پیدا کنند. همچنین استفاده از سامانه‌های هوشمند مدیریت بازدید، تحلیل داده‌های گردشگران و بازاریابی دیجیتال می‌تواند موجب ارتقای جایگاه تخت فولاد در نقشه گردشگری فرهنگی ایران شود.

بدین ترتیب، تلفیق فناوری‌های نوین با میراث فرهنگی معنوی کشور نه تنها به حفظ و انتقال ارزش‌های فرهنگی کمک می‌کند، بلکه زمینه‌ساز توسعه پایدار گردشگری و اقتصاد فرهنگی ایران نیز خواهد بود. پژوهش حاضر با تمرکز بر الگوی تخت فولاد، افق‌هایی تازه برای آینده پیشرفت ایران در تعامل میان فناوری و معنویت ترسیم می‌کند.

واژگان کلیدی: گردشگری معنوی، فناوری‌های نوظهور، تخت فولاد، واقعیت افزوده، میراث فرهنگی، توسعه پایدار.

تعمق در چالش های معرفت شناختی و هستی شناختی شناخت فضایی در علوم جغرافیایی و نحوه تأثیر گذاری این چالش ها بر طراحی پژوهش ها و رویکردهای گوناگون مطالعاتی

نوید مشتاقی^۱، امید امرآء^۲، پونه پردلی^۳

چکیده:

هدف از پژوهش حاضر تعمق در چالش های معرفت شناختی و هستی شناختی شناخت فضایی در علوم جغرافیایی و نحوه تأثیر گذاری این چالش ها بر طراحی پژوهش ها و رویکردهای گوناگون مطالعاتی می باشد. این پژوهش به واکاوی چالش های معرفت شناختی و هستی شناختی در بنیان های شناخت فضایی در علوم جغرافیایی و پیامدهای آن برای طراحی پژوهش ها می پردازد. در بعد هستی شناختی نیز مناقشه بر سر ماهیت فضا، یعنی تلقی آن به عنوان بستری خنثی و مستقل در برابر فهم آن به مثابه برساخته ای تاریخی اجتماعی و آمیخته با قدرت و گفتمان، به تفاوت های بنیادین در انتخاب مقیاس تحلیل، تبیین الگوهای فضایی و نوع نگاه به رابطه فضا، جامعه و قدرت منجر می شود. این چالش ها مستقیماً بر طراحی پژوهش های جغرافیایی اثر می گذارند؛ به طوری که پژوهشگر ناگزیر است پیش از انتخاب روش، نوع داده و استراتژی تحلیل، نسبت خود را با این مبانی روشن کند تا از ناهمخوانی میان چارچوب نظری و روش شناسی پرهیز شود. در نتیجه، مقاله بر ضرورت خودآگاهی فلسفی و صراحت در تبیین مفروضات معرفت شناختی و هستی شناختی در طرح های پژوهشی جغرافیا تأکید می کند و نشان می دهد که کیفیت و معناداری نتایج مطالعات فضایی، به شدت وابسته به نحوه مواجهه آگاهانه با این چالش ها و امکان تلفیق سنجیده رویکردهای کمی و کیفی، تحلیلی و تفسیری است.

واژگان کلیدی: معرفت شناختی، هستی شناختی شناخت فضایی، علوم جغرافیایی

۱. دانشجوی دکتری جغرافیا برنامه ریزی شهری (نویسنده مسئول)، navidmoshtaghi3@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری جغرافیا برنامه ریزی شهری، Omid.omara95@gmail.com

۳. دانشجوی دکتری جغرافیا برنامه ریزی شهر، Poonapordeli28@gmail.com

مدل های موفق ژاپن در مدیریت ریسک زلزله با فناوری های نو و امکان پیاده سازی در ایران

فرناز خالقی^۱، محمد مهدی فخرائی^۲

چکیده:

زلزله یکی از مهم ترین مخاطرات طبیعی است که همواره تهدیدی جدی برای جوامع انسانی محسوب می شود. ایران به عنوان کشوری واقع در کمربند لرزه ای آلپ-همیالیا بارها شاهد زمین لرزه های ویرانگر بوده و تجربه های تلخ طبس، رودبار-منجیل و بم نشان داده اند که زیرساخت های عمرانی و شهری کشور از تاب آوری کافی برخوردار نیستند. این وضعیت ضرورت بهره گیری از مدل های موفق جهانی را دوچندان می کند. ژاپن به عنوان یکی از زلزله خیزترین کشورهای جهان توانسته است با ترکیب فناوری های نوین و حکمرانی چندلایه، میزان خسارات انسانی و اقتصادی ناشی از زمین لرزه ها را به طور چشمگیری کاهش دهد. پژوهش حاضر با هدف بررسی مدل های موفق ژاپن در مدیریت ریسک زلزله و ارزیابی قابلیت بومی سازی آن ها در ایران طراحی شده است. فناوری های کلیدی مورد توجه شامل سامانه های هشدار سریع زلزله (EEW)، شبکه های حسگر ژئوتکنیکی، مدل سازی عددی پیشرفته و استفاده از هوش مصنوعی در تحلیل داده های لرزه ای هستند. علاوه بر این، ساختار حکمرانی ژاپن که بر پایه قوانین سختگیرانه ساخت و ساز، آموزش عمومی و فرهنگ آمادگی دائمی بنا شده است، به عنوان الگویی برای ارتقای تاب آوری اجتماعی و نهادی بررسی می شود. نتایج نشان می دهد که ایران با وجود محدودیت های اقتصادی، قابلیت بالایی برای بومی سازی فناوری های نوین ژاپنی دارد؛ به ویژه اگر این فرآیند در قالب یک نقشه راه مرحله ای شامل پایلوت های شهری، گسترش فناوری ها در خدمات حیاتی و نهادمندسازی ملی دنبال شود. اجرای چنین رویکردی می تواند شکاف های موجود در تاب آوری لرزه ای ایران را کاهش دهد و زیرساخت های حیاتی را مقاوم تر سازد.

واژگان کلیدی: مدیریت ریسک زلزله، تاب آوری لرزه ای، سامانه های هشدار سریع زلزله (EEW)، فناوری های پایش ژئوتکنیکی، هوش مصنوعی در لرزه شناسی، بومی سازی تجربه های جهانی موفق.

۱. دانشجوی دکتری تخصصی مهندسی عمران - ژئوتکنیک و مدرس موسسه آموزش عالی پاسارگاد، شیراز.
۲. دبیر علمی کارگروه تخصصی محیط زیست و خدمات شهری مرکز پژوهش های شورای اسلامی شهر شیراز.

کاربرد فناوری های نوظهور در اکتشاف هوشمند مواد معدنی ایران: فرصت ها، چالش ها و راهبردهای پیشرفت پایدار

رضا معزی نسب^۱

چکیده:

اکتشاف مواد معدنی به عنوان زیربنای اصلی توسعه بخش معدن، نقشی راهبردی در تأمین مواد اولیه صنایع، رشد اقتصادی و افزایش تاب آوری ملی ایفا می کند. در دهه های اخیر، پیشرفت فناوری های نوظهور از جمله هوش مصنوعی، یادگیری ماشین، سنجش از دور، کلان داده ها و سیستم های پیشرفته اطلاعات جغرافیایی، تحولی اساسی در شیوه های اکتشاف مواد معدنی در سطح جهان ایجاد کرده است. این فناوری ها با افزایش دقت تحلیل داده ها، کاهش عدم قطعیت، صرفه جویی در زمان و هزینه و بهینه سازی تصمیم گیری، امکان گذار از اکتشاف سنتی به اکتشاف هوشمند را فراهم ساخته اند. ایران با برخورداری از تنوع زمین شناسی کم نظیر، کمر بندهای متالورژی فعال و ذخایر غنی معدنی، ظرفیت بالایی برای بهره گیری از این فناوری ها در راستای پیشرفت پایدار دارد. با این حال، چالش هایی نظیر پراکندگی داده های اکتشافی، محدودیت زیرساخت های فناورانه، ضعف آموزش تخصصی و نبود سیاست گذاری منسجم، مانع بهره برداری کامل از این ظرفیت ها شده است. این مقاله با رویکردی تحلیلی به بررسی نقش فناوری های نوظهور در توسعه اکتشاف هوشمند مواد معدنی ایران پرداخته و ضمن تبیین فرصت ها و چالش های موجود، راهبردهایی برای هم راستاسازی اکتشاف معدنی با آینده پیشرفت کشور ارائه می دهد.

واژگان کلیدی: اکتشاف مواد معدنی، فناوری های نوظهور، اکتشاف هوشمند، سنجش از دور، هوش مصنوعی، پیشرفت پایدار، ایران.

۱. دانشجوی دکتری مهندسی معدن - اکتشاف مواد معدنی، دانشکده مهندسی معدن، نفت و ژئوفیزیک، دانشگاه صنعتی

شاهرود، reza.m1371@yahoo.com

چشم انداز آینده هوش مصنوعی در آموزش گردشگری آموزشگاه های آزاد فنی و حرفه ای شهرستان ابرکوه

سید شهاب الدین هدایتی^۱

چکیده:

هدف از پژوهش حاضر آینده پژوهی تأثیر هوش مصنوعی در آموزش گردشگری به دانش آموزان در جهت فراهم آوردن بستر شناختی و علمی مناسب برای برنامه ریزان و سیاست گذاران با اتکا بر نظرات نخبگان است. پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی-توسعه ای و از حیث روش پیمایشی در سطح اکتشافی و هنجاری مبتنی بر رویکرد آینده پژوهی صورت گرفته است. با توجه به ماهیت این تحقیق، نخست ۲۹۰ نفر از دانش آموزان گردشگری (فرمول کوکران) و ۱۵ نفر از خبرگان حوزه گردشگری و هوش مصنوعی (دلفی) از دانشگاه ها و سازمان فنی و حرفه ای را انتخاب نموده و سپس از طریق مطالعات اسنادی و همچنین پرسشنامه محقق ساخته با طیف لیکرت پنج درجه ای برای سنجش نگرش دانش آموزان نسبت به کاربرد هوش مصنوعی در آموزش گردشگری و مصاحبه نیمه ساختاریافته با خبرگان جهت شناسایی پیشران ها و عدم قطعیت های کلیدی از طریق تحلیل تأثیر متقاطع استفاده گردید. به منظور اعتبارسنجی و اجماع در خصوص پیشران های با اهمیت و عدم قطعیت های کلیدی، از تحلیل دلفی فازی استفاده شده است. مرحله دوم با به کارگیری روش تحلیل اثرهای متقابل با استفاده از نرم افزار میک مک، به تحلیل ساختاری پیشران های با اهمیت و عدم قطعیت های کلیدی شناسایی شده در مرحله نخست اقدام شد. یافته های تحقیق نشان داد که دانش آموزان علاقه مند به یادگیری شخصی سازی شده و استفاده از ابزارهای هوش مصنوعی هستند و ادغام فناوری های نوین مانند مدل های زبانی بزرگ (LLM)، واقعیت مجازی (VR)، واقعیت افزوده (AR) و سیستم های یادگیری تطبیقی می تواند کیفیت آموزش گردشگری را ارتقا دهد، یادگیری شخصی سازی شده را محقق سازد و مهارت های نرم دانش آموزان را تقویت کند.

واژگان کلیدی: هوش مصنوعی، آموزش گردشگری، فنی و حرفه ای، ابرکوه، آینده پژوهی

۱. گروه تربیت بدنی اداره آموزش و پرورش ناحیه یک، شهرستان یزد،
sahebazaman0123456789@gmail.com

اثر دانشگاه کارآفرین بر فعالیت های اقتصادی دانش بنیان

مجید رضایی^۱

چکیده:

هدف از این پژوهش، بررسی اثر دانشگاه کارآفرین بر شکل گیری، رشد و موفقیت فعالیت های اقتصادی دانش بنیان است. دانشگاه کارآفرین به عنوان یک نهاد فعال در تجاری سازی دانش و فناوری، نقش مهمی در توسعه اقتصاد دانش بنیان ایفا می کند. این پژوهش با استفاده از روش های تحقیق کیفی و کمی، به بررسی ابعاد مختلف این اثر می پردازد. در بخش کیفی، مصاحبه های عمیق با ذینفعان کلیدی انجام شد تا درک جامعی از فرآیندهای حمایتی و فرهنگی حاکم بر این چرخه به دست آید. در بخش کمی، داده های مربوط به تعداد استارت آپ های خروجی از دانشگاه ها، میزان جذب سرمایه اولیه (Seed Funding) و نرخ بقای این شرکت ها طی پنج سال مورد تحلیل قرار گرفت. یافته های پژوهش نشان می دهد که دانشگاه کارآفرین از طریق سه کانال اصلی، یعنی آموزش کارآفرینی تخصصی، ایجاد زیرساخت های فیزیکی و نرم افزاری حمایتی (مانند مراکز رشد و شتاب دهنده ها) و تسهیل مؤثر ارتباطات هدفمند بین دانش دانشگاهی و نیازهای صنعت (از طریق پروژه های مشترک و مالکیت فکری)، به طور معناداری به شکل گیری پایدار و رشد سریع کسب و کارهای دانش بنیان کمک می کند. نتایج تأکید دارند که سیاست گذاری ها باید بر تقویت این سه رکن اساسی متمرکز شوند تا پتانسیل کامل دانشگاه در هدایت نوآوری های فناورانه به سمت بازار بالفعل شود.

واژگان کلیدی: دانشگاه کارآفرین، فعالیت های اقتصادی دانش بنیان، تجاری سازی دانش، اقتصاد

دانش بنیان، توسعه اقتصادی، نوآوری سازمانی.

۱. کارشناسی ارشد اقتصاد کشاورزی دانشگاه علوم پزشکی خدمات بهداشتی درمانی مازندران،

Majid.r766@gmail.com

بررسی جنبشی جذب رقابتی آب و گاز در فرآیند ترشوندگی زغال سنگ گازدار با رویکرد آزمایشگاهی-مولکولی

محمد امین زارعی درمیان^۱

چکیده:

حوادث ناشی از گاز و گرد و غبار، از مهم ترین عوامل تهدید کننده ایمنی در معادن زغال سنگ به شمار می روند. تزریق آب به لایه های زغال سنگ، یکی از روش های رایج برای کاهش خطر فوران گاز و کنترل گرد و غبار است که از طریق جابجایی گاز جذب شده و بهبود ویژگی های ترشوندگی زغال سنگ عمل می کند. با این حال، سازوکارهای دینامیکی حاکم بر این فرآیند، به دلیل وجود برهم کنش های پیچیده سه فاز گاز-مایع-جامد، هنوز به طور کامل شناخته نشده اند. در این مقاله، به منظور تبیین رفتار جذب رقابتی آب و گاز در حین ترشوندگی و ارتقای کارایی جابجایی گاز، یک سامانه آزمایشگاهی اختصاصی برای بررسی ترشوندگی زغال سنگ حاوی گاز، طراحی و توسعه داده شد. با تلفیق نتایج آزمایش های تجربی و شبیه سازی های دینامیک مولکولی، رفتار جذب رقابتی و پویای مولکول های آب و گاز بر سطح ماتریس زغال سنگ مورد تحلیل قرار گرفت. نتایج تجربی نشان داد که، افزایش فشار گاز، موجب تجمع آن در فضای منفذی شده و با محدود کردن نفوذ آب، میزان رطوبت تعادلی زغال سنگ را حدود ۵۰ درصد کاهش می دهد. نتایج شبیه سازی های مولکولی نیز بیانگر آن است که با افزایش فشار گاز، ظرفیت جذب آب در زغال سنگ به تدریج به حالت اشباع نزدیک می شود. پس از واجذب متان و ورود آن به فاز آزاد، یک مانع دینامیکی در منافذ شکل می گیرد که منجر به کاهش حدود ۲۰ درصدی جابجایی میانگین مربعات و ضرایب نفوذ مولکول های آب و متان می شود. این پدیده، باعث انتقال ناحیه تجمع مولکول های آب به سمت سطوح بیرونی ساختار زغال سنگ شده و در نهایت کارایی ترشوندگی را کاهش می دهد. یافته های این تحقیق، درک عمیق تری از مکانیسم های جنبشی جابجایی گاز ناشی از تزریق آب در لایه های زغال سنگ گازدار

۱. کارشناس ارشد مهندسی معدن دانشگاه بیرجند، Aminz4811@yahoo.com

فراهم کرده و مبنای نظری مناسبی برای بهینه سازی راهبردهای تزریق آب با هدف ارتقای ایمنی معادن ارائه می دهد.

واژگان کلیدی: جذب رقابتی، جابجایی گاز، ترشوندگی زغال سنگ، شبیه سازی دینامیک مولکولی، تزریق آب، زغال سنگ گازدار، ایمنی معادن.

الگوی موفق تجاری سازی فناوری های سلامت دیجیتال در ایران؛ مطالعه

موردی سامانه هوشمند غربالگری یکپارچه «نفس»

دانیال نژاد معصوم^۱، مریم رادین مشش^۲

چکیده:

تجاری سازی فناوری های نو ظهور در حوزه سلامت دیجیتال ایران، علیرغم پتانسیل بالای فنی، با چالش های ساختاری جدی در مدل های کسب و کار و تعاملات مالی مواجه است؛ به گونه ای که بسیاری از استارت آپ ها در عبور از «دره مرگ» و ورود به بازار پایدار ناکام می مانند. این مقاله به تبیین تجربه موفق شرکت دانش بنیان «نوآوران فراگیر سلامت» در پیاده سازی سامانه هوشمند «نفس» می پردازد. «نفس»، پلتفرمی یکپارچه برای غربالگری سرطان پستان است که با همگرایی هوش مصنوعی تشخیصی، پرونده الکترونیک سلامت و مکانیزم های مالی نوآورانه، زنجیره کامل «تعیین ریسک تا تشخیص نهایی» را مدیریت می کند. وجه تمایز اصلی این سامانه، گذار از فروش محصول به ارائه خدمت و طراحی مدل تجاری B²B²C است که با پیاده سازی سیستم «تسهیم آنی درآمد» برای مراکز درمانی و جلب مشارکت راهبردی نهادهای خیریه، موانع اقتصادی غربالگری انبوه را مرتفع نموده است. کارایی عملیاتی و مقیاس پذیری این مدل، از طریق انعقاد قرارداد و آغاز طرح غربالگری کامل و رایگان برای ۳۰۰۰ نفر از زنان واجد شرایط در اسلامشهر و ۵۰۰ نفر در زاهدان با حمایت خیرین سلامت، به اثبات رسیده است. این مطالعه موردی نشان می دهد که موفقیت در تجاری سازی سلامت دیجیتال در ایران، نیازمند طراحی مدل های کسب و کار پلتفرمی است که با ادغام مسئولیت اجتماعی و فناوری، دسترسی عادلانه به خدمات پیشگیری را تضمین نماید.

واژگان کلیدی: تجاری سازی فناوری سلامت، مدل کسب و کار پلتفرمی، غربالگری هوشمند

سرطان، هوش مصنوعی پزشکی، سامانه نفس.

۱. نویسنده مسئول، دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی دانشگاه زنجان،

danielnejad1393@gmail.com

۲. استادیار، دانشگاه علوم پزشکی ایران

بررسی ارتباط بین سبک های مدیریت کلاس درس با مهارت های حرفه ای و انگیزش پذیرش نوآوری هوش مصنوعی در معلمان مقطع ابتدایی شهر اصفهان

ستاره موسوی^۱، مینا چکشی^۲

چکیده:

پژوهش حاضر با هدف تعیین «پیش بینی مهارت های حرفه ای بر اساس سبک های مدیریت کلاس با میانجی گری پذیرش نوآوری هوش مصنوعی در معلمان مقطع ابتدایی شهر اصفهان» به روش توصیفی از نوع همبستگی، اجرا شد. جامعه آماری پژوهش حاضر، کلیه معلمان مدارس ابتدایی نواحی ۶ گانه شهر اصفهان به تعداد ۱۰۴۶۲ نفر در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴ بودند و حجم نمونه بر اساس جدول مورگان، ۳۷۰ نفر تعیین شد با روش نمونه خوشه ای تصادفی معلمان از شش ناحیه انتخاب شدند. ابزارهای مورد استفاده در پژوهش حاضر شامل پرسشنامه شایستگی حرفه ای معلمان (مطهری نژاد و جهانگرد، ۱۳۹۷)؛ پرسش نامه سبک مدیریت کلاس معلمان (امین یزدی و عالی، ۱۳۸۷) و پذیرش نوآوری هوش مصنوعی (محقق ساخته) بود. تجزیه و تحلیل حاصل از این پژوهش با استفاده از نرم افزار آماری SPSS (نسخه ۲۴) و در دو سطح آمار توصیفی و ضریب همبستگی انجام گردید. در پژوهش حاضر مقدار آلفای کرونباخ برای پرسشنامه های شایستگی حرفه ای معلمان ۰/۸۸۷؛ پرسش سبک مدیریت کلاس معلمان ۰/۷۸۳ و پذیرش نوآوری هوش مصنوعی ۰/۷۷۰ بوده و روایی همگرا نیز به ترتیب ۰/۸۱۴؛ ۰/۶۹۸ و ۰/۵۵۴ به دست آمده؛ که پایایی و روایی متغیرها از وضعیت مطلوبی برخوردار بوده است. همچنین نتایج نشان داد بین مدیریت کلاس درس با مهارت های حرفه ای با نقش میانجی پذیرش نوآوری هوش مصنوعی ($r=0/300$)؛ بین مهارت های حرفه ای و سبک های مدیریت کلاس ($r=0/160$)؛ بین مهارت های حرفه ای و سبک های مدیریت کلاس ($r=0/160$) و بین مهارت های حرفه ای و پذیرش نوآوری هوش مصنوعی معلمان ($r=0/617$) رابطه معنی دار وجود دارد.

واژگان کلیدی: مهارت های حرفه ای، سبک های مدیریت کلاس، پذیرش نوآوری هوش مصنوعی.

۱. استادیار گروه روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه شهید اشرفی اصفهانی، setarehmousavi@gmail.com

۲. دانش آموخته کارشناسی ارشد برنامه ریزی درسی، دانشگاه شهید اشرفی اصفهانی.

نقش پارک های علم و فناوری در گسترش صنایع خلاق و فرهنگی به کمک فناوری های نرم

روح الله یوسفی^۱

چکیده:

گسترش صنایع خلاق و فرهنگی (CCI) در کنار فناوری های نرم، یک محرک حیاتی برای رشد اقتصادی و تحول اجتماعی در حال ظهور است. پارک های علم و فناوری (STP) به عنوان کانون های میان رشته ای، نقش کلیدی در پر کردن شکاف بین نوآوری فناورانه و تولید فرهنگی ایفا می کنند. این پارک ها با استفاده از مکانیسم های مختلفی نظیر پرورش نوآوری های ترکیبی، اثرات سرریز دانش، مشروعیت نهادی و ایجاد مشوق های ناهمسو، به حمایت از CCI ها و فناوری های نرم پرداخته و همگرایی بین علوم سخت و نرم را تسهیل می کنند.

به عنوان نمونه، ابزارهای مبتنی بر هوش مصنوعی برای تولید موسیقی و فیلم معمولاً از STP های ناشأ می گیرند که در آن ها مهندسان و هنرمندان به همکاری می پردازند. نزدیکی فیزیکی در این پارک ها، انتقال دانش ضمنی بین فناوری گران و افراد خلاق را تسریع می کند و این پدیده به افزایش بهره وری در ایده پردازی مشارکتی کمک می کند. همچنین، پارک های علم و فناوری اعتبار نهادی را برای پروژه های تجربی، مانند تئاترهای مبتنی بر واقعیت مجازی، فراهم می کنند و ارزیابی های مبتنی بر معیار به کمی سازی پتانسیل اقتصادی این سرمایه گذاری ها کمک می کند. تراکم اکوسیستم های پارک های علم و فناوری، اثرات شبکه ای ایجاد می کند که موانع ورود را برای کارآفرینان کوچک کاهش می دهد. این پارک ها به طور سنتی خروجی های علم، فناوری مهندسی و ریاضیات (STEM) را بر معیارهای خلاقیت اولویت می دهند و ادغام شاخص های کلیدی عملکرد خاص CCI در این زمینه بر رشد نتایج کار مؤثر است. کارهای مشترک در این پارک ها معمولاً مرزهای مالکیت را محو می کنند و نیاز به چارچوب های پروتکل اینترنت (IP) تطبیقی بر اساس رویکردهای منبع باز را افزایش می دهد.

واژگان کلیدی: صنایع خلاق، فرهنگی، فناوری، پارک علم و فناوری.

۱. دانشکده علوم پزشکی بهبهان، ry@behums.ac

ظرفیت های هوش مصنوعی در حوزه آب، انرژی و محیط زیست

روح الله یوسفی^۱

چکیده:

هوش مصنوعی (AI) به عنوان ابزاری کلیدی در بهینه سازی مصرف انرژی، مدیریت منابع آب و حفاظت از محیط زیست شناخته می شود. این فناوری با پیش بینی نیازهای آبی در کشاورزی هوشمند و کاهش ضایعات آب، به مدیریت پایدار منابع طبیعی کمک می کند. با وجود پتانسیل های فراوان، چالش هایی نظیر نیاز به داده های دقیق، هزینه های بالا و نگرانی های مربوط به حریم خصوصی وجود دارد. استفاده از هوش مصنوعی در حفاظت از تنوع زیستی و شناسایی گونه های در خطر انقراض نیز حائز اهمیت است. تحولات اخیر در صنعت انرژی و محیط زیست، استفاده از الگوریتم های یادگیری ماشین و داده های بزرگ را برای پیش بینی و مدیریت خطرات زیست محیطی ممکن کرده است. همچنین، هوش مصنوعی در مدیریت پسماند و بهینه سازی مصرف انرژی در شهرها نقش مهمی ایفا می کند. با این حال، چالش هایی نظیر وابستگی به داده های با کیفیت و مصرف انرژی بالا همچنان وجود دارد. پیش بینی می شود که بازار هوش مصنوعی در محیط زیست تا سال ۲۰۳۰ به ۱۲۶ میلیارد دلار برسد. در نهایت، موفقیت در بهره برداری از این فناوری به همکاری های بین المللی و تحقیقات بیشتر نیاز دارد و باید به تأثیرات محیط زیستی فعالیت های دیجیتال نیز توجه شود. هوش مصنوعی می تواند به عنوان ابزاری مؤثر در مدیریت منابع طبیعی و پیش بینی تغییرات اقلیمی شناخته شود.

واژگان کلیدی: هوش مصنوعی، محیط زیست، وضعیت آب و هوا، آلودگی های، مصرف انرژی.

۱. دانشکده علوم پزشکی بهبهان، ry@behums.ac

حکمرانی هوشمند داده مینا: راهی به سوی پیشرفت ایران با فناوری های

نوظهور

زهرا تندپور^۱

چکیده:

دولت ها وقتی کار کارشناسی می توانند انجام دهند و خدمت رسانی آن ها با کیفیت، هدفمند و اثربخش باشد که حکمرانی آن ها حکمرانی داده مینا باشد و شرط محقق شدن حکمرانی داده مینا، هوشمندانه بودن آن است و هوشمندانه بودن منوط بر استفاده از فناوری های نوظهور هوش مصنوعی است. در این مقاله، با تعریفی از حکمرانی و حکمرانی داده مینا به ذکر اهداف آن و مراحل پیاده سازی آن پرداخته خواهد شد. از آنجایی که برای تصمیم گیری داده مینا، حل عارضه داده مینا و خدمت داده مینا که از اهداف حکمرانی داده مینا هستند، نیاز به فناوری های هوش مصنوعی است، به مدل های یادگیری ماشین، مدل های یادگیری تقویتی و پردازش زبان طبیعی که از فناوری های کلیدی هوش مصنوعی هستند، پرداخته خواهد شد. در پایان، سکوی خدمات هوشمند آموزش عالی به عنوان یک تجربه ملی برای رسیدن به حکمرانی داده مینا به طور مختصر مورد بررسی قرار خواهد گرفت و چند پیشنهاد برای خدمات این سکو را که می توان توسط سه فناوری یاد شده، پیاده سازی کرد، ارائه خواهد شد.

واژگان کلیدی: داده، زنجیره ارزش داده، حکمرانی داده مینا، هوش مصنوعی، حکمرانی هوشمند داده مینا.

۱. استادیار گروه پژوهش های آماری و فناوری اطلاعات مؤسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی،

z.tondpour@irphe.ac.ir

فرصت‌ها و تهدیدهای آموزش مجازی و راه‌های افزایش کارایی

عبدالغفور جامی رودی^۱

چکیده:

آموزش غیرحضوری، یا آموزش مکاتبه‌ای، از جمله روش‌های آموزشی می‌باشد که در شرایط بحرانی که امکان حضور دانش‌آموزان و دانشجویان در مراکز آموزشی مهیا نیست، معلمان و اساتید را ملزم ساخته تا با تشکیل گروه‌های مختلف مجازی با فراگیران خود در ارتباط باشند و به تدریس و بررسی دروس پردازند. از جمله مزایای آموزش مجازی می‌توان به: افزایش خودکنترلی دانش‌آموزان، عدم محدود بودن به زمان، افزایش مسئولیت‌پذیری در دانش‌آموزان، دسترسی آسان، بروز بودن، کارآمدی و سرعت بالای تدریس اشاره کرد. علیرغم مزایای زیاد آموزش مجازی، مشکلات و معایب فراوانی به ویژه در دوران کرونا و پساکرونا در آموزش مجازی وجود دارد که: اعتماد اینترنتی دانش‌آموزان، عدم اطمینان از یادگیری مطالب، عدم نظارت بر انجام تکالیف و راستی آزمایی، عدم دسترسی به اینترنت در زمان خاص و یا در برخی مناطق از آن جمله است. برای بهبود بخشی به آموزش مجازی می‌توان: ورود جدی تر صدا و سیما به بخش آموزش مجازی، معرفی سامانه‌های معتبر آموزشی، تهیه سؤالات امتحانی استاندارد، تقویت و پرورش سواد اطلاعاتی خانواده‌ها و کنترل کودکان را در دستور کار قرارداد. این پژوهش باهدف شناسایی مشکلات آموزش در فضای مجازی و چاره‌اندیشی جهت رفع بحران موجود به‌ویژه در ایران و به خصوص در مناطق محروم، با تلفیقی از روش کتابخانه‌ای و میدانی انجام گرفته است و پژوهنده کوشیده است بعد از بیان معایب و مزایای آموزش مجازی، راهکارهایی جهت افزایش کیفیت آموزش مجازی در شرایط کنونی به خوانندگان ارائه نماید.

واژگان کلیدی: آموزش، فضای مجازی، دانش‌آموزان، معلمان.

۱. کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه پیام نور مشهد، دبیر دبیرستان فرهیختگان رود خواف،

toufigh74@yahoo.com

رمزینة‌های سریع پاسخ: ظرفیت بالقوه و بالفعل برای تحول فناورانه در آموزش زبان خارجی در نظام آموزش رسمی

رضا خیرآبادی^۱، معصومه خیرآبادی^۲

چکیده:

پس از تصویب برنامه درسی ملی در ابتدای دهه ۱۳۹۰، از سال ۱۳۹۱ تألیف کتاب‌های جدید زبان انگلیسی مبتنی بر رویکرد ارتباطی فعال خودباورانه و با نگاه تولید بسته آموزشی بومی دارای اجزای مختلف آغاز شد که حاصل آن تدوین دو مجموعه کتاب Prospect و Vision برای دوره‌های تحصیلی متوسطه اول و دوم بوده است. این بسته‌ها شامل اجزای مختلفی مانند کتاب دانش آموز، کتاب کار، فرهنگ لغت دانش آموزی، فلش کارت، کتاب راهنمای معلم، فیلم آموزش معلمان و کتاب صوتی بوده است و این بسته‌های آموزشی نوین منجر به تغییر رویکرد؛ از رویکرد سنتی گرامر محور به رویکرد ارتباطی فعال خودباورانه شده است که رویکردی نوین در آموزش زبان‌های خارجی همسو با تحولات روز جهان می‌باشد. در سال‌های اخیر، با استفاده از ظرفیت رمزینة‌های سریع پاسخ به غنای بسته‌های آموزشی مذکور افزوده شده و فایل‌های شنیداری و خوانداری مکمل با کیفیت گویشوران بومی به کتاب‌ها افزوده شده که مورد استقبال دبیران و دانش آموزان نیز قرار گرفته است و در قالب این رمزینة‌های سریع پاسخ چندین ساعت محتوا و کلیپ صوتی و تصویری با کیفیت بالا و با استفاده از فناوری‌های نوینی مانند هوش مصنوعی، در اختیار دانش آموزان قرار گرفته است. این مقاله به معرفی کاربردی این فناوری در نظام آموزش رسمی کشور می‌پردازد.

واژگان کلیدی: آموزش زبان انگلیسی، نظام آموزش رسمی، کاربردی فناوری، رمزینة سریع پاسخ.

۱. عضو هیئت علمی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی rezakheirabadi@oerp.ir

۲. کارشناس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی masumekheirabadi@modares.ac.ir

گسترش کارآفرینی فناورانه و نقش استارت‌آپ‌ها، شرکت‌های دانش‌بنیان و کارآفرینان

ثمین آدینه^۱

چکیده:

کارآفرینی فناورانه به عنوان یکی از محرک‌های اصلی نوآوری و توسعه اقتصادی در اقتصاد دانش‌بنیان شناخته می‌شود. استارت‌آپ‌ها، شرکت‌های دانش‌بنیان و کارآفرینان فناور نقش محوری در تبدیل دانش و فناوری به ارزش اقتصادی و اجتماعی ایفا می‌کنند. استارت‌آپ‌ها با ساختارهای چابک و نوآورانه، امکان معرفی مدل‌های کسب و کار جدید و پاسخ به نیازهای متغیر بازار را فراهم می‌آورند، در حالی که شرکت‌های دانش‌بنیان با تجاری‌سازی پژوهش‌های علمی و توسعه فناوری‌های بومی، پل ارتباطی میان دانشگاه و صنعت ایجاد می‌کنند. کارآفرینان فناور نیز با شناسایی فرصت‌ها، پذیرش ریسک و هدایت تیم‌های تخصصی، موتور محرک رشد این اکوسیستم هستند. با این حال، محدودیت منابع مالی، ضعف زیرساخت‌های قانونی، فاصله میان آموزش و بازار و کمبود فرهنگ نوآوری، از مهم‌ترین چالش‌های پیش روی توسعه کارآفرینی فناورانه محسوب می‌شوند. برای غلبه بر این موانع، راهکارهایی نظیر توسعه سرمایه‌گذاری خطرپذیر، اصلاح زیرساخت‌های قانونی، تقویت شبکه‌های دانشگاه-صنعت، ترویج فرهنگ نوآوری و افزایش دسترسی به بازارهای داخلی و بین‌المللی ضروری است. حمایت هدفمند از استارت‌آپ‌ها، شرکت‌های دانش‌بنیان و کارآفرینان فناور می‌تواند زمینه رشد پایدار اقتصاد دانش‌بنیان، اشتغال‌زایی و نهادینه‌سازی فرهنگ نوآوری در جامعه را فراهم سازد.

واژگان کلیدی: کارآفرینی فناورانه، استارت‌آپ‌ها، شرکت‌های دانش‌بنیان، نوآوری، توسعه اقتصادی، اکوسیستم نوآوری.

۱. دانشجوی دکتری علوم و مهندسی صنایع غذایی، گرایش فناوری مواد غذایی دانشکده کشاورزی دانشگاه سراسری تبریز، rs.mostajer@yahoo.com

فناوری‌های نوظهور و چالش‌های حوزه اخلاقی، حریم خصوصی و مشاغل

حسام‌الدین صالحی^۱

چکیده:

ظهور فناوری‌های نوین و نوظهور فضای عمومی جوامع مختلف را دچار تحول و تغییر نمود اهداف خلقت انسان مبتنی بر ارزش‌ها دچار چالش گردیده است. ارزش‌های اخلاقی و مؤلفه‌های مرتبط با آن همچون حریم خصوصی و امنیت نیز در این بستر دگرگون شدند تحقق بسیاری از اصول و قواعد فطری با انحراف از مسیر حقیقی مواجه شد. در این بستر قواعد مرتبط با آموزش و تربیت از سنت به مدرنیسم تغییر حالت داد مشاغل مختلف با ماهیت جدیدی از مراتب یادگیری مسیر متنوع و مختلفی را پیش روی خود مشاهده نمود. اهداف ما در این پژوهش تبیین و تشریح چالش‌های مرتبط با زوایای پنهان فناوری‌های نوظهور و تأثیر آن بر ارزش‌های اخلاقی، حریم خصوصی، امنیت و آموزش مبتنی بر این ابزارها می‌باشد. با بیان دیدگاه‌های مختلف در این ارتباط چالش‌های مرتبط با ارزش‌های اخلاقی، حریم خصوصی و امنیت که هویت و فرهنگ را دچار چالشی از جنس تغییر و تحول نموده تبیین نمودیم.

واژگان کلیدی: فناوری‌ها، نوظهور، نوین، ارزش‌های اخلاقی، حریم خصوصی، امنیت.

۱. طلبه سطح ۴، فقه و اصول، حوزه علمیه قم، hsamsalhi@yahoo.com

تهدیدات امنیتی در زمینه ارزهای دیجیتال

روح اله یوسفی^۱، سعید طیبی

چکیده:

دنیای ارزهای دیجیتال که به عنوان کریپتو کرنسی نیز شناخته می‌شوند، به دلیل ماهیت غیرمتمرکز، ناشناس بودن و پتانسیل بازده بالای سرمایه‌گذاری، محبوبیت زیادی به دست آورده است. با وجود بیش از ۵۰۰۰ ارز رمزنگاری شده که هر کدام ویژگی‌های منحصر به فرد خود را دارند، می‌تواند برای سرمایه‌گذاران چالش‌برانگیز باشد تا در این چشم‌انداز پیچیده حرکت کنند. شناخته‌شده‌ترین ارز دیجیتال بیت کوین است که در سال ۲۰۰۹ توسط یک فرد یا گروه با نام مستعار ساتوشی ناکاموتو ایجاد شد. از دیگر ارزهای دیجیتال قابل توجه می‌توان به اتریوم، لایت کوین و ریپل اشاره کرد. علی‌رغم خطرات مرتبط با سرمایه‌گذاری در ارزهای دیجیتال، آنها مزایای متعددی نسبت به ارزهای سنتی دارند، از جمله تمرکززدایی، ناشناس بودن، سرعت، امنیت و پرداخت سود است. با این حال، ماهیت غیرمتمرکز ارزهای دیجیتال نیز چالش‌هایی مانند مقررات و پتانسیل فعالیت‌های غیرقانونی را به همراه دارد. از آنجایی که اکوسیستم ارز دیجیتال به تکامل خود ادامه می‌دهد و مورد قبول جریان اصلی قرار می‌گیرد، یافتن تعادل بین تمرکززدایی و مقررات برای موفقیت بلندمدت آن بسیار مهم خواهد بود.

واژگان کلیدی: تهدید، امنیت، ارزهای دیجیتال.

۱. دانشکده علوم پزشکی بهبهان، ry@behums.ac.ir

استفاده از هوش مصنوعی (AI) در جنگ ترکیبی

روح اله یوسفی^۱، سعید طیبی

چکیده:

ظهور تشخیص اطلاعات نادرست مبتنی بر هوش مصنوعی به یک تغییردهنده بازی در حوزه جنگ اطلاعاتی تبدیل شده است و به افراد و سازمان‌ها قدرت می‌دهد تا با دقت و اطمینان بی‌سابقه‌ای در چشم‌انداز خائنه اخبار جعلی و روایت‌های گمراه‌کننده حرکت کنند. در سناریوهای جنگ ترکیبی که در آن دشمنان از تکنیک‌های پیچیده برای انتشار اطلاعات نادرست از طریق رسانه‌های اجتماعی، وب‌سایت‌های خبری و کانال‌های دیگر استفاده می‌کنند، سیستم‌های هوش مصنوعی می‌توانند به عنوان یک متحد قدرتمند عمل کنند و ابزاری برای شناسایی و مقابله با این تهدیدات در زمان واقعی فراهم کنند.

با استفاده از الگوریتم‌های یادگیری ماشین و تکنیک‌های پردازش زبان طبیعی، سیستم‌های تشخیص اطلاعات نادرست مبتنی بر هوش مصنوعی قادر به تجزیه و تحلیل حجم وسیعی از داده‌ها از منابع مختلف، شناسایی الگوها و ناهنجاری‌هایی هستند که ممکن است وجود اطلاعات نادرست را نشان دهند. این سیستم‌ها می‌توانند به سرعت خود را با تاکتیک‌های در حال تغییر و تهدیدات در حال تغییر وفق دهند و به مرور زمان در تمایز بین منابع اطلاعاتی معتبر و غیرمعتبر مهارت بیشتری پیدا کنند.

مزایای تشخیص اطلاعات نادرست مبتنی بر هوش مصنوعی بسیار زیاد است. اول از همه، این سیستم‌ها سرعت و دقت بی‌نظیری در شناسایی اطلاعات نادرست ارائه می‌دهند و کاربران را قادر می‌سازند تا به سرعت و به طور مؤثر به تهدیدات احتمالی پاسخ دهند. ثانیاً، آنها مقیاس‌پذیری را فراهم می‌کنند و امکان نظارت بر حجم وسیعی از داده‌ها از منابع متعدد را با حداقل تلاش فراهم می‌کنند. در نهایت، تشخیص اطلاعات نادرست مبتنی بر هوش مصنوعی می‌تواند برای بخش‌های خاص، مانند نظارت بر رسانه‌های اجتماعی، تحلیل رسانه‌های خبری و نظارت بر انتخابات تنظیم شود و اطمینان حاصل شود که سازمان‌ها به ابزارهای مورد نیاز برای محافظت از منافع خود و حفظ یکپارچگی عملیات خود مجهز هستند.

۱. دانشکده علوم پزشکی بهبهان، ry@behums.ac.ir

در نتیجه، تشخیص اطلاعات نادرست مبتنی بر هوش مصنوعی به ابزاری ضروری در نبرد مداوم علیه جنگ اطلاعاتی تبدیل شده است و به افراد و سازمان ها کمک می کند تا با اطمینان و دقت در چشم انداز اطلاعاتی پیچیده و اغلب خائنانه حرکت کنند. همان طور که تهدید اطلاعات نادرست در حال تکامل است، واضح است که هوش مصنوعی نقش مهمی را در حفظ یکپارچگی اکوسیستم اطلاعاتی ما و حفظ اعتبار مؤسسات ما ایفا خواهد کرد.

واژگان کلیدی: جنگ ترکیبی، هوش مصنوعی، کاربرد.

ارزیابی تاب آوری شبکه های سبز با به کارگیری فناوری های نوین سنجش از دور و متریک های سیمای سرزمین

سعیده ناصحی^۱

چکیده:

امروزه، ارزیابی انسجام اکولوژیک شبکه های سبز به عنوان یک ضرورت در برنامه ریزی و مدیریت پایدار شهری مطرح است. این پژوهش با هدف ارزیابی انسجام اکولوژیک شبکه های سبز شهری تهران با به کارگیری فناوری های نوین سنجش از دور و متریک های سیمای سرزمین انجام شد. بدین منظور، ابتدا نقشه های تغییرات کاربری/پوشش اراضی برای سال های ۱۹۹۷، ۲۰۱۰ و ۲۰۲۳ با پردازش تصاویر ماهواره ای لندست در محیط نرم افزار IDRISI تولید گردید. سپس، با استخراج لکه های سبز و تحلیل آن ها در نرم افزار FRAGSTATS، مجموعه ای از متریک های سیمای سرزمین (همچون مساحت لکه، تراکم، اندازه میانگین و شاخص های پیوستگی) محاسبه شد. یافته ها نشان می دهد که در بازه زمانی مطالعه، مساحت زیرساخت های سبز شهری از ۷۳۹۶ هکتار به ۴۱۷۱ هکتار کاهش یافته و به طور هم زمان، فرآیند تجزیه و پراکندگی لکه ها تشدید شده است. محاسبه متریک های اکولوژیک، کاهش شدید پیوستگی ساختاری و عملکردی شبکه را تأیید می کند. در گام نهایی، برای مواجهه با این چالش، راهبردهای مدیریتی شهری (شامل اقدامات حفاظتی، تدافعی، فرصت طلبانه و تهاجمی) به منظور تقویت انسجام و افزایش تاب آوری اکولوژیک شبکه سبز پیشنهاد شده است. این پژوهش نشان می دهد که تلفیق داده های سنجش از دور و تحلیل های کمی سیمای سرزمین، ابزاری کارآمد برای پیش، تشخیص گسست ها و ارائه راهکارهای عملی در مدیریت شبکه های اکولوژیک شهری فراهم می کند.

واژگان کلیدی: تاب آوری، زیرساخت سبز، فناوری های نوین سنجش از دور.

۱. استادیار برنامه ریزی و مدیریت محیط هرمزگان، nasehi_sa@ut.ac.ir

نقش سازوکارهای نوآورانه مشارکت مردمی در تحقق طرح‌های راهبردی - ساختاری شهری عدالت‌محور و پایدار

سعیده ناصحی^۱

چکیده:

مشارکت مردمی، به‌ویژه از طریق سازوکارهای نوآورانه، نقشی تعیین‌کننده در تحقق طرح‌های راهبردی-ساختاری شهری با ویژگی‌های پایدار و عدالت‌محور ایفا می‌کند. این پژوهش با پذیرش این انگاره، به تحلیل نقش این سازوکارها در دو بستر متفاوت برنامه‌ریزی می‌پردازد. در سطح بین‌الملل، تجربه‌هایی مانند طرح راهبردی شهرستان کلمبیا نشان می‌دهد که نهادینه‌سازی روش‌های مشارکتی نوین (همچون تسهیل‌گری دیجیتال، طراحی تعاملی و حکمروایی همکارانه) چگونه می‌تواند منجر به افزایش انطباق‌پذیری، مقبولیت اجتماعی و توزیع عادلانه‌تر مزایای توسعه شود. در مقابل، در فضای برنامه‌ریزی شهری ایران، علیرغم گذار نظری از الگوهای جامع به راهبردی-ساختاری (مانند طرح راهبردی-ساختاری تهران)، چالش نهادینه‌نشدن مشارکت واقعی و فقدان سازوکارهای نوآورانه سبب گردیده تا پتانسیل این طرح‌ها برای دستیابی به پایداری و عدالت فضایی به‌طور کامل محقق نشود و شکافی میان طرح و نیازهای واقعی جامعه پدید آید. هدف اصلی این پژوهش، انجام یک تحلیل تطبیقی میان دو تجربه مذکور با تمرکز بر شناسایی و ارزیابی سازوکارهای نوآورانه مشارکتی است. پرسش محوری آن است که این سازوکارها چگونه می‌توانند فرآیند تدوین و اجرای طرح‌های راهبردی-ساختاری را به سمت خروجی‌های پایدارتر و عادلانه‌تر سوق دهند. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که تلفیق نوآوری‌های اجتماعی در فرآیند مشارکت- از جمله شفاف‌سازی اطلاعات، ایجاد پلتفرم‌های تصمیم‌گیری جمعی و نظارت جامعه محلی- نه تنها امکان تحقق‌پذیری طرح‌ها را افزایش می‌دهد، بلکه به توزیع مناسب‌تر منابع و فرصت‌های شهری کمک شایانی می‌کند. در پایان، مقاله با ارائه راهکارهای کاربردی مبتنی بر نوآوری اجتماعی، چارچوبی برای بازطراحی فرآیندهای مشارکتی در طرح تهران پیشنهاد می‌دهد تا از رهگذر آن، تحقق اهداف توسعه پایدار و عدالت‌محور در مقیاس شهری میسر گردد.

واژگان کلیدی: مشارکت مردمی، طرح راهبردی-ساختاری، عدالت‌محور، پایداری.

۱. استادیار برنامه‌ریزی و مدیریت محیط‌هرمزگان، nasehi_sa@ut.ac.ir

پیامدهای روان‌شناختی و اجتماعی هوش مصنوعی در مسیر پیشرفت ایران: دلالت‌هایی برای نظام مشاوره و سلامت روان

احمد عباسی دره‌بیدی^۱

چکیده:

گسترش کاربردهای هوش مصنوعی در حوزه سلامت روان، تحولی بنیادین در شیوه طراحی و ارائه مداخلات روان‌شناختی ایجاد کرده است؛ با این حال، پیامدهای روان‌شناختی، اخلاقی، اجتماعی و نهادی این فناوری همچنان با ابهام‌های مفهومی و تحلیلی همراه است. هدف پژوهش حاضر، تبیین نظام‌مند پیامدهای به‌کارگیری هوش مصنوعی در سلامت روان و ارائه مدلی مفهومی برای فهم تعامل انسان و فناوری در این حوزه است. پژوهش با رویکرد کیفی و ماهیت تحلیلی-تبیینی انجام شد و از رهیافت تحلیل مضمون بازتابی براون و کلارک (۲۰۰۶) بهره گرفت. داده‌ها شامل مقالات علمی، مرورهای نظام‌مند و اسناد پژوهشی معتبر منتشرشده در فاصله سال‌های ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۴ در پایگاه‌های علمی بین‌المللی بود که به‌صورت هدفمند و نظری تا اشباع مفهومی انتخاب شدند. واحد تحلیل، مفاهیم و گزاره‌های استخراج‌شده از متون بود که طی فرایند شش‌گانه تحلیل مضمون، کدگذاری، پالایش و تفسیر شدند. یافته‌ها به شناسایی سه مضمون اصلی و نه مضمون فرعی انجامید که پیامدهای هوش مصنوعی در سطوح فناورانه، روان‌شناختی، اخلاقی-حرفه‌ای، فرهنگی-اجتماعی و نهادی را تبیین می‌کنند. بر اساس این یافته‌ها، «تعادل پویا میان کارآمدی فناورانه، عمق درمانی و اخلاق انسانی» به‌عنوان پدیده مرکزی استخراج شد. نتایج نشان می‌دهد که اثربخشی و مشروعیت مداخلات مبتنی بر هوش مصنوعی، وابسته به تنظیم هم‌زمان این سطوح و پرهیز از تقلیل سلامت روان به فرایندهای صرفاً الگوریتمی است. این پژوهش با ارائه چارچوبی یکپارچه، می‌تواند مبنایی برای توسعه پژوهش‌های آینده، آموزش حرفه‌ای و سیاست‌گذاری مسئولانه در حوزه سلامت روان دیجیتال فراهم آورد.

واژگان کلیدی: هوش مصنوعی، سلامت روان، تعامل انسان-فناوری، اتحاد درمانی ترکیبی، اخلاق هوش مصنوعی.

۱. دانش‌آموخته دکتری مشاوره، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، A.abbasi.d2020@gmail.com

چالش‌های فضای مجازی در تهدید سبک زندگی اسلامی

عبدالغفور جامی رودی^۱

چکیده:

سعادت انسان یکی از مهم‌ترین اهداف سبک زندگی اسلامی است که بنای خانواده اسلامی بر آن بنیان نهاده شده است و هرگونه تغییر و تحول در آن می‌تواند آرامش و سعادت آن را به مخاطره بیندازد. امروزه کاهش ارزش‌های اخلاقی در سطوح مختلف جامعه، افزایش بی‌توجهی به قوانین رسمی کشور، اختلاف نجومی بین ثروتمندان و فقیران جامعه، نمایش خانواده‌های مرفه در رسانه‌ها، کاهش سرمایه‌های فرهنگی افراد جامعه یا فقر فرهنگی و مادی شدن نگرش افراد جامعه موجب شده که آسیب‌ها و انحرافات در جامعه و خانواده در حال افزایش باشد. یکی از عواملی که به تهدید خانواده و فاصله گرفتن اعضای خانواده از مسائل عبادی به ویژه نماز می‌شود گسترش بی‌رویه رسانه‌ها به ویژه فضای مجازی در جهان است. با ورود اینترنت و شبکه‌های مجازی به خانواده‌ها و جامعه، سبک زندگی اسلامی با تغییر و تحول روبه‌رو شد و غرب و وابستگان آن‌ها زمینه ترویج بی‌بندوباری را پیدا کردند. نبود سایت‌های مذهبی کافی، وجود سامانه‌های انحرافی باهدف گسترش بی‌بندوباری و روابط جنسی نامشروع، عدم کنترل کافی بر سایت‌های منحرف و... باعث شد تا عفت خانواده‌ها خدشه‌دار گردیده و کانون گرم خانواده‌های مسلمان متزلزل گردد؛ جوانان از نماز و سایر مسائل عبادی فاصله بگیرند، روابط اسلامی‌شان با سایر اعضای خانواده تغییر منفی نماید و به بی‌بندوباری و تقلید از فرهنگ غربی روی آورند. از مهم‌ترین عواملی که باعث آرامش و اطمینان و بهبود سبک زندگی اسلامی خانواده‌ها می‌شود علاوه بر ایمان به خدا می‌توان به: اطاعت و عبادت، محبت و دوستی خدا و اولیاءالله، امنیت، حق و عدل، یقین، راستی و صداقت و... اشاره کرد.

واژگان کلیدی: خانواده، سایبر، رسانه، فضای مجازی.

تأثیر هوش مصنوعی بر ریسک سرمایه گذاری در عرضه فرآورده های نفتی: پژوهش تجربی با استفاده از نرم افزار SPSS

حسین خمجانی^۱

چکیده:

پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر به کارگیری تکنیک های هوش مصنوعی بر ریسک سرمایه گذاری در بازار فرآورده های نفتی ایران انجام شده است. این مطالعه از نظر هدف، پژوهشی کاربردی؛ از نظر روش اجرا کمی و از حیث ماهیت و نحوه گردآوری داده ها، در زمره پژوهش های توصیفی پیمایشی (غیر آزمایشی) قرار می گیرد. جامعه آماری تحقیق شامل ۱۵۰۰ نفر از کارشناسان و سرمایه گذاران فعال در شرکت های نفتی و بورس انرژی ایران می باشد. با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی طبقه ای، حجم نمونه به روش کوکران ۳۸۵ نفر تعیین شد. داده ها از طریق پرسشنامه ای که توسط محقق تهیه گردیده و شامل ۳۰ سؤال بر پایه مقیاس لیکرت پنج درجه ای می باشد، گردآوری و با نرم افزار آماری SPSS نسخه ۲۷ تحلیل شدند.

نتایج پژوهش نشان می دهد که کاربرد تکنیک های هوش مصنوعی تأثیر معناداری در کاهش ریسک سرمایه گذاری دارد و به بهبود کیفیت تصمیم گیری سرمایه گذاران منجر می شود و هوش مصنوعی با پیش بینی دقیق تر روندهای بازار، شناسایی فرصت ها و تهدیدهای بالقوه و ارائه راهبردهای بهینه سرمایه گذاری، می تواند عملکرد سرمایه گذاران را به شکل چشمگیری بهبود بخشد و تکنیک های هوش مصنوعی ابزاری توانمند برای مدیریت ریسک و ارتقای تصمیم گیری در بازار فرآورده های نفتی ایران محسوب می شوند.

واژگان کلیدی: هوش مصنوعی، ریسک سرمایه گذاری، بازار فرآورده های نفتی، تصمیم گیری سرمایه گذاران، مدل های پیش بینی، بورس انرژی ایران.

مسئولیت بین المللی دولت ها در قبال حملات سایبری عوامل غیر دولتی؛ از کنترل مؤثر تا مراقبت بایسته: مروری انتقادی بر چالش های انتساب و خلأهای حقوقی در نظام بین الملل

اکبر حیدری^۱، زهرا قاسمی^۲، اکبر حسنیلو^۳، مجید اجاقلو^۴

چکیده:

مقاله حاضر با رویکرد مروری-انتقادی به تحلیل مسئولیت بین المللی دولت ها در قبال حملات سایبری عوامل غیردولتی می پردازد. علیرغم اجماع بر اعمال حقوق بین الملل در فضای سایبر، شکاف عمیقی میان نظریه و عمل در انتساب مسئولیت به دولت ها وجود دارد. این نوشتار با بهره گیری از منابع معتبر و رویه دولت ها، نخست دو معیار مسلط «کنترل مؤثر» و «کنترل کلی» را در پرتو آرای دیوان های بین المللی واکاوی انتقادی کرده، نشان می دهد که این معیارها در مواجهه با ویژگی های عملیات سایبری-گمنامی، پیچیدگی زنجیره انتساب و هماهنگی حداقلی- با نارسایی های بنیادین مواجه اند. در ادامه، نظریه «مراقبت بایسته» به مثابه الگوی حقوقی جایگزین صورت بندی می شود که مبتنی بر تعهد دولت ها به اتخاذ اقدامات مناسب، در دسترس و عملی برای جلوگیری از سوءاستفاده عوامل غیردولتی از زیرساخت های تحت حاکمیت یا کنترل مؤثرشان است، مشروط به آگاهی دولت یا لزوم آگاهی وی. با آسیب شناسی انتقادی این نظریه، خلأهای حقوقی عمده از جمله فقدان معیارهای مشخص برای ارزیابی اقدام «مناسب»، ابهام در سطح «آگاهی» مورد انتظار، چالش اثبات رابطه علیت و مهم تر از همه، فقدان سازوکار نهادی الزام آور برای راستی آزمایی و اجرا برجسته می شود. یافته ها حاکی از آن است که نظام حقوقی بین المللی کماکان فاقد الگوی هنجاری یکپارچه برای مواجهه با این پدیده است. مقاله در پایان، چارچوب حقوقی پیشنهادی مبتنی بر الزامات هنجاری سه گانه شامل تدوین معیارهای عینی برای سنجش «اقدامات مناسب و عملی» از طریق رویه دولت ها، ایجاد سازوکار دائمی چندجانبه

۱. آموزش و پرورش استان زنجان (نویسنده مسئول)، akbar.heidary1356@gmail.com

۲. دانشجوی رشته حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی زنجان

۳. سازمان آب شهرستان زنجان

۴. سازمان آب شهرستان زنجان

انتساب و شفافیت با مشارکت کارشناسان مستقل فنی و حقوقی و صورت بندی اصل مراقبت بایسته به عنوان هنجار حقوق بین الملل عرفی در حال تکوین را ارائه می دهد.

واژگان کلیدی: مسئولیت بین المللی دولت ها، عوامل غیردولتی، حملات سایبری، کنترل مؤثر، کنترل کلی، مراقبت بایسته، انتساب، حقوق بین الملل فضای سایبر، سازوکار پاسخگویی.

تبیین گفتمان «پیشرفت تربیتی» در اسناد بالادستی آموزش و پرورش ایران: از آرمان‌های سند تحول بنیادین تا الزامات اقتصاد دانش محور

سید حسین موسوی^۱، محمد حیدری^۲، افسانه امامی^۳، عباس نادری^۴

چکیده:

پژوهش حاضر با هدف تبیین گفتمان «پیشرفت تربیتی» در اسناد بالادستی آموزش و پرورش ایران و تحلیل پیوند میان آرمان‌های سند تحول بنیادین با الزامات اقتصاد دانش محور انجام شده است. این مطالعه با روش مرور نظام مند و بر اساس پروتکل پریزما، منابع و اسناد مرتبط شامل سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، سیاست‌های کلی ابلاغی، نقشه جامع علمی کشور، بیانیه گام دوم انقلاب و پژوهش‌های مرتبط را در بازه زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۴ مورد واکاوی قرار داده است. از میان ۲۷۶ منبع اولیه، پس از غربالگری عنوان، چکیده و متن کامل، ۴۲ منبع معتبر برای تحلیل نهایی انتخاب شدند. داده‌ها با استفاده از روش تحلیل مضمون در سه مرحله کدگذاری باز، محوری و گزینشی تحلیل گردیدند. یافته‌های پژوهش به شناسایی ۱۳۸ مفهوم اولیه، ۳۶ مضمون فرعی و ۶ مضمون اصلی منجر شد که عبارت‌اند از: «مبانی و ارکان گفتمان پیشرفت تربیتی»، «آرمان‌های سند تحول بنیادین»، «الزامات اقتصاد دانش محور»، «چالش‌های گفتمانی و اجرایی»، «راهبردهای پیوند آرمان و الزام» و «شاخص‌های تحقق پیشرفت تربیتی». نتایج نشان می‌دهد که گفتمان پیشرفت تربیتی در اسناد بالادستی مبتنی بر مفهوم «حیات طیبه» و تربیت انسان شایسته است و پیوند آن با الزامات اقتصاد دانش محور از طریق مؤلفه‌هایی چون تربیت نیروی انسانی خلاق، نوآور و کارآفرین امکان‌پذیر است. در پایان، الگوی مفهومی پیوند میان آرمان‌های سند تحول و الزامات اقتصاد دانش محور در قالب گفتمان پیشرفت تربیتی ترسیم گردید.

واژگان کلیدی: پیشرفت تربیتی، گفتمان، اسناد بالادستی، سند تحول بنیادین، اقتصاد دانش محور، آموزش و پرورش.

۱. دانشگاه فرهنگیان زنجان

۲. دانشگاه آزاد اسلامی زنجان (نویسنده مسئول)، akbar.heidary1356@gmail.com

۳. آموزش و پرورش استان زنجان

۴. آموزش و پرورش استان زنجان

به کارگیری هوش مصنوعی در تحلیل روند آتی ثبت اجارات، مستغلات و فروش؛ مطالعات موردی: حوزه حکمرانی وقف و املاک وقفی

مصطفی دزفولی^۱، شیما حاجی حسین^۲، سمیه احمدی^۳

چکیده:

پیچیدگی داده‌ها، نوسانات بازار و ماهیت غیرخطی روابط حاکم بر حوزه املاک وقفی، تحلیل و پیش‌بینی روند آتی ثبت اجارات، مستغلات و فروش را به یکی از چالش‌های اساسی بنیادهای حوزه حکمرانی وقف تبدیل کرده است. این مقاله با رویکردی تحلیلی، به بررسی ظرفیت‌ها و کارکردهای هوش مصنوعی^۴ در تحلیل داده‌های ثبتی این بنیادها پرداخته و چارچوبی مفهومی برای بهره‌گیری از الگوریتم‌های یادگیری ماشین و شبکه‌های عصبی در پیش‌بینی روندهای آتی ارائه می‌دهد. در این چارچوب، مدل‌هایی نظیر رگرسیون تقویت شده گرادیانی^۵، شبکه‌های عصبی بازگشتی^۶ و حافظه بلندمدت-کوتاه‌مدت^۷ به‌عنوان ابزارهای مناسب برای شناسایی الگوهای پنهان و روابط غیرخطی داده‌های بازار املاک معرفی و تحلیل شده‌اند. همچنین، به‌منظور تکمیل تحلیل، به نقش داده‌های مکانی و شاخص‌های مبتنی بر تحلیل سیستم اطلاعات جغرافیایی^۸ در تفسیر فضایی رفتار بازار اشاره شده است. نتایج تحلیلی مقاله نشان می‌دهد که رویکردهای مبتنی بر هوش مصنوعی، بستر مناسبی برای ارتقای تصمیم‌سازی علمی، افزایش دقت تحلیل روندها و حرکت به‌سوی حکمرانی داده‌محور در نظام مدیریت املاک وقفی فراهم می‌آورند.

واژگان کلیدی: هوش مصنوعی، یادگیری ماشین، پیش‌بینی روند آتی ثبت اجارات و فروش، املاک وقفی، حکمرانی داده‌محور، تحلیل مکانی، شبکه‌های عصبی.

۱. دکتری تخصصی، مهندسی صنایع، دانشگاه علم و صنعت ایران، mostafadezfuli@gmail.com

۲. کارشناسی، مهندسی صنایع، دانشگاه ابرار، shimahajhossein@gmail.com

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد، گرایش مدیریت پروژه، دانشگاه تهران، somaye.ahmadi1081@gmail.com

4. Artificial Intelligence (AI)

5. XGBoost

6. RNN

7. LSTM

8. GIS

تحلیل استراتژی اولویت دار نظام علم و فناوری و شبیه سازی سیاست های تحقق آن

امیرمحمد پروزا، امین وحیدی منفرد؛ بهناز وحیدی منفرد؛ مصطفی دزفولی؛ فاطمه زهرا هاشمی؛ امیرعباس جورابچی

چکیده:

تدوین و پیاده سازی سیاست ها و استراتژی های بهینه سیستم های آموزش عالی امری حیاتی و ضروری است. در ایران، سیستم علم و فناوری در چهار سند ملی که بعضی اوقات دیدگاه های ناسازگاری ارائه می دهد، سیاست گذاری شده است. در این زمینه، دو روش شناسی توسعه و تحلیل گزینه های استراتژیک (SODA) برای احصاء سیاست ها و استراتژی ها و روش شناسی System Dynamics برای شبیه سازی اثرات استراتژی ها و انتخاب استراتژی اولویت دار پیشنهاد می گردد. جامعه نمونه این پژوهش دانش آموزان پزشکی و غیرپزشکی کشور و بازار کار این دو قشر است. داده های به کار گرفته شده نیز مبتنی بر اسناد مصوب ملی و داده های مرکز آمار، بانک مرکزی و اطلاعات نهادها و افراد ذی مدخل در این حوزه هستند. بر اساس نتایج روش SODA بر اساس اسناد بالادستی «عدالت آموزشی» گلوگاه موفقیت نظام علم و فناوری است و بدون آن رخ دادن بقیه اهداف نظام زیر سؤال خواهد رفت. عدالت آموزشی ابعاد گوناگونی همچون دسترسی عادلانه به فرصت ها و پاسخ به نیازهای جامعه را در خود دارد. تحقق این اهداف طی سالیان گذشته به واسطه عدم همخوانی خروجی های نظام آموزش علم و فناوری با نیازهای کشور دچار شکست های جدی شده است. این امر سبب شده است هم نیازهای جامعه در حوزه بهداشت و درمان به درستی پاسخ داده نشود و هم نارضایتی و بی عدالتی شدید برای دانش آموزان وزارت علوم ایجاد گردد. در این پژوهش با بررسی این مسئله سیاست های بهبود این امر با استفاده از پویایی سیستم شبیه سازی و استراتژی ترکیبی بهینه پیشنهاد می شود.

واژگان کلیدی: آموزش عالی، علم و فناوری، System Dynamics، استراتژی.

تعالی هوشمند در سازمان های نسل پنجم و نقش آن در رشد اقتصاد ملی مبتنی بر الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

حبیب کراری^۱

چکیده:

تحول دیجیتال و گسترش شگفت‌انگیز کاربردهای هوش مصنوعی و اقتصاد داده‌محور (Data-Driven Economy)، ساختار مدیریت سازمان‌ها و حتی بنیان‌های رشد اقتصادی کشورها را به‌طور بنیادین دگرگون ساخته است. در چنین شرایطی، مدل‌های سنتی مدیریت و تعالی سازمانی که صرفاً بر شاخص‌های عملکردی گذشته‌نگر تمرکز داشته‌اند، دیگر پاسخگوی پیچیدگی‌های محیطی، رقابت پلتفرمی و تصمیم‌گیری در شرایط ابهام‌آمیز عدم قطعیت نیستند. نسخه ۲۰۲۵ مدل تعالی EFQM با رویکردی آینده‌نگر و مبتنی بر تحلیل پیشرفته داده‌ها، چارچوبی نوین و بدیع برای بازتعریف مفهوم تعالی در عصر هوشمندی ارائه می‌کند. این مقاله با رویکرد تحلیلی-مفهومی و با در نظر گرفتن تجربیات سه دهه اخیر در مدیریت سازمان‌ها، ضمن بررسی سیر تکامل مفاهیم تعالی سازمانی، مفهوم «تعالی هوشمند» (Smart Excellence) را در بستر سازمان‌های نسل پنجم هوشمند (SmartOrg) (۵.۰) تبیین می‌نماید. هم‌افزایی میان مدل‌های تعالی، قابلیت‌های هوش مصنوعی و بلوغ تحلیل داده‌ها می‌تواند به افزایش بهره‌وری کل عوامل و رشد پایدار اقتصاد ملی در چارچوب الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت منجر شود. در این مقاله، نقش انسان به‌عنوان محور اصلی فرآیندهای هوشمند، در کنار فناوری‌های نوین، طراحی و تحلیل شده و فرصت‌های پژوهش‌های آتی در این خصوص معرفی گردیده است.

واژگان کلیدی: تعالی سازمانی، تحول هوشمند، اقتصاد مقاومتی، الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، حکمرانی هوش مصنوعی.

۱. دکترای مدیریت تولید و عملیات از دانشگاه تهران و ارزیاب ارشد جایزه ملی کیفیت ایران و جوایز تعالی سازمانی،

ارتقای بهره‌وری سبز از طریق هم‌افزایی هوش مصنوعی (AI) و اینترنت اشیا صنعتی سبز (G-IIoT)

جابر تقی زاده^۱

چکیده:

بهره‌وری سبز به عنوان یکی از راهبردهای کلیدی توسعه پایدار، نقش مهمی در ایجاد تعادل میان رشد اقتصادی و حفاظت از محیط‌زیست در صنایع مدرن ایفا می‌کند. در این راستا، پارادایم اینترنت اشیا صنعتی سبز (Green Industrial Internet of Things – G-IIoT) با تمرکز بر کاهش اثرات مخرب زیست‌محیطی و بهینه‌سازی مصرف انرژی، امکان مدیریت هوشمند منابع را در سراسر چرخه عمر محصولات صنعتی فراهم می‌سازد. هم‌افزایی این زیرساخت فناورانه با هوش مصنوعی، از طریق به کارگیری الگوریتم‌های یادگیری ماشین و تحلیل‌های پیش‌گویانه، موجب تبدیل داده‌های حجیم و ناهمگن صنعتی به اطلاعات کاربردی و قابل تصمیم‌سازی می‌شود. این قابلیت، زمینه‌ساز بهینه‌سازی دقیق مصرف انرژی، پایش بلادرنگ ردپای کربن و شناسایی ناهنجاری‌ها در فرآیندهای تولید است. افزون بر این، استفاده از هوش مصنوعی در بستر G-IIoT با کاهش تولید ضایعات، افزایش بهره‌وری مواد اولیه و تقویت فرآیندهای بازیافت، صنایع را به سمت پیاده‌سازی مؤثر مدل اقتصاد چرخشی هدایت می‌کند. در نهایت، این رویکرد هوشمند داده‌محور نه تنها موجب افزایش بهره‌وری عملیاتی و سودآوری بنگاه‌های صنعتی می‌شود، بلکه با ارتقای عملکرد زیست‌محیطی، نقش بسزایی در تضمین پایداری اکوسیستم‌های صنعتی و تحقق اهداف توسعه پایدار ایفا می‌کند.

واژگان کلیدی: بهره‌وری سبز، اینترنت اشیا صنعتی سبز، هوش مصنوعی، اقتصاد چرخشی، مدیریت انرژی.

۱. استادیار گروه مهندسی کامپیوتر، دانشگاه ملی مهارت، jtaghizadeh@tvu.ac.ir

بررسی فناوری های هوشمند و تحول آفرین در اقتصاد دیجیتال ایران: زیرساخت ها، کاربردها و چشم انداز

محمد رضا جهانگیر^۱

چکیده:

این مقاله به بررسی نقش فناوری های تحول آفرین نظیر هوش مصنوعی، اینترنت اشیا و زیرساخت های ابری در دگرگونی اقتصاد ایران می پردازد. با ظهور این فناوری ها، دیجیتالی شدن اقتصاد به الزامی راهبردی برای کاهش وابستگی به منابع هیدروکربنی و افزایش تاب آوری اقتصادی تبدیل شده است. امروزه اقتصاد دیجیتال فراتر از یک بخش اقتصادی، به مثابه ستون فقرات توسعه پایدار کشور تعریف می شود؛ به گونه ای که در برنامه هفتم توسعه، هدف کمی دستیابی به سهم ۱۰ درصدی از تولید ناخالص داخلی تا سال ۱۴۰۷ تعیین گردیده است. با وجود این، بر اساس آخرین آمار، سهم اقتصاد دیجیتال از تولید ناخالص داخلی همچنان حدود ۴.۹ درصد است که بسته به روش اندازه گیری بین پنج تا هشت درصد گزارش می شود؛ رقمی که فاصله معناداری با میانگین جهانی ۱۵ درصدی دارد. این مقاله با اتکا به اسناد معتبر، ابعاد مختلف تحول دیجیتال در ایران شامل راه اندازی پروژه های کلان ملی در زیرساخت هوش مصنوعی، تحول در حاکمیت از طریق دستیاران هوشمند وزارتخانه ها، دیجیتالی سازی صنایع پیشران و توسعه زیست بوم نوآوری را تحلیل می کند. یافته ها نشان می دهد که علیرغم چالش هایی چون محدودیت های بین المللی و ضعف های سیاست گذاری، رویکرد جدید «خودتکایی دیجیتال» و «عدالت فناورانه» زمینه ساز گذار تدریجی ایران از اقتصاد نفتی به سوی اقتصاد دانش بنیان و هوشمند شده است.

واژگان کلیدی: اقتصاد دیجیتال، زیرساخت، هوش مصنوعی، تحول دیجیتال، فناوری های تحول آفرین، بومی سازی، هوشمندسازی، صنایع پیشران.

۱. دکتری تخصصی مهندسی کامپیوتر، استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد یادگار امام (ره) شهرری و مدیرعامل شرکت دانش بنیان بیان رایان، Jahangir@bayan.co.ir

اینترنت اشیاء و هوش مصنوعی به عنوان راهکارهای پایداری منابع طبیعی

بابک وفائی*^۱، عزت اله قنوازی^۲، امیر صفاری^۳، سعید خضری^۴

چکیده:

رشد جمعیت، توسعه صنعتی و تغییرات اقلیمی فشار بی‌سابقه‌ای بر منابع طبیعی وارد کرده است. در چنین شرایطی، فناوری‌های نوین به‌ویژه اینترنت اشیاء (IoT) و هوش مصنوعی (AI) به عنوان ابزارهای تحول‌آفرین در مدیریت هوشمند منابع آب، انرژی و محیط‌زیست مطرح شده‌اند. این مقاله به بررسی نقش اینترنت اشیاء (IoT) و هوش مصنوعی (AI) به عنوان راهکارهای نوین برای دستیابی به پایداری منابع طبیعی می‌پردازد. با تمرکز بر رویکرد سیستمی و جریان انرژی، نشان داده می‌شود که IoT با پایش بلادرنگ پارامترهای محیطی (آب، خاک، جنگل، انرژی) داده‌های لازم را فراهم می‌کند و AI با تحلیل این داده‌های حجیم، امکان پیش‌بینی مخاطرات، بهینه‌سازی مدیریت و تصمیم‌گیری هوشمند را ایجاد می‌نماید. کاربرد تلفیقی این دو فناوری، چرخه کامل پایش-تحلیل-تصمیم را شکل داده و مدیریت منابع طبیعی را از حالت واکنشی به پیشگیرانه و تطبیقی تبدیل می‌کند. در نهایت، این فناوری‌ها به عنوان ابزارهای کلیدی برای مدیریت هوشمند، یکپارچه و پایدار منابع طبیعی در چارچوب پیوند آب-انرژی-غذا (WEF Nexus) معرفی می‌شوند.

واژگان کلیدی: اینترنت اشیاء، هوش مصنوعی، پایداری منابع طبیعی، پیوند آب-انرژی-غذا (WEF Nexus).

*۱. نویسنده مسئول، دانشجو دکتری ژئومورفولوژی دانشگاه خوارزمی، babakvafaiee@gmail.com

۲. استاد گروه ژئومورفولوژی، دانشکده علوم جغرافیایی، دانشگاه خوارزمی

۳. استاد گروه ژئومورفولوژی، دانشکده علوم جغرافیایی، دانشگاه خوارزمی

۴. دانشیار گروه ژئومورفولوژی، دانشکده منابع طبیعی، دانشگاه کردستان

گذار به سوی نسل پنجم آموزش در ایران: واکاوی چالش‌های کلان و ترسیم نقشه راه تحول

محمد لعلی*^۱، آمنه لعلی^۲، کبری لعلی^۳، نرگس زاهد^۴

چکیده:

تحولات شتابان هوش مصنوعی و فناوری‌های هوشمند، نظام‌های آموزشی را به سوی الگویی نوین به نام «نسل پنجم آموزش» سوق داده است. مقاله حاضر با رویکرد مروری-تحلیلی و با هدف واکاوی چالش‌های کلان این گذار و ترسیم نقشه راه تحول برای نظام آموزشی ایران، به بررسی پژوهش‌های معتبر و نوین داخلی و بین‌المللی (شامل ۲۵ مقاله در بازه زمانی ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۶) می‌پردازد. یافته‌ها نشان می‌دهد گذار به نسل پنجم آموزش صرفاً یک تحول فناورانه نیست، بلکه دگرگونی عمیقی در ساحت‌های فلسفه تربیت، هویت‌یابی اجتماعی-اخلاقی، نقش معلم، عاملیت یادگیرنده، الگوهای حکمرانی و روابط قدرت در محیط آموزشی ایجاد می‌کند. چالش‌های کلان این گذار در سه سطح فنی-الگوریتمی، انسانی-تربیتی و سیاستی-حکمرانی قابل تبیین است و تحقق آن نیازمند سه دسته بایستگی فناورانه (زیرساخت‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری، سامانه‌های هوشمند و تحلیل داده‌ها)، انسانی-مهارتی (توانمندسازی معلمان، مهارت‌های دیجیتال و تفکر انتقادی دانش‌آموزان) و نهادی-سیاستی (چارچوب‌های قانونی، مدیریت تغییر و سیاست‌گذاری کلان) است. در این میان، بخش عمده ادبیات موجود بر ابعاد فناورانه متمرکز بوده و ابعاد تربیتی و اخلاقی مغفول مانده است؛ حال آنکه نظام آموزشی ایران ماهیتی تربیت‌محور دارد. در پایان، با توجه به این ماهیت، نقشه راهی چندلایه و بومی برای تحول به سوی نسل پنجم آموزش اخلاق‌محور در ایران ارائه می‌شود که بر

۱. دکترای مدیریت سیاست‌گذاری بازرگانی، مدرس آموزش و پرورش ناحیه ۴ مشهد، نویسنده مسئول؛

laaly_mo@yahoo.com

۲. کارشناسی فلسفه، مدرس آموزش و پرورش ناحیه ۶ مشهد

۳. کارشناسی ادبیات عرب، مدرس آموزش و پرورش ناحیه ۶ مشهد

۴. کارشناسی شیمی محض، مدرس آموزش و پرورش ناحیه ۵ مشهد

ضرورت توازن میان پیشرفت تکنولوژیک و ملاحظات تربیتی، عدالت شناختی، حکمرانی چندمرکزی و تبدیل فناوری به موضوع تفکر انتقادی و گفت و گوی اخلاقی جمعی تأکید دارد.

واژگان کلیدی: نسل پنجم آموزش، هوش مصنوعی، اخلاق آموزشی، نظام آموزشی ایران، نقشه راه تحول.

حکمرانی سکویی و الزامات تحول ساختاری اقتصاد ایران

یاسر نجفی مهر^۱، لیلی محمدی^۲

چکیده:

حکمرانی سکویی به عنوان الگوی نوظهور تنظیم گری و سیاست گذاری در عصر اقتصاد دیجیتال، فرصتی راهبردی برای تحول ساختاری اقتصاد ایران و خروج تدریجی از وابستگی به رانت های طبیعی و بخش های غیرمولد به شمار می رود. در این مقاله، مسئله اصلی آن است که چگونه می توان با طراحی و پیاده سازی حکمرانی سکویی، گذار از اقتصاد دولت محور و بنگاه محور به اقتصاد شبکه ای و داده محور را در ایران سامان داد و چه الزامات نهادی، حقوقی، فناورانه و فرهنگی برای این گذار ضروری است. هدف پژوهش، تبیین ابعاد مفهومی حکمرانی سکویی، تحلیل وضعیت موجود اقتصاد ایران از منظر آمادگی برای چنین حکمرانی و استخراج الزامات کلیدی برای سیاست گذاری و اصلاح ساختاری است. روش مقاله، تحلیلی - مفهومی با اتکا بر ادبیات نظری حکمرانی پلتفرمی و مطالعه تطبیقی تجربه چند کشور منتخب و انطباق آن با ویژگی های بومی ایران است. یافته های پژوهش نشان می دهد که تحقق حکمرانی سکویی مستلزم: بازطراحی نقش دولت از مداخله گر مستقیم به تنظیم گر و امکان ساز، ایجاد چارچوب حقوقی شفاف برای داده و رقابت، توسعه زیرساخت های دیجیتال فراگیر، نوسازی حاکمیت داده و حکمرانی تنظیم گرانه چندذی نفعی، بازمهندسی نظام یارانه و حمایت های دولتی بر محور سکوها و ارتقای سرمایه انسانی و سواد پلتفرمی است. نتیجه آن که بدون اصلاحات هماهنگ نهادی و سیاستی، صرف توسعه سکوهای دیجیتال به تحول ساختاری پایدار در اقتصاد ایران منجر نخواهد شد و حتی می تواند به تعمیق انحصارها و نابرابری ها بیانجامد.

واژگان کلیدی: حکمرانی سکویی، اقتصاد ایران، تحول ساختاری، اقتصاد دیجیتال، سکوهای دیجیتال، تنظیم گری، حاکمیت داده.

۱. دانشجوی دکتری تخصصی مهندسی صنایع دانشگاه آزاد تهران شمال، (نویسنده مسئول) y.najafimehr@iaui.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناسی، مهندسی صنایع دانشگاه آزاد واحد تهران شمال، asha.mohammadi123@gmail.com

الگوی آینده نگارانه حکمرانی داده در ایران: الزامات گذار به اقتصاد سکویی و تحول ساختاری

یاسر نجفی مهر^۱، مسلم رضاپور^۲، لیلی محمدی^۳

چکیده:

اقتصاد جهانی در دهه اخیر با گذار از الگوی سنتی تولیدمحور به اقتصاد داده‌محور و سکویی، شاهد دگرگونی‌های عمیق در ساختارهای نهادی، صنعتی و حکمرانی بوده است. در این میان، داده به مهم‌ترین منبع راهبردی خلق ارزش تبدیل شده و سکوهای دیجیتال با اتکا بر شبکه‌های گسترده کاربران، به بازیگران اصلی اقتصاد تبدیل شده‌اند. مسئله اصلی این مقاله آن است که چگونه می‌توان با رویکردی آینده‌نگارانه، الگوی حکمرانی داده‌ای در ایران طراحی کرد که زمینه‌ساز گذار تدریجی و هدفمند به اقتصاد سکویی و تحقق تحول ساختاری در اقتصاد ملی باشد. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی و اتکا بر تحلیل اسنادی، ابتدا مفاهیم کلیدی حکمرانی داده، اقتصاد سکویی و آینده‌پژوهی را تبیین می‌کند، سپس پیشران‌های کلیدی اثرگذار بر آینده حکمرانی داده در ایران را شناسایی و در چارچوبی سناریومحور دسته‌بندی می‌نماید. یافته‌ها نشان می‌دهد که نبود سیاست‌گذاری یکپارچه داده، ضعف هماهنگی نهادی، فقدان چارچوب حقوقی شفاف برای مالکیت و گردش داده و ناکافی بودن زیرساخت‌های داده‌ای از موانع اصلی شکل‌گیری اقتصاد سکویی رقابت‌پذیر در ایران است. بر اساس تحلیل آینده‌پژوهانه، چهار دسته الزام برای گذار به اقتصاد سکویی استخراج می‌شود: الزامات نهادی و تنظیم‌گری، الزامات حقوقی و هنجاری، الزامات فناورانه و زیرساختی و الزامات مرتبط با سرمایه انسانی و فرهنگ داده‌محور. در پایان، مقاله الگوی پیشنهادی حکمرانی داده در ایران را در قالب سه لایه «سیاست‌گذاری کلان»، «تنظیم‌گری سکویی» و «زیست‌بوم نوآوری داده‌محور» ارائه می‌کند و

۱. دانشجوی دکتری تخصصی مهندسی صنایع دانشگاه آزاد تهران شمال (نویسنده مسئول) y.najafimehr@iau.ac.ir

۲. دکتری تخصصی، علوم اقتصادی، دانشگاه آزاد واحد فیروزکوه، mrezaipoord@gmail.com

۳. دانشجوی کارشناسی، مهندسی صنایع، دانشگاه آزاد واحد تهران شمال، asha.mohammadi123@gmail.com

نشان می‌دهد که تحقق این الگو می‌تواند ضمن تقویت شفافیت، کارآمدی و عدالت در نظام اقتصادی، زمینه‌ساز تحول ساختاری و ارتقای جایگاه ایران در اقتصاد دیجیتال جهانی شود.

واژگان کلیدی: حکمرانی داده، آینده‌پژوهی، اقتصاد دیجیتال، تنظیم‌گری داده‌محور، سیاست‌گذاری سکویی.

اثرات مداخلات درونی بر کارایی بازار ارز در ایران

عباس حمزه خانی^۱

چکیده:

هدف پژوهش حاضر این است که ابتدا کارایی بازار ارز در فاصله سال های ۱۴۰۰-۱۳۸۰ اندازه گیری شود. برای انجام آزمون کارایی ضعیف از آزمون های دیکی فولر تعمیم یافته، فیلیپس پرون و کواپتکوسکی استفاده می شود و برای آزمون کارایی نیمه قوی از روش های هم جمعی فزاینده جوهانسن و علت و معلولی گرینجر استفاده می شود. سپس با به کار بردن الگوی خودرگرسیون با وقفه توزیعی به تخمین اثرات مداخلات درونی بر کارایی بازار ارز پرداخته می شود. نتایج نشان می دهد که از ۲۱ سال مورد بررسی، ۱۳ سال دارای کارایی ضعیف و ۸ سال دیگر فاقد کارایی ضعیف بودند و در کل دوره، کارایی بازار از نوع نیمه قوی مورد تأیید قرار نگرفت.

واژگان کلیدی: بازار ارز، کارایی بازار ارز، مداخله درونی، نوسانات نرخ ارز.

۱. دکتری، اقتصاد بین الملل، ahamzehkhani@yahoo.com

اصول معماری عصب محور مبتنی بر حکمت اسلامی

زینب راحتی^۱، جمال الدین مهدی نژاد^۲، سید علی سیدیان^۳

چکیده:

در وضعیت نابسامانی نمای شهری ایران، بحران، نه در کمبود فرم های اسلامی و هویت مند، بلکه در گسست میان ساحت حکمی، ساحت عصب-ادراکی و ساحت کالبدی معماری ریشه دارد. این پژوهش با هدف بازخوانی حکمت اسلامی به عنوان منبعی زنده برای طراحی معاصر، چارچوبی تلفیقی ارائه می کند که سه حوزه «حکمت اسلامی و معماری ایرانی-اسلامی»، «نورومعماری و ویدئو-اکولوژی» و «مطالعات هویت نما» را در پیوندی نظام مند قرار می دهد. روش پژوهش، تحلیل محتوای تطبیقی است؛ بدین معنا که ابتدا مفاهیم کلیدی حکمت اسلامی (قدر، فطرت، عدل، ذکر، مراتب نفس و وحدت در کثرت) استخراج شده، سپس با یافته های نورومعماری درباره ی فراکتال ها، بیوفیلیا، ابعاد ادراک فضا و مکانیسم های بینایی تطبیق داده می شوند و در نهایت به ساحت طراحی نما ترجمه می گردند. نتیجه، تدوین چارچوبی سه سطحی (حکمی-معنایی، عصب-ادراکی، کالبدی-نمایی) و استخراج ده اصل طراحی نمای شهری حکیمانه است؛ اصولی که ریتم فراکتال متعادل، تعادل نور و سایه، بیوفیلیای حکیمانه، سلسله مراتب حریم، مرکزیت معنوی، تناسبات قدسی، مرزهای پر، فضای خالی، سادگی درونی و هماهنگی با بافت را دربرمی گیرند. مقاله استدلال می کند که حکمت اسلامی را می توان به منزله «نوروساینس شهودی» فهم کرد و نشان می دهد که پیروی از این اصول، فارغ از اسلامی بودن، می تواند به خلق نماهایی بینجامد که کیفیتی آرام بخش، هویت ساز و همسو با مکانیسم های ادراک و نیازهای روانی انسان معاصر دارند؛ کیفیتی که به بازتعریف «چهره حکیمانه شهر» و جهت دهی به سیاست های طراحی نمای شهری یاری می رساند.

واژگان کلیدی: حکمت اسلامی، نورومعماری، ویدئو-اکولوژی، ادراک بینایی، نمای شهری، تن آگاه، فطرت.

۱. دانشجوی دکتری معماری دانشگاه مازندران، نویسنده مسئول z.rahati01@umail.umz.ac.ir

۲. استاد گروه معماری، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، Mahdinejad@sru.ac.ir

۳. دانشیار گروه معماری دانشکده هنر. معماری دانشگاه مازندران، a_syedian@umz.ac.ir

بخش سوم
شعرو ادبیات پیشرفت

حرکت رو به جلو، قدم به قدم

مهدی رحمانی منشادی^۱

هوش مصنوعی

با نورِ رونمایی

وارد شد

دست افشان

تحسین شده

تشخیص داد

آنچه

از چشم پزشک

پنهان مانده بود.

و قوه قضائیه

که سالهاست

در گاهها را

بر صفحهها

گشوده

خواست

زودتر از همه

به آینده برسد.

اما آینده

دویدن نیست

راه است

۱. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی قم، areyo62@gmail.com

و راه
احتیاط می خواهد.
ماشین
تحقیق می نویسد
منبع می چینه
شماره صفحه می دهد
اما وقتی
به جست و جو می روی
می بینی
منبع
هرگز
وجود نداشته است.
انگار
برای راضی نگه داشتن
حقیقت را
کمی
خم می کند.
شعر می سازد
وزن را تحلیل می کند
ولی
موسیقی
در جای درست
نمی نشیند.
لایحه می نویسد
ماده قانونی می آورد
اما
شماره ماده

از قانون
جلو زده است
قانون مدنی
۱۳۳۵ ماده دارد
و او
تا ۱۴۲۰
پیش رفته است.
هوش
هست
اما
هنوز
قضاوت نیست.
عدالت
فقط
جمع ادله نیست
لحظه ای است
که وجدان
روی میز قاضی
خم می شود.
دو نفر
جرم واحد
سرنوشت واحد؟
نه همیشه.
گاهی
ریشه دعوا
در یکی است
و انصاف

در دیگری

سبک تر می ایستد.

اعسار

اعداد دارد

اما

رنج هم دارد

و رنج

در جدول

نمی گنجد.

و خطر

جای دیگر است:

داده ها

رفتارها

اخلاق جمعی

اگر

تحلیل شود

و

راهی بیرون

آن گاه

بازار

قبل از ما

ما را

می شناسد.

خلأهای قانون

نقشه می شوند

و

دست های دور

دقیق تر
ضربه می زنند.
شاید
وقت مکث است
نه توقف
حرکت
اما
قدم به قدم.
به جای آن
قاضی
از حاشیه
آزاد شود
و به اصل
برسد.
ادله
خارج از دادگاه
آماده شوند
شهود
حرفشان را
آرام
ثبت کنند
کارشناس
بی تردید
نظر دهد.
جلسه
وقتی باشد

که لازم است
نه از سر عادت.
داوری
قوی شود
دادگاه
خلوت
و عدالت
نفس بکشد.
دادگاه
برای
فکرهای دشوار
نه چک
نه سفته.
و مبادا
روزی
بیدار شویم
و بینیم
رأی ها
با نام انسان ها
در ویتترین اینترنت
چیده شده اند.
آینده
با شتاب
ساخته نمی شود
با دقت
ساخته می شود.

حرکت

رو به جلوست

اما

قدم به قدم.

هوش مصنوعی پس از رونمایی مورد استقبال زیادی قرار گرفته است و حتی در مواردی در مدح او در تشخیص بیماری‌هایی که پزشکان قابل تشخیص آن نبودند گفته شده است. قوه قضائیه که در استفاده از دستگاه‌های الکترونیک گوی سبقت را از قوای دیگر را ربوده است. به دنبال استفاده از هوش مصنوعی است. ولی به نظر می‌رسد قبل از آن باید موانع و چالش‌های استفاده از آن مدنظر قرار بگیرد و با احتیاط وارد شد. چون به نظر می‌رسد هوش مصنوعی هنوز توانایی لازم برای برخی کارها ندارد. اگر شما درخواست تحقیق و مقاله‌ای از هوش مصنوعی کنید مقاله را به شما با منابع تحویل می‌دهد ولی وقتی منابع را سرچ بزنید می‌بینید خیلی منابع وجود خارجی ندارند تا چه برسد شماره صفحه آن درست باشد. حتی برخی اطلاعاتی که به شما می‌دهید اگر تحقیق کنید می‌بینید نادرست است. این نشان می‌دهد هوش مصنوعی می‌خواهد کاربر را حتی با گول زدن راضی نگه دارد. مورد بعدی این است که اگر شما اثری شعری در قالب کلاسیک بخواهید به شما تحویل می‌دهد و اگر از او تحلیل بخواهید تحلیل وزن هم می‌دهد ولی وقتی بررسی دقیق کنید می‌بینید آنچه به شما تحویل داده است اثری درست نبوده است. در مورد حقوق و قانون همین‌طور، اگر شما از هوش مصنوعی لایحه بخواهید لایحه می‌دهد و حتی مواد قانونی ارائه می‌دهد ولی آنچه جالب است این است که برخی مستندات قانونی هوش مصنوعی نمی‌تواند اصلاً صحیح باشد زیرا شماره ماده قانونی مورد استناد از تعداد شماره‌های قانون پایه مورد استناد بیشتر است مثلاً ماده ۱۴۲۰ قانون مدنی می‌دهد در حالی که تعداد مواد قانون مدنی ایران ۱۳۳۵ تا ماده است. مشکلات دیگری نیز وجود دارد. اگر چه برخی در توازن ادله کتاب نوشته‌اند ولی بحث توازن ادله در کشور ما به خوبی روشن نیست. مثلاً اختلاف وجود دارد آیا قاضی با دو شاهد در امور حقوقی باید به نفع طرف شاهد آورنده رأی بدهد یا طبق ظاهر قانون می‌تواند شهود را کنار بگذارد. مشکل دیگر این است که با هوش مصنوعی هنر دفاع با حقوق باید خداحافظی کند. هنر دفاع به معنی مهارت و کیل در دفاع نیست بلکه منظور چیزهایی است که خود فرد می‌گوید و انصاف و وجدان قاضی را تحت تأثیر قرار می‌دهد چه بسا دو نفر در حق هم مرتکب جرم شدند ظاهر عدالت می‌گوید هر دو باید به یک نوع محکوم شوند هر دو تعلیق یا هر دو محبوس

شوند ولی گاهی انصاف اقتضا می کند یکی تعلیق و دیگری محبوس شود چون منشأ اصلی دعوا به یکی بر می گردد. یا در موردی شخصی با مهارت قانونی توانسته است دیگری را محکوم کند حال قاضی در اعسار با استعلام اموال زیادی مواجه است ولی از طرف دیگر انصاف حکم می کند با اقساط زیاد، از تألمات محکوم علیه قربانی بکاهد. انجام این موارد از هوش مصنوعی بعید است. اما خطر دیگری نیز وجود دارد ایران دیر یا زود می خواهد به سازمان تجارت جهانی ملحق شود و این یعنی باز شون بازار کشور به محصولات خارجی، در این صورت به جهت الزامات سازمان تجارت جهانی در منع حمایت دولت، تولیدکنندگان داخلی تحت فشار خواهند بود. هوش مصنوعی می تواند مشکلی مضاعف ایجاد کند هوش مصنوعی با تجزیه تحلیل داده های پرونده ها می تواند به الگوی اخلاقی و رفتاری ایرانیان دست یابد و این را کشورهای صادرکننده بدهد که منجر به تبلیغات بهتر انحصاری می شود. و علاوه بر آن خلأهای قانونی کشور را به راحتی می تواند شناسایی کند و این خلأهای قانونی در اختیار کشورهای دیگر قرار دهد. بنابراین استفاده از هوش مصنوعی هایی که بر پایه هوش مصنوعی های خارجی است یا امکان نشت اطلاعات دارد امری صحیح نمی نماید. و باید تا زمانی که خود کشور توانایی ساخت هوش مصنوعی اختصاصی بدون اتکا به خارج دارد صبر کرد. به جای آن می توان کاری کرد که قضات فقط تمرکز بر اصل مسئله داشته باشند. همه کارها دیگر لازم نیست توسط قاضی انجام شود. مؤسساتی ایجاد شوند که افرادی که می خواهند ادله خویش را جمع کنند بتوانند آنجا بروند و به تأمین ادله خویش پردازند یعنی تأمین ادله را از دادگاه ها خارج کرد و به افراد اجازه داد ادله خویش را در آن مراکز ارائه و آماده کنند شهود خویش را بیاورند و اگر از لحاظ حسابداری ادله دارند تأمین دلیل کارشناسی حسابداری کنند. حتی موارد کارشناسی را می توان مستقیماً به کارشناسان اجازه داد بدون اما و اگر انجام دهند چیزی که الآن تردیدهایی در آن است و موجب احتیاط کارشناسان شده است. به وکلا اجازه داد شهود را در خارج دادگاه اظهاراتشان را ضبط کنند و روی سی دی بگذارند و محتوا را متن کنند و به دادگاه ها ارائه دهند. می توان بعضی امضاها را خارج کرد. اجرائیه ها دیگر نیازی به نظارت و امضا نداشته باشد و اگر طرف اعتراض داشت آن وقت قاضی ورود کند. لزوم تشکیل جلسه را برای دادگاه بدوی برداشت و آن را موکول به درخواست طرف کرد جلسه هایی که در برخی موارد اصلاً کسی شرکت نمی کند.

و همچنین به دلیل عادلانه شدن می توان در امور حقوقی امکان استفاده از کارشناسان حقوقی و در امور کیفری استفاده از کارآگاه های مستخدم دولت را مقرر کرد. فردی که بی طرفانه پرونده را بررسی و گزارش و نظریه کارشناسی خویش را به دادگاه ارائه می دهد. و همچنین می توان مقرر کرد که وکلا

بتوانند حکم پیشنهادی خویش را ارائه دهند در این صورت کار قاضی آسان تر می شود و مشخص می شود و کیلی که دفاع می کند می تواند حکمی مستند هم بگوید یا یک دفاع صرف است. تقویت داوری یکی از بهترین چیزها است خیلی از کشورها به سمت تقویت داوری رفته اند و دادگاه های خویش را خلوت کرده اند. دادگاه می بایستی برای پرونده هایی باشد که نیاز به مذاقه و تجزیه و تحلیل دارد نه سفته یا چکی که باید پاس شود. اگر داوری قوی باشد خیلی از افراد چون می بینند اعتراض جزو هزینه ندارد و حقی هم ندارند دیگر اعتراض نمی کنند. اگر طرف داوری را صحیح ندانست آن وقت اعتراض کند. اشتیاق به استفاده از هوش مصنوعی نباید منجر به این شود که روزی بینم همه آرای کشور با اسامی افراد در اینترنت وجود دارد.

میراث ۵

حسن خسروی وقار^۱

«شب بود، اما من چراغی داشتم، حیف...
 دشت و قنات و باغ و راغی داشتم، حیف...
 رؤیای رودم را به تب نابود می کرد
 روی ذغال شب سحر را دود می کرد
 در بستر ما پرسه می زد تب، تب خوف
 روی سر ما خیمه می زد شب، شب خوف
 خوف هم از فریاد، حتی از گلو هم
 خوف شب بی صبح، خوف از آرزو هم
 خوف رزان از شاخه ی همدست هیزم
 از باغبان چون زمستان مست هیزم
 در حشر خون خوف تن از برگشت سرها
 آیاتی از خوف پدرها از پسرها
 نامی هم از هول قیامت بود در دشت
 ما را ولی ننگ سلامت بود در دشت
 القصه رستم برخی سهراب می شد
 رودابه در این لابه نم نم آب می شد
 رودابه را گفتم، رباب آمد به چشمم
 از کربلا آرم آب آمد به چشمم
 در مشک تشنه نوشدارو بود و خون شد
 ساقی شکست و جام سرمستان نگون شد
 در صحبت شمشیر، بازویی نمی ماند
 القصه نیرویی به زانویی نمی ماند

۱. کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اراک، h.khosravivaghar@gmail.com

سر بود و خنجر بود و آتش بود و مویی
 در خیمه ها سوز عطش از هر گلویی...»
 استادمان می گفت: «عاشورا است امروز
 در مقتل مولای ما غوغاست امروز»
 دستش به روی سینه بود، از حال می رفت
 هر جا که حرف از شمر در گودال می رفت
 می گفت: «در تاریخ باطل هست و حقی
 جز خون نمی آید به کار مستحقی
 گیرم که جز بانگ عزا در نی نوا نیست
 این پرده خوانی جز دمی از نینوا نیست!
 گیرم بزرگی را ز صدر زین فکندند
 سرها به روی نیزه ها هم سربلندند»
 می گفت: «شب بود و چراغی داشتم، کو؟
 دشت و قنات و باغ و راغی داشتم، کو؟»
 می گفت و گفتم مستحقم! خیز باید
 شمشیر را بر گردن شبدیز باید
 تا دور شاه است و قشون اکمه هایش
 روی گلویم مانده ردّ چکمه هایش!
 دشمن نمی دید و خوراک از دوست می کند
 در غرب وحشی گله ام را پوست می کند
 تاج است و راه کاسه لیبی در بر ما
 وای از کلاه انگلیسی بر سر ما
 القصّه بر خوان یهود افتاده می رفت
 تا که بنوشندنش، به شکل باده می رفت
 شاهی که از هر بند رعیت نرده می خواست
 ما را بر ارباب هایش برده می خواست
 در مرگ هم ما _ وای بر ما _ برده بودیم

از غرب گورستان کفن آورده بودیم...
 روزی ولی گفتیم ما را خیز باید
 شمشیر را بر گردن شبدیز باید
 لب های طغیان می شدیم و دوخت ما را
 طاغوت در آذر برادر! سوخت ما را
 نه سازی و نه فرصت رؤیا نوازی
 نه سازه ای، نه آرزوی دست سازی
 استادمان می گفت: «شب بود و چراغم...»
 من نیز گفتم کو؟ کجا شد باغ و راغم؟
 القصه تا آنجا که شد، با خویش رفتیم
 شب بود و رهزن بود، اما پیش رفتیم
 تا روشنی دادیم سیر کاروان را
 بی آسمان کردیم کاووس زمان را
 ما تن اگر، خون حسینی بود در ما
 ما جان اگر، روح خمینی بود در ما
 با نام احمد سگه مان را ضرب کردیم
 خود را تهی از خرده ریگ غرب کردیم
 در این میان اما برادر ناتنی ها
 تخم شغادند و هلاک خودزنی ها
 غرقاب را این اکمه ها پایاب دیدند
 ایران ما را پاره پاره؟ خواب دیدند!
 تورانی از خشمم در آتش بوده، هشدار!
 لالایی ما ذکر آرش بوده، هشدار!
 «القصه جز نقل قیام از ما، فسانه ست
 این چامه را با من بخوانی، عاشقانه ست»
 با ساز خود رؤیای خود را می نوازیم
 چون سازه هامان آرزویی دست سازیم

استادمان می گفت: «این آغاز راه است
شب لگه ای جامانده بر دامان ماه است
افراسیاب است و سیاوش شهیدی
هر جا حسینی بود، سر می زد یزیدی»
القصه جنگی بود و ننگی بود و نامی
میراث ما خون است و شمشیر قیامی
من تشنه هم باشم، نمی بزم برادر
نان حلالم را سر آب حرامی
بر جام دست فتنه ای مانده ست و من هم
جامی به سنگی می زنم، سنگی به جامی
«والسابقون السابقون» وقتی نمانده ست!
خورشید را سر می بُرد شام تمامی
ماییم اگر، غارت نخواهد کرد شمری
حتی نخ پیراهنی را از امامی
حتی اگر در مقتل ما صف بیندند
در تف بینیم از سواران ازدحامی
حتی اگر سرهای ما از پا بیفتند!
فتح المبینی هست و دست انتقامی
من نهروان در نهروان خونم برادر!
من وارث گرز فریدونم برادر!
هر اُشتری در فتنه آمد، نحر کردم
بر گرده ی ضحاک تیغ قهر کردم
من آبم و آشوب بوشهر است در من
من خاکم و خشم منوچهر است در من
«القصه جز نقل قیام از ما، فسانه ست
این چامه را با من بخوان تا عاشقانه ست»
گیرم که خنجر می وزید از این حوالی

من ایستادم همچنان با دست خالی
 گیرم که دستم خالی است، اما بسازم
 من آمدم تا آرزوها را بسازم
 دیروز اگر مین بود و رؤیایی که جا ماند
 من مانده بودم در غم پایبی که جا ماند_
 _با شوق رفتن سوی فردایی که مانده ست
 می ایستم روی همان پایبی که مانده ست
 پرواز خواهم داد امید کودکم را
 با دست خود می سازم آخر موشکم را
 در آسمان ها شادی ما را ببیند
 رقصیدن پهپادی ما را ببیند
 «دنيا بخواند از من و تو عاشقانه
 این چامه را با من بخوان! باقی فسانه»
 چون طرح نو در آسمان انداختیمش
 هر آرزویی بود، با هم ساختیمش
 اما کماکان کاروان را درد کم نیست
 راه درازی مانده و هموار هم نیست
 ما را اگر چه مرکب فتح المبین است
 تا همچنان شب رهن است و در کمین است
 القصه دنیا هست و برق سگه هایش
 در مگه حاجی را فریب عگه هایش
 تخم شغادند و هلاک خودزنی ها
 وای از _برادر جان!_ برادر ناتنی ها
 تا بوده چاقوی برادر تیز بوده
 هر جا که ایرج بوده، سلمی نیز بوده
 امید یاری بود، اما بیم هم بود
 در دست یاران پرچم تسلیم هم بود

سوی نگاه ناخلف با خانه جنگی ست
چشم برادر ناتنی هاما فرنگی ست
ارث پدر را بین خود تقسیم کردند
ما را برادرهای ما تحریم کردند
ما آرزو بودیم اگر، آرزو گانیم
ما را نمی بینند... شاید مردگانیم
اما برادر کاش با دنیا نمی ساخت
از خاک گورم خشت کاخش را نمی ساخت
یا از تنم با کشتنم حرفی نمی زد
از خانه پیش دشمنم حرفی نمی زد
دلتنگی ام را کاشکی آغوش می شد
من شعر غربت بودم، او هم گوش می شد
هر جا زمین خوردم، عصا می شد برایم
در سوز سرما هم قبا می شد برایم
اما برادر گریه های هر شبم بود
در بستر من پرسه می زد تب، تبم بود!
القصة ماییم و شب و راه درازی
در جستجوی آرزوی دست سازی
راه است اگر پر بیم خنجر، طی کنیمش
صعب است، اما بی برادر طی کنیمش!
می ایستد بر پایه ی من آسمانی
در دست هایم می تپد نبض جهانی
انگشت های من سلیمانی ست، بنگر!
تا فرش زیر پایم ایرانی ست، بنگر!
می بینم از هر جای هر شب جاده ها را
صبح امیدم از نفس افتاده ها را
من آفتابی تیز دارم در غلافم

بنگر! دل هر ذره ای را می شکافم
 هر کهکشانی را که می گفتند، دیدم
 از مزرع سبز فلک هم خوشه چیدم
 آمد به باغم تشنه ای، جویم برایش
 هر کس که دردی داشت، دارویم برایش
 دنیای عاشق آرزوی کودک من
 از نغمه ی جان است رقص موشک من
 دل سوختن در سرگذشت جنگی ام نیست
 جز ساختن در آتش هوشنگی ام نیست
 القصه ماییم و شکوه آرمان ها
 تا قله یک شب مانده و اینک جوان ها_
 _با ساز خود رؤیای ما را می نوازند
 این سازه ها _این آرزوها_ دست سازند
 اکنون که طی کردیم راهی را که باید
 از دور می بینیم ماهی را که باید
 صبح یسوعا پشت درهای اریحاست
 در کربلا هم صحبت از خورشید بطحاست
 در دشت ما موسیقی منجی وزیده
 رود من از آواز داوودی شنیده
 در خوف شب هم گفته و از ماه گفته
 القصه استادم _جزاهُ الله_ گفته:
 «این فصل را با من بخوان! باقی فسانه ست
 این فصل را بسیار خواندم، عاشقانه ست»^۱

۱. وامی از استادم علی معلم دامغانی

بخش چهارم

رساله‌های برتر و ساینس‌تدردانی

الکوی اسلامی ایرانی پیشرفت

تحلیلی بر آینده نگاری راهبردی برنامه ریزی و توسعه گردشگری اسلامی و حلال در ایران؛ با تأکید بر شخصیت مقصد و برندسازی

بهنام کیان^۱

چکیده:

صنعت گردشگری به عنوان یکی از بزرگ ترین بخش های اقتصادی جهان، از دیرباز دارای ارتباطی تنگاتنگ با اسلام است که اخیراً این ارتباط به دلیل برخی عوامل اجتماعی - اقتصادی و ژئوپلیتیک رو به افزایش بوده است. فارغ از مباحثی همچون حج و زیارت، در دهه های اخیر متولیان این صنعت آغاز به درک اهمیت نیاز ضروری گردشگران مسلمان به برخی کالاها و خدمات اسلامی و حلال در جریان انواع سفر کرده اند که شکل گیری پدیده ای تحت عنوان گردشگری اسلامی و حلال را در پی داشته است. پدیده ای که بیان مالی پیش بینی شده آن برای سال ۲۰۲۸ بالغ بر ۲۰۰ میلیارد دلار گزارش شده است و سازگاری کامل آن با زمینه ها و پتانسیل های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و مذهبی موجود در کشور از طرفی حکایت از وجود فرصتی بی نظیر برای ارتقای جایگاه صنعت گردشگری در ایران از این گذرگاه دارد و از سوی دیگر نیز سهم اندک ایران از جریان ها و درآمدهای بین المللی گردشگری اسلامی و حلال در مقایسه با سایر مقاصد اسلامی پیشرو، اهمیت توجه بیشتر به سازوکارهای برنامه ریزی و توسعه این نوع از گردشگری با هدف ایجاد چشم اندازی جدید، راهبردی و پایدار برای اقتصاد غیرنفتی ایران فردا را دوجندان می نماید. در همین راستا پژوهش حاضر با نگاهی آینده نگارانه و کاربردی رویکردی اکتشافی - هنجاری نسبت به این موضوع و با تکیه بر مطالعات کتابخانه ای و میدانی و انجام تحلیل ساختاری با استفاده از نرم افزارهای مربوطه، تلاش نمود تا به عنوان لازمه خلق وضعیت مطلوب برندسازی و توسعه در آینده سیستم از این رهگذر، ابتدا به شناسایی عوامل و مؤلفه های اولیه مؤثر بر شکل گیری شخصیت و برند گردشگری ایران تحت عنوان یک مقصد اسلامی و حلال پرداخته و سپس نسبت به شناسایی پیشران های مؤثر اقدام نماید و در ادامه نیز شناسایی و تدوین سناریوهای محتمل و راهبردهای مؤثر بر این حوزه را در دستور کار خود قرار دهد. بر اساس نتایج، ۵۶ مؤلفه اولیه در قالب ۹ عامل شناسایی شدند و از بین آنان متغیرهای پیشران با استفاده از نرم افزار MicMac به تعداد ۱۵ مورد، شناسایی شدند که با توجه

۱. دکترای برنامه ریزی شهری دانشگاه تبریز، behnam.kian@tabrizu.ac.ir

به نتایج، عوامل سیاسی- نهادی، مهارت و ارتباطات، فرهنگی- مذهبی، محیط، برنامه ریزی و بازاریابی و محصول به ترتیب بیشترین سهم در بین پیشرانها را به خود اختصاص دادند. خروجی نرم افزار Scenario Wizard نیز حاکی از شناسایی ۱۶ سناریو شامل ۲۴۰ وضعیت باورپذیر برای آینده سیستم می باشد که با اینکه مجموع وضعیت های مذکور حکایت از جهت حرکت سیستم به سمت مطلوبیت دارد اما نباید از فراوانی بالای وضعیت های ایستا و بحرانی محتمل نیز غافل بود. همچنین بر اساس یافته ها، ماهیت مؤلفه های مؤثر بر شکل گیری شخصیت و برند گردشگری ایران تحت عنوان یک مقصد اسلامی و حلال بیش از آن که تابعی از برنامه ریزی، بازاریابی و یا تکنیک های برندسازی مقصد باشند، حاصل پدیده ای به نام اقتصاد سیاسی می باشند. به بیان دیگر اگرچه توجه و اولویت اصلی دولت ها برای سرمایه گذاری و سیاست گذاری در این بخش عبارت است از کسب حداکثر منافع اقتصادی، اما هیچ کدام از آنها، از منافع سیاسی و فرهنگی- اجتماعی حاصل از آن چشم پوشی نمی کنند. در واقع اگرچه تأثیر گسترده مؤلفه های سیاسی مسلط بر گردشگری از یک سو و اقتصاد دولتی متکی بر نفت از سوی دیگر در کنار خط مشی های دولتی برخاسته از ماهیت و شرایط فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و به ویژه سیاسی ایران منجر به شکل گیری موانعی جدی علیه توسعه مطلوب سیستم گردشگری به صورت عام شده اما از سوی دیگر، فضایی مناسب برای توسعه گردشگری اسلامی و حلال به عنوان یک زیرسیستم در این کشور ایجاد شده است. از این رو و در راستای استفاده بهینه از این فرصت و دستیابی به توسعه و مزیت نسبی در این حوزه، لازم است نهادهای بالادستی ضمن تغییر نگرش و تأکید بیشتر بر وظائف بسترسازی، سیاست گذاری، تصمیم گیری و نظارتی خود، با مشارکت دادن همه بازیگران و ذی نفعان، خصوصاً بخش خصوصی، جوامع محلی، نهادهای مستقل مدنی و دانشگاه ها و با اتخاذ رویکردی آینده نگر و با مدنظر قرار دادن عوامل، مؤلفه های اولیه، پیشرانها و سناریوهای محتمل، راهبردهای پیشنهادی پژوهش حاضر در ابعاد مختلف را برای رسیدن به وضعیت مطلوب و تحقق توسعه در بازه های زمانی کوتاه مدت، میان مدت و بلندمدت مدنظر قرار دهند.

واژگان کلیدی: گردشگری اسلامی و حلال، آینده نگاری، شخصیت مقصد، برند سازی، ایران.

مدل گذار از نوآوری های فناورانه به نوآوری های طراحی محور در صنایع خلاق و فرهنگی ایران

جواد امانی^۱

چکیده:

نوآوری ها در بستر اجتماع پدیدار می شوند. به عبارت دیگر، نمی توان آن ها را بدون ارتباط با جامعه تعریف کرد. امروزه مصرف کنندگان، بیشتر به جنبه های شناختی، فرهنگی و اجتماعی محصولات توجه می کنند، در حالی که انگاره های رایج نوآورانه، کاستی های فراوانی در پاسخ به نیازهای عمیق، پنهان و احساسی کاربران دارند. مفاهیم و سیاست های نوآورانه در حال عمیق تر شدن هستند و به سایر حوزه های دانش نیز راه یافته اند. در واقع، در یک جریان نوآورانه، وجوه شناختی و غیرفناورانه، از جمله معنا و احساس، از طریق طراحی به مثابه فناوری اهمیت یافته اند. گذار از انگاره های رایج نوآوری فناورانه به نوآوری غیرفناورانه و طراحی محور، ایده ای است که در این رساله در بستر صنایع خلاق و فرهنگی ایران بررسی شده است. هدف این پژوهش، ابتدا کشف، سپس توصیف و تبیین و به دنبال آن فهم از طریق استقرا است. از این رو، در گام اول، با جست و جوی اصطلاحات و مفاهیم کلیدی در پایگاه های اطلاعاتی اسکولار و اسکوپوس و بررسی ادبیات پژوهش، به تبیین گونه های نوآورانه غیرفناورانه و طراحی محور پرداخته شده است. سپس، به منظور جایگزینی یک پیشران نوآورانه خلاق و فرهنگی، مدلی با استفاده از روش شناسی مبتنی بر مطالعه موردی که از مفاهیم مدیریت گذار و چارچوب چندسطحی بهره گرفته، ارائه شده است. جایگزینی عناصر غیرفناورانه ای مانند طراحی به منظور دستیابی به نوآوری، مهم ترین یافته این پژوهش است. در ادامه با استفاده از رویکرد مدل سازی ساختاری-تفسیری، چالش ها و موانع گذار به نوآوری های طراحی محور احصا گردید و در نهایت، پیشنهادها و توصیه هایی برای سیاستگذاران و پژوهشگران ارائه شده است.

واژگان کلیدی: عناصر شناختی، نوآوری طراحی محور، گذارهای غیرفناورانه، سیاست گذاری نوآورانه، صنایع خلاق و فرهنگی ایران.

۱. دکترای سیاست گذاری علم و فناوری دانشگاه تربیت مدرس، javadamani@modares.ac.ir

تحلیل اثر ترکیبی ابزارهای سیاست‌گذاری دولت در توسعه تولید برق از انرژی‌های تجدیدپذیر در ایران: رویکرد کنترل مدل پیش‌بین

معصومه علی‌پوریان^۱

چکیده:

ایران از یکسو، با چالش‌هایی مانند آلودگی هوا، تغییرات آب و هوایی و امنیت انرژی مواجه است. از سوی دیگر، دارای منابع تجدیدپذیر متنوع و در دسترس است که جایگزین‌های مناسبی را برای کاهش وابستگی به سوخت‌های فسیلی ارائه می‌دهد. اهمیت این موضوع ما را بر آن داشت که در این پژوهش به تحلیل اثر ترکیبی ابزارهای سیاست‌گذاری (متغیرهای کنترلی) دولت در توسعه تولید برق از انرژی‌های تجدیدپذیر با استفاده از الگوریتم کنترل مدل پیش‌بین (MPC) طی دوره ۱۹۹۰ تا ۲۰۲۰ بپردازیم. در این راستا، ما به دنبال پاسخگویی به این سؤال هستیم که سیاست-گذار چگونه می‌تواند با تغییر متغیرهای کنترلی (تولید برق از انرژی‌های تجدیدناپذیر (NRE)، ظرفیت نیروگاه‌های برق تجدیدپذیر (CPP)، یارانه‌های انرژی (SUB)، کمک هزینه همکای‌های فنی (TCG) و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI)) و با در نظر گرفتن محدودیت‌های آنها، به خروجی‌های مطلوب در افق ۲۰۳۰ دست یابد.

برای پاسخ‌گویی به این سؤال، به حل مسئله MPC در دو حالت: (۱) در نظر گرفتن یک نقطه مطلوب برای خروجی‌ها، (۲) در نظر گرفتن یک مسیر مطلوب برای خروجی‌ها، در افق ۲۰۳۰ پرداخته‌ایم. نتایج نشان می‌دهد که خوش‌بینانه‌ترین حالت، در یک افق ۱۰ ساله، سناریوی تأمین ۲۰٪ از مصرف برق از طریق تولید برق از انرژی‌های تجدیدپذیر و نرخ رشد ۲٪ برای تولید ناخالص داخلی است. همچنین، به دلیل محدودیت منابع در اقتصاد، با اعمال قیدهای حداکثر نرخ رشد ۱۰٪ روی NRE و حداکثر نرخ رشد ۲۵٪ روی CPP، به خروجی‌های مطلوب دست می‌یابیم. در حالت دوم، با در نظر گرفتن یک مسیر مطلوب برای متغیرهای خروجی (مصرف برق (EC)، تولید برق از انرژی‌های تجدیدپذیر (RE)، انتشار CO₂، تولید ناخالص داخلی (GDP)) و با در نظر گرفتن گام‌های مساوی ۱۰٪ در هر سال برای آنها، به تدریج و در یک افق ۱۰ ساله، می‌توان به خروجی‌های مطلوب دست یافت.

واژگان کلیدی: انتشار CO₂، تولید برق از انرژی‌های تجدیدپذیر، تولید برق از انرژی‌های تجدیدناپذیر، تولید ناخالص داخلی، کنترل مدل پیش‌بین، مصرف برق، یارانه‌های انرژی.

۱. دکترای اقتصاد عمومی دانشگاه شیراز، malipourian@yahoo.com

پیشران‌های اثرگذار بر آینده سیاسی قومیت در جمهوری اسلامی ایران و ظرفیت‌های سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت برای مواجهه با آنها

سلیمان طائی حسن لوئی^۱

چکیده:

قومیت و آینده سیاسی آن در جمهوری اسلامی ایران یکی از مباحث مهم جامعه امروز است. رساله حاضر درصدد بررسی این مسئله است که آینده سیاسی قومیت در جمهوری اسلامی ایران و پیشران‌های اثرگذار بر آن با توجه به سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت چگونه خواهد بود و سند الگو چه ظرفیت‌هایی در مواجهه با این پیشران‌ها دارد؟ روش این رساله، توصیفی - تحلیلی و انتقادی با بهره‌گیری از اسناد و منابع کتابخانه‌ای در چارچوب روش آینده‌پژوهانه تحلیل تأثیر بر روند و مطالعه فرصت‌ها و تهدیدهای پیشران‌های آینده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد مهم‌ترین پیشران‌های اثرگذار بر آینده سیاسی قومیت با توجه به سند الگو، جهانی‌شدن و فضای مجازی هستند که هر کدام، فرصت‌ها و تهدیدهایی بر آینده سیاسی قومیت در جمهوری اسلامی ایران دارند. مهم‌ترین تهدید جهانی‌شدن گسترش و رشد هویت‌های قومی فراملی و در نتیجه به چالش کشیده شدن هویت ملی در ایران است. مهم‌ترین فرصت آن هم توجه به نیازها و خواسته‌های اقلیت‌های قومی و نزدیک کردن فرهنگ رسمی و مؤلفه‌های فرهنگی خرده‌فرهنگ‌ها در بستر جهانی‌شدن است. مهم‌ترین تهدید فضای مجازی در ایران تقویت عصیتهای قومی و قبیله‌ای است که به همبستگی‌های قومی منجر می‌شود و روح جمعی در میان اعضای شبکه ایجاد می‌کند و چنانچه عصیتهای قومی در قالب فضای مجازی افزایش یابد، می‌تواند هویت ملی را کم‌رنگ سازد. مهم‌ترین فرصت هم طرح مطالبات قومی و بازنمایی هویت و مطالبات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی اقوام است. لازمه پویا بودن هر سندی علاوه بر ثبات نسبی، امکان‌بازینی، اصلاح و ارتقای آن در زمان‌هایی مشخص دو، پنج و یا ده‌ساله، نیاز مبرم می‌باشد. با پذیرش ساختار کلی سند الگو و همراهی با آن، باید الزامات بازنگری اندیشیده و سازوکارهای آن طراحی شود. یکی از اهداف اصلی رساله، کمک به ارتقای سند الگو در موضوع قومیت است. لذا ظرفیت‌سنجی، توسعه و اصلاح سند الگو در بخش‌های مختلف در قالب پیشنهادها و الحاقات ارائه شده و مهم‌ترین آن این گزاره

۱. علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم (علیه‌السلام)

پیشنهادی در بخش تدابیر است؛ با توجه به روند جهانی شدن و تحولات سریع و گسترده فناوری‌های نوین ارتباطات، اطلاعات و توسعه فضای مجازی و تأثیر بالای آن در ساخت سبک زندگی و قومیت‌های جامعه و مناسبات جامعه جهانی، ایجاد تدبیری در راستای مواجهه هوشمندانه، تمدن‌گرا و غیرمنفعل با این تحولات ضروری به نظر می‌رسد.

واژگان کلیدی: جمهوری اسلامی ایران، قومیت، سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، آینده‌پژوهی، جهانی شدن، فضای مجازی.

تحلیل گفتمان فقر در دولت های سوم تا سیزدهم جمهوری اسلامی ایران

رحمان فراهانی^۱

چکیده:

پس از وقوع انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ در ایران، مسئله عدالت اجتماعی و مبارزه با فقر به یکی از اصلی ترین شعارها و اهداف نظام تبدیل شد. با این حال، در گذر زمان و با شکل گیری دولت های گوناگون، رویکردهای متفاوتی نسبت به تعریف فقر، عوامل پیدایش آن و راهکارهای مقابله با آن پدید آمده است. هر دولتی متأثر از شرایط سیاسی، اجتماعی، ایدئولوژیک و اقتصادی زمان خود، به نحوی خاص فقر را تبیین و تفسیر نموده و سازوکارهایی برای کنترل یا حل آن در نظر گرفته است. در سال های آغازین پس از انقلاب، به واسطه شرایط جنگ تحمیلی، بخش بزرگی از منابع مادی و انسانی کشور، معطوف به تأمین نیازهای دفاعی و حمایت های حداقلی از گروه های آسیب پذیر شد. در این شرایط، نگاه به فقر اغلب تک بعدی بود و ریشه آن بیشتر به «عدم فرصت برابری» یا «محرومیت جنگ زده» تقلیل می یافت. با پایان جنگ و آغاز دوران سازندگی، سیاست های تعدیل ساختاری و آزادسازی اقتصادی روندی جدید در رویکرد به مسائل اجتماعی و از جمله فقر پدید آورد. بسیاری از ابعاد اقتصادی به نیروهای بازار سپرده شد و برخی مسئولیت های اجتماعی دولت کمرنگ تر گردید. از آن پس در دولت های بعدی به ویژه دولت های اصلاحات، اصولگرا و نیز دولت هایی که شعار عدالت گسترتری سرلوحه برنامه هایشان بود گفتمان های متفاوتی درباره فقر و علل آن شکل گرفت. هدف اصلی این پژوهش، تحلیل گفتمان فقر از دولت سوم تا سیزدهم در جمهوری اسلامی ایران و تبیین رابطه میان روایت های رسمی دولت ها در باب فقر و سیاست های اعمال شده برای مقابله با آن است. به بیان دقیق تر، سؤال محوری تحقیق این است که «چگونه دولت های مختلف جمهوری اسلامی، فقر را در اسناد و گفتارهای رسمی خود تعریف کرده اند و این نحوه تعریف چه اثراتی بر فرایند سیاست گذاری، تخصیص منابع و اجرای طرح های مبارزه با فقر داشته است؟» روش پژوهش مبتنی بر تحلیل گفتمان که بر پایه دیدگاه های نظریه پردازانی چون لاکلاو و موفه و نظریه انتقادی فرکلاف استوار شده است. یافته های این پژوهش نشان می دهد که گفتمان فقر در ایران بر اساس رویکردهای ایدئولوژیک و مقتضیات زمانی دستخوش تغییر شد. دولت میرحسین موسوی با

۱. دکترای جامعه شناسی توسعه دانشگاه مازندران، rahmanfarahani81@gmail.com

توجه به محدودیت های جنگ، توزیع کوپنی کالا، نظام حمایتی دولتی، خدمات رایگان به محرومان، اولویت رفاه اجتماعی، برنامه ریزی متمرکز و عدالت محور معیشتی را در نظر گرفت. دولت هاشمی رفسنجانی با تأکید بر جبران عقب ماندگی اقتصادی، آزادسازی ساختاری و خصوصی سازی، کوپن و یارانه های عمومی را کاهش داد. در دوره خاتمی، با اتکا به حقوق شهروندی، سیاست های یارانه هدفمند و حمایت مقطعی از اقشار آسیب پذیر تقویت شد. دولت احمدی نژاد نیز بر توزیع عادلانه منابع، عمران مناطق محروم و ارتقای کیفیت زندگی مستضعفان متمرکز بودند. دولت روحانی با هدفمندسازی یارانه ها، گسترش بیمه سلامت و کمک های نقدی مستمر به محرومان و دولت رئیسی با عدالت معیشتی، پرداخت سبد حمایتی ماهانه، نهضت ملی مسکن و توسعه پایدار اشتغال روستایی، به مقابله با فقر پرداختند. از مجموع بررسی ها چنین برمی آید که گفتمان فقر در جمهوری اسلامی ایران، به ویژه از دولت سوم تا سیزدهم، همواره در تلاطم میان دو دسته روایت کلان بوده است: نخست، روایتی که فقر را عمدتاً ناشی از ساختار اقتصادی، نابرابری و بی عدالتی اجتماعی قلمداد می کند و دیگری، نگاهی که بر نقش فرد و سبک زندگی یا کمبود فرهنگ کار انگشت می گذارد. این دگرگونی های گفتمانی، در کنار عوامل بیرونی همچون تحریم ها و تحولات بین المللی، باعث شده سیاست های ضد فقر حالتی ناپایدار داشته باشد و در بعضی دوره ها شکاف میان اظهارات دولت و عملکرد واقعی بیشتر احساس شود. با این حال، مطالعه گفتمان فقر در این بستر زمانی بلندمدت، درمی یابد که هر جا تعریف های جامع تر و چندبعدی تری از فقر و نابرابری ارائه شده، رویکردهای اجرایی دولت نیز گرایش بیشتری به سیاست های ساختاری نظیر اصلاح نظام مالیاتی، بهبود کیفیت نظام آموزشی، تقویت اشتغال پایدار و حمایت هدفمند از اقشار آسیب پذیر پیدا کرده است. برعکس، هر جا گفتمان ساده سازی شده و تقصیر فقر را بر دوش فرد فقیر یا یک عامل بیرونی منفرد انداخته است، اثربخشی سیاست ها در مقابله پایدار با فقر کاهش یافته است.

واژگان کلیدی: تحلیل گفتمان، گفتمان فقر، دولت های سوم تا سیزدهم، اقشار آسیب پذیر، سیاست های ضد فقر.

تبارشناسی ایده عقب ماندگی در ایران (تا قبل از مقطع انقلاب اسلامی ایران)

رضا پارسا مقدم^۱

چکیده:

فریدون آدمیت (۱۳۸۷-۱۲۹۹)، تاریخ نگار معاصر ایران، در دهه های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ ش. با نگارش دو تک نگاری مانیفست گونه و ایدئولوژیک «اندیشه های میرزا فتحعلی آخوندزاده» و «اندیشه های میرزا آقاخان کرمانی»^۲ برای نخستین بار مفهوم «جاسازشده»^۳، فربه و متورم «عقب ماندگی» که تجلی [تاریخ] اکنونیت آن در تمایز یابی هویتی ایرانیان امروز نیز رؤیت پذیر است، به مثابه هسته های سامان بخش نظام های قدرت- دانش در تاریخ نگاری معاصر ایران، صورت بندی گفتمانی نموده است. به تعبیر دقیق تر تبارشناسانه و غیر سوژه باورانه، مسئله عقب ماندگی در ایران از خلال گفتارهای فریدون آدمیت است که بدل به مسئله می گردد و نظم گفتمانی و نظام های گفتاری پیرامون آن شکل می گیرد و صورت گفتمانی به خود می گیرد. در رساله حاضر، تلاش شده است تا با استفاده از چارچوب نظری- روشی تبارشناسانه میشل فوکو، چگونگی شکل گیری آغازین لحظات تولد و پیدایش صورت بندی گفتمانی عقب ماندگی را از خلال پیوند مفاهیم، موضوعات و راهبردها توضیح دهیم. بدین توضیح که فریدون آدمیت به مثابه کار گزار و حامل اصلی «گفتمان عقب ماندگی» در ایران، با دسترسی منحصرانه و رویداد گونه ای^۴ که در دهه های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ ش. به مکتوبات، نوشته ها و آثار آخوندزاده و کرمانی پیدا می کند و با تأکید، استفاده و استناد همدلانه به آثار و بیان دو گانه این دو منورالفکر متقدم ایران پیشا مشروطه و از خلال گفتارهای آنان که شامل ترکیبی [معجونی] از متون ایدئولوژیک دساتیری [آسمانی] آذر کیوانیان (هم عصر صفویان) و آموزه های ناشی از آن به مثابه بنیان های تئوریک مسئله عقب ماندگی در ایران از قبیل تأکید بر «ایران باستان»، «عرب ستیزی» [بخوانید اسلام ستیزی]، «پارسی نویسی»، «برتری نژادی» با محوریت «نژاد آریایی» بود، در وهله نخست- با ایجاد دو گانه «ایران و انیران» و در گام بعد، به صورت مصرح تر، با ایجاد دو گانه «ایرانیت و اسلامیت» [اعراب] و با درهم ریختن نظم گفتاری مستقر پیشین در تاریخ نگاری ایران،

۱. دکترای جامعه شناسی توسعه دانشگاه تهران، parsamoghadamreza@yahoo.com

۲. برای نخستین بار به ترتیب در سال های ۱۳۴۹ و ۱۳۵۷ در ایران، چاپ و منتشر شده اند.

گفتاری نو پدید آورد و گفتمان عقب ماندگی در ایران را صورت بندی نمود. به سخن دیگر، با این صورت بندی های گفتمانی از خلال گفتارهای فریدون آدمیت به منزله چارچوب های تعین بخش گفتمان های هویتی بود که نظمی جدید در قالب گفتمانی جدید و ایضاً رژیم حقیقت جدیدی بر ساخته شد. انباشت و پدید آمدن تراکم گزاره های گفتمانی (تورم مفهومی) پیرامون دوگانگی مزبور و بدل به گفتمان شدن آن در تاریخ نگاری معاصر ایران، تثبیت این نوع صورت بندی گفتمانی از مسئله «عقب ماندگی» و دست آخر، هژمونیک شدن تاریخ نگاری به سبک و سیاق فریدون آدمیت و بسط نظم گزاره های و نظام های گفتاری پیرامون آن در آثار، نوشته ها و تألیفات نویسندگان و مورخانی همچون، هما ناطق، محمدباقر مؤمنی و برخی دیگر از نویسندگان دهه های ۱۳۳۰ تا ۱۳۵۰ ش؛ و استمرار و امتداد آن در تاریخ نگاری «پسا آدمیت» را رقم زد. پنداشت اصلی رساله حاضر این است که تا پیش از این برهه زمانی (دهه های ۴۰ و ۵۰ ش.) و پیش از تاریخ نگاری فریدون آدمیت، چنین صورت بندی و نظم گفتمانی یا نظام های گفتار پیرامون آن، ظهور نیافته بود و تجمیع و تراکم گزاره ها و گفتارهای حامی صورت بندی گفتمانی مسئله عقب ماندگی در ایران، ناظر به دهه های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ ش. بوده است [و به زعم نگارنده رساله حاضر]، این صورت بندی گفتمانی، امری متأخر و جدید تلقی می گردد. در این صورت بندی گفتمانی، «ایران پیشا اسلامی»، نماد و نشانگر عصر «قدرت و عظمت» و «دوره اسلامی» نمایانگر «ضعف و نابسامانی» ایران انگاشته می شود؛^۱ به سخن دیگر، مسئله عقب ماندگی در ایران از خلال گفتارهای فریدون آدمیت در دهه های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ ش. با برجسته نمودن دو گانه پارادوکسیکال «مقدس انگاری» و «مقصر انگاری» صورت گفتمانی به خود می گیرد؛ بدان سان که با «مقدس انگاری» ایران باستان (ایران پیشا اسلامی) و «مقصر انگاری» اعراب [اسلام]، گفتمان عقب ماندگی در ایران شکل می گیرد؛ بدین معنا که در این صورت بندی، به نسبتی که بر دوره [تاریخ] «ایران باستان» به ویژه سلسله مقدس ساسانیان و شکوه و عظمت آن تأکید می شود، در مقابل، به همان نسبت و چه بسا بیشتر، مقصر انگاری اعراب [بخوانید اسلام] و آنان را عامل تمام بدبختی ها و سیه روزی های ایرانیان پنداشتن، برجسته تر می گردد. در سال های مذکور است که ایده عقب ماندگی که «درجه صفر» آن به طرح در روزنامه رهنما با تعبیر

۱. فریدون آدمیت در کتاب «اندیشه های میرزا فتحعلی آخوندزاده» می نویسد: «شفتگی میرزا فتحعلی به ایران باستانی و انتقاد تند او از ایران اسلامی از لحاظ قیاس تاریخ سیاسی است که یکی عصر قدرت و عظمت بود، دیگری نمودار ضعف و نابسامانی مملکت. در عین اینکه عنصر تازی را تحقیر می کند، ایرانیان را مسئول شکست تاریخی خود می شناسد و این واقع بینی تاریخی او را می رساند (آدمیت، ۱۳۴۹: ۱۲۰).

تمثیل گونه «تشخیص امراض وطن یا دیاگنوستیک ایران»، (بقلم نویسنده‌ای ناشناس که همانا تشابه زیادی با قلم میرزا آقاخان کرمانی دارد، در دوره قاجاریه برمی گردد)، به مثابه پیشا تاریخ گفتمان عقب‌ماندگی در ایران بدل به گفتمان می‌گردد و یک اسلوب بیانی مشخص و منسجم پیدا می‌کند، مفاهیم و موضوعات آن متعین می‌گردد، نظام دانش و نظم گفتار، پیرامون آن شکل می‌گیرد و حوادث، رخدادهای تاریخی، اجتماعی و سیاسی به واسطه آن درک و فهم می‌شود. در این صورت‌بندی گفتمانی، آموزه‌های باستان‌گرایانه، نژاد‌گرایانه و عرب‌ستیزانه این دو مرشد معنوی [آخوندزاده و کرمانی] مورخ برجسته و پرنفوذ تاریخ‌نگاری مدرن [آدمیت] در ابتدا بر آن بود که تا برنامه موجهی برای اصلاحات و انطباق با تجدد فراهم آورد، ولیکن بیش‌تر به صورت ایدئولوژی التقاطی تاریخ زده‌ای درآمد که هدف اصلی‌اش «تسکین درد مواجهه درناک ایرانیان با اروپا» و «حلاجی علل عقب‌ماندگی» ایران بود. در دهه‌های ۱۳۵۰-۱۳۳۰ ش. به موازات و هم‌ارز با گفتمان عقب‌ماندگی، ولیکن (با رویکرد گسست‌محور و نه رویکرد تداوم و پیوست) بی‌ارتباط و فاقد هرگونه نسبت وثیقی با آن، از خلال گفتارها و اقدامات تکنوکرات‌گرایانه غیر سیاسی‌ای نظیر ابوالحسن ابتهاج و تأسیس سازمان برنامه و بودجه (گسست تاریخی) بود که گفتمان [برنامه‌ریزی] توسعه به منصف ظهور رسید. در مقابل گفتمان عقب‌ماندگی، گفتمان «بازگشت به خویش» به مثابه گفتمان رقیب و مقاومت در همان دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ ش. سربر می‌آورد و صورت‌بندی گفتمان عقب‌ماندگی در ایران را به چالش می‌کشد. دست‌آخر، در نتیجه تلاقی نیروها و رخدادها و منازعات هویتی دو گفتمان مزبور و برجسته‌سازی دو گانه «مقدس‌انگاری» ایران پیشا‌اسلامی و «مقصرانگاری» اعراب [اسلام] است که لحظه^۱ خروج مملکت ایران از عقب‌ماندگی پروبلماتیک می‌گردد.

واژگان کلیدی: گفتمان عقب‌ماندگی، رویداد، گسست تاریخی، اکنوئیت، منازعه هویتی، مقاومت، باستان‌گرایی، اسلام‌ستیزی، توسعه، اسطوره آریایی، فریدون آدمیت